

اساسات حقوق ادارى

جمہوری دموکراتیک افغانستان

۶

مؤلف : دکتور عبدالرحیم

کابل ۱۳۶۵

اساسات حقوق ادارى  
جمهورى دموكراتيك افغانستان

مؤلف: دكتور عبدالرحيم



AFGHANISTAN CENTRE AT KABUL UNIVERSITY



3 ACKU 00002828 1

کابل ۱۳۶۵



اساسات حقوق ادارى  
جمهورى دموکراتيک افغانستان

مولف : دکتور عبدالرحيم

جای چاپ : مطبعه حزبى

طرح و ديز اين صفحه اول پشتى از :

موسسه نشراتى کمیته مرکزى ح. د. خ. ا.

تیراژ : ( ۵۰۰۰ )

کابل : جلدی ۱۳۶۵

## فهرست

صفحه	عنوان
الف	مقدمه :
	فصل اول : موضوع حقوق اداری ج. د. ا.
۱	۱- حقوق اداری ج. د. ا. و رابطه آن با سایر رشته های حقوق.
۱۳	۲- خصوصیات عمده حقوق اداری ج. د. ا.
۲۲	۳- اهداف و نقش حقوق اداری ج. د. ا.
	فصل دوم : شخصیت های حقوق اداری ج. د. ا.
۲۹	۱- مفهوم شخصیت های حقوق اداری .
	۲- عناصر لیتر بین ارگسا ن اجراییوی اداره
۳۸	دولتی ج . د . ا . بحیث شخصیت حقوق اداری .
	۳- ارگانهای مرکزی اداره دولتی ج. د. ا.
۴۵	بحیث شخصیت حقوق اداری .
۵۴	۴- ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی بحیث شخصیت حقوق اداری
	۵- نظریات پیرامون کارمندان اداره دولتی، سازمانهای اجتماعی
۶۱	وابع از نگاه موقف آنها بحیث شخصیت حقوق اداری ج. د. ا.

## فصل سوم : منابع حقوق اداری ج. د. ا.

- ۶۹ ۱- مفهوم منابع حقوق اداری .
- ۷۳ ۲- انواع منابع حقوق اداری ج. د. ا. .
- ۳- ضرورت تصنیف بندی ، سیستماتیک ساختن
- ۸۵ و کدو و یفکشن حقوق اداری ج. د. ا.

## فصل چهارم : مفهوم خدمت ، حقوق ، وجایب ، صلاحیت و مسوولیت های کارمندان اداری دولتی ج. د. ا.

- ۹۰ ۱- مفهوم و ماهیت خدمت در اداره دولتی .
- ۹۲ ۲- حقوق و وجایب کارمندان اداره دولتی .
- ۹۹ ۳- صلاحیت و مسوولیت کارمندان اداری دولتی .

## فصل پنجم : خصوصیات عمده اداره دولتی

- ۱۰۵ ۱- مفهوم و ماهیت اداره دولتی ج. د. ا. .
- ۱۱۲ ۲- نقش رهبری کننده ح. د. خ. ا. اساس اداره دولتی ج. د. ا. .
- ۱۱۷ ۳- پرنسپ های اداره دولتی ج. د. ا. .
- فصل ششم : تأمین قانونیت انقلابی در اداره دولتی ج. د. ا.

- ۱۲۳ ۱- مفهوم علمی قانونیت انقلابی در اداره دولتی .
- ۲- روابط متقابل میان کنترل ، تقایش و نظارت
- ۱۲۸ از اجزای ارگانه های اداره دولتی
- ۳- نقش خار نوالی ، قضا و پیشنهادات و شکایات
- ۱۳۳ اتباع در تأمین قانونیت انقلابی اداره دولتی
- ۱۳۹ نتیجه گیری

## مقدمه :

انقلاب ثور به مثابه رویداد سترگه تاریخی مسیر تغییرات و تحولات مترقی را در همه ساحات زندگی اجتماعی گشوده ، شیوه ها و پرنسپ های اداره دولتی عادلانه را طور انحصار بنا نهاد و در نتیجه آن دولت ج . د . ا . به اساس میتود اداره نوین که مهمل واقعی حاکمیت زحمتکشان میباشد ، تأسیس گردید . از همین لحاظ در شرایط کنونی پروسه انقلابی کشور ، درك علمی حقوق اداری و اداره دولتی برای همه رسالت‌مندان اداره انقلابی که مسؤلیت تاریخی اداره دولتی را بخاطر تحقق دگر گونی‌های سیاسی اقتصادی ، اجتماعی و کنتوری به عهده گرفته اند ، بسک امر ناگزیر پنداشته میشود . روی همین اصل است که آموزش دقیق موضوعات حقوق اداری و اداره دولتی میرمیت خاص حاصل نموده است ، زیرا به وسیله شناخت سالم و منطقی حقوق اداری و اداره دولتی حقانیت پدیده ها و پرولم های

مبهم در همه شئون زندگی اجتماعی، مشخص میگردد. همچنان مطالعه موضوعات حقوق اداری و اداره دولتی امکان آثر امیسر میسازد تا کیفیت مورال سیاسی - حقوقی کارمندان اداره دولتی ارتقا و نقش اداره دستگاه اجرایی دولت در دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور به سطح عالی تکامل نماید، چنانچه رفیق لجیب افشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. در یکی از بیانات خود خاطر نشان ساخت:

« ضرورت است تا موازین و مقررات دولتی نوین در همه جا مستحکم گردد. لازم است که در افکار مردم در رفتار و کردار روزمره آنها اخلاق نوین و سیمای نوین زنده گی انقلابی را تثکیم بخشید.»

اکنون قوانین جاریه اداری کشور به نورهای حقوقی جدید انقلابی تعویض گردیده که ساختمان اداره دولتی نوین را تهذاب گزاری نموده و بخصوص اصول اساسی ج. د. ا. و قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی نقش بس ارزشمندی را در سیستم اداره دستگاه دولتی بازی مینماید. در حالیکه قبل از پیروزی انقلاب ثور در سیستم حقوق اداری دولتی بروکراتیسم همه دستگاه اداره دولتی را احتوا نموده بود و در جایجا ساختن کادر هانه تنها اهلیت - شایستگی و استعداد سازماندهی در نظر گرفته نمیشد، بلکه سلسله عوامل ملی - اجتماعی - جنسی و نژادی در تعیین و تقرر کادر های دستگاه اداری نقش موثری داشت. همچنان اصل مرکزیت بدون رعایت دموکراسی در اداره دولتی حکمفرما بود و به همین سان از نیروی وسیع و لایزال مردم در ارگان اداره دولتی استفاده صورت نمیگرفت کسبه همه این دلایل بساعت آن گگردید

تا دستگاه اداره دولتی بیسک ارگان منجمد که پیوندی با مردم نداشت و مبدل ، گردد .

بعد از انقلاب ثور سیستم اداره دولتی رشد قانونمند کیفی را در موجودیت شرایط ناپسامان اداره ، در دستگاه اداری کشور آغاز نموده است . اصل سنترالیزم دموکراتیک بحثابه شیوه تأمین کننده دموکراسی و نظم حقوقی دستگاه اداره دولت قد علم نمود که میتواند جلب زحماتکشان در اداره امور دولتی خصوصیت دموکراتیک سیستم اداره دولتی را بیان میدارد . تحقق اصل رهبری جمعی در کلیه ارگانهای اداری دولت اعم از مرکزی و محلی شیوه دیگریست که تفاوت کیفی سیستم اداره دولتی را با سیستم اداره دولتی قبل از انقلاب بر ملا میسازد .

موضوعات حقوق اداری و اداره دولتی بحثابه پدیده های روبنای جامعه دایره فوق العاده وسیع و ابعاد همه جانبه داشته و در سیستم حقوق اداری و اداره دولتی ج . د . ۱ . پدیده سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری وجود ندارد که تنظیم چگونگی حقوقی آن انعکاس نیابد . از همین لحاظ دولت پیش و عینی مسایل حقوق اداری و اداره دولتی ج . د . ۱ در شرایط جهش اعلان نشده به پدیده معنوی حقوقی ، حایز اهمیت مبدل گردیده است .

باید بخاطر نشان ساخت که فعلاً در دستگاه اداره دولتی نبرد میان تیوری نوین و تیوری کهن حقوق اداری جریان داشته که تیوری نوین حقوق اداری و اداره دولتی روز بروز به عامل آگاهی سیاسی حقوقی زحماتکشان کشور نقش مبرمی را حایز میگردد ، از همین لحاظ حقوق اداری و اداره دولتی نه تنها برای آموزش ضروری است ، بلکه جهت بسکاربردنورمهای حقوق اداری در اداره دولتی بخاطر ایجاد و تنظیم روابط اجتماعی نوین حتمی پنداشته میشود .



در اوضاع واحوال کنونی، حقوق اداری و اداره دولتی از نقطه نظر تیوری و پرائیکت اهمیت خاص سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کلتوری کسب نموده، زیرا به اساس نورمهای حقوق اداری میتوان حقانیت پدیده‌ها و پروبلم‌های ناشی از نقش اداره را درک نمود.

قابل یاد دهان نیست که تکامل تاریخی حقوق اداری و اداره دولتی رابطه دیالکتیکی بارشد و تکامل دولت و حقوق داشته، حقوق به‌مثابه یک پدیده سیاسی هم‌زمان با پیدایش دولت به این منظور تبارز نمود که، وقف طبقه حاکم را در همه ساحات زندگی اجتماعی جنبه قانونی و نظم حقوقی ببخشد، یعنی دولت بعد از ظهور برای حفظ موقف طبقه حاکم و قانونی جاوه دادن این موقف دست به ایجاد تیورم‌های حقوقی می‌زند و متناسب به تیپ خویش حقوق اداری و اداره دولتی خاص را ایجاد می‌نماید. از آنجائیکه دستگاه دولتی با تأسیسات متعدد خود نقش مهمی را در رهبری و اداره پر و سه‌های اجتماعی دارد، حقوق نیز در کلیه این عرصه‌ها جهت تأمین نظم حقوقی در حال گسترش است که به دو کتگوری: (حقوق عمومی و حقوق خصوصی) تصنیف می‌گردد. که یکی از بخشهای حقوق عمومی داخلی، حقوق اداری است که در مورد مسایل مربوط به فعالیت شخصیت‌های حقوقی حقیقی و حکمی دستگاه اداره دولتی بحث می‌نماید.

فقط بر پایه تیوری طبقات و مبارزات طبقاتی میتوان ماهیت و خصلت طبقاتی حقوق اداری و اداره دولتی را درک نمود و نقش آن را در تنظیم روابط اجتماعی اداری متبلور ساخت.

چون موضوع تحلیل ما، حقوق اداری و اداره ج. د. ا. می‌باشد، بناً این پدیده‌های سیاسی و بنیانی را از نگاه اساسات علمی تحت بررسی قرار می‌دهیم.

از آنجا که هر رشته حقوق موضوعات تحقیقاتی بخصوص دارد، حقوق اداری به مثابه رشته مستقل حقوق نیز موضوعات مشخص را دارا است. حقوق اداری بهیچ یک مضمون مستقل ظهور و تکامل نورمهای حقوقی مربوط به موضوع خویش ادرار نباط ساختمان تشکیلاتی ادار کارگان اجرایی دولت طالع می نماید. فلذا حقوق اداری ج. د. ا. از فعالیت اداره ارگانهای اجرایی مرکزی و محلی دولت ج. د. ا. بحث می نماید.

طبیعی است که تحقق وسیع علمی حقوق اداری ج. د. ا. کار سهل و ساده نیست، زیرا مناسبانه ناهنوز حقوق اداری ج. د. ا. شکل کامل نیافته و در حال تغییر بسوی تکامل می باشد، از سوی دیگر حقوق اداری و اداره دولتی از نکته نظر وسعت محتوای خویش آنقدر گسترده است که از زیابی همه جانبه آن دشوار می باشد.

این یک واقعیت مسلم علمی است که اداره دولتی به اساس نورمهای حقوق اداری تنظیم میگردد. اگر نورمهای حقوق اداری متناسب به خصیصت طبقاتی دولت تدوین گردیده باشد طبیعی است که اداره دولتی نیز متناسب به آن فعالیت می نماید. البته اداره دولتی بدون نورمهای حقوق اداری مفهوم نداشته و در امر حقوق اداری و اداره دولتی لازم و ملزوم یکدیگر اند و در مقطع مشخص زمانی تأثیرات متقابل بالای یکدیگر وارد می نمایند. نکته قابل تأکید اینست که حقوق اداری و اداره دولتی از عینیت تنظیم نمودن و اداره کردن پدیده های سیاسی، اقتصادی، اجزاعی و کلتوری در سطح انجام وظایف و مسوولیت های دولت، منشأ میگیرد. از طرف دیگر بدون اداره و مسالمت دولتی نمیتوان علمی ترین پروگرام و برنامه علمیاً تنظیم شده را تحقق

بخشید و بدون نورمهای حقوق اداری نمیتوان اداره سالم دولتی داشت و هله بدون در نظر داشت تحقق پرنسیپ لیکنی جایجا ساختن کادر ها در اداره دولت نمیتوان اداره سالم را ایجاد کرد.

اثر هذابه اساس میتودولوژی علمی نگارش یافته و مفردات آن فقط به حقوق اداری و اداره دولتی ج. د. ا. اختصاص داده شده است، سعی بعمل آمده تا مطالب بصورت فشرده بیان و ارتباط منطقی میان فصول شش گانه، بشکل سیستماتیک حفظ شود.

دلایل متعددی وجود دارد که ضرورت نشر این اثر را در شرایط کنونی کشور مطرح میسازد.

- قبل از همه دستگاه اداره دولتی کشور به کارگزارانی که با احساس عالی مسوولیت و برخورد اصولی به کار و وظیفه شناسی مجهز باشند ضرورت دارد، زیرا خدمت در دستگاه اداره دولتی بدون اهلیت، شایستگی و آشنائی با هئز اداره دولتی، ممکن نخواهد بود، و کارمندان اداره دولتی زمانی با این پدیده ها معرفت حاصل خواهند نمود که آشنائی لازم بنا حقوق اداری و اداره دولتی داشته و از محتوای آن وظایف و مسوولیت های خود را درک نمایند.

- دستگاه اداره اجرایی دولتی باید سیستماتیک عمل نماید، یعنی با تحلیل عینی از شرایط موجود کشور، اقدامات دستگاه اداره دولتی باید منطقی، دقیق و باهم مرتبط باشد که این خود مبین رابطه نزدیک حقوق اداری و اداره را بیان میدارد.

- رهبران و کارمندان ارگانهای اداره دولتی باید از یکسو با دستاورد های نوین ماینس و تکنالوژی در ساحت کار خود آشنائی کافی داشته و از

سوی دیگر قدرت سازماندهی و تشکل مردم را دارا باشند تا بتوانند جهت برآورده شدن اهداف انقلاب از نیروی وسیع مردم استفاده نمایند. جلب وسیع زحمتهای آنان در دستگاه اداره دولتی، اساسی ترین وسیله ای است به منظور دموکراتیک ساختن اداره دولت .

- ضرورت مبارزه بی امان علیه بروکراتیزم در دستگاه اداره دولتی و اساسی ترین شیوه به منظور رفع این نقیصه آن است که کارمندان دستگاه اداره دولتی حقوق اداری و اداره دولتی را بیاموزند تا شیوه های منظم کار کردن را بدانند .

- تکامل بیشتر ماشین اداره دولتی و گسترش آن از یک طرف و ظایف متنوعی را در برابر دولت قرار داده است و از سوی دیگر ضرورت درک علمی سیستم نوین دستگاه اداره دولتی اعم از مرکزی و محلی را مطرح میسازد. هدف تحریر و نشر این اثر کمک بکار آموزش سیاسی هموطنانی است که بطور رسالتمند و با تقوای انقلابی در اداره دولتی ج. د. ا. خدمت مینمایند، ولی هنوز از مبادی دانش علمی در باره حقوق اداری و اداره دولتی معلومات منظم ندارند .

چون درین اثر موضوعات هر چه بیشتر ضروری حقوق اداری و اداره دولتی توضیح و تشریح گردیده سودمند محسوب خواهد گردید تا قبل از همه مورد توجه کارمندان و مسوولین اداره مرکزی و محلی ارگانهای اجرایی و اداره دولتی؛ دانش آموزان پوهنهی حقوق پوهنتون کابل و بخصوص مورد استفاده محصلین فاکولته کادر های دولتی مربوط به انستیتوت علوم اجتماعی کمیته مرکزی قرار گیرد تا آنها با سیستم نوین دستگاه اداره دولتی کیور آشنائی یابند و نقش درخور توجه خویش را در جهت بهبود و تشکل بهتر دستگاه اداره دولتی ایفا نمایند .

## فصل اول

### موضوع حقوق اداری جمهوری دموکراتیک افغانستان

۱ - حقوق اداری ج. د. ا. و رابطه آن با سایر رشته های حقوق :

الف : مفهوم حقوق اداری ج. د. ا.:

طوریکه میدانیم هر رشته حقوق روابط اجتماعی مشخص و معین را تنظیم حقوقی می بخشد و موضوع تحقیقاتی بخصوص خود را دارا است که روابط عمومی همگون اجتماعی را به وسیله نورمهای خود شکل قانونی میدهد ، از همین لحاظ رشته های حقوق به اساس موضوع مورد بحث خویش از یکدیگر تفکیک میگردند . رشته های حقوق ج. د. ا. از یکدیگر قبل از همه به اساس تنظیم حقوقی ، مضمون روابط اجتماعی که متناسب به نورمهای همان رشته حقوق می باشند فرق میشوند . پایه عباره دیگر

هر یک از رشته‌های حقوق ج. د. ا. شکل معینی از روابط اجتماعی را تنظیم حقوقی می‌بخشد و از یکدیگر مناسب به موضوع و استقلالیت تیوریک و پراتیک خویش مجزا میگردند ولی با آنها هم خصالت ملی و ده‌و‌گرا تیک روابط اجتماعی را همه رشته‌های حقوق ج. د. ا. در وحدت و روابط متقابل با یکدیگر ، در تمام ساحات اجتماعی ، انعکاس میدهند .

حقوق اداری ج. د. ا. یک بحثی از حقوق عمومی داخلی است و روابط اجتماعی مختلف را در فعالیت اداره دولتی در بخش ارگانهای اجرائیوی دولت مورد مطالعه قرار میدهد . حقوق اداری ج. د. ا. از جمله رشته‌های مهم سیستم حقوقی ملی کشور محسوب میگردد که فعالیت ارگانهای اداره دولتی که متشکل از شورای وزیران ، وزارتخانه ها ، کمیته های دولتی ، ارگانهای محلی اداره دولتی و کمیته های اجرائیوی جریه نمایندگان مردم ، ادارات و موسسات دولتی است که روابط متقابل میان آنها و روابط این ارگانها را با کارمندان آن نظم حقوقی میدهد . قابل یادآور است که حقوق اداری در هر دولت به مثابه مجموعه قواعد یا نورمهای لازم الاجراء به منظور تنظیم روابط و اعمال اداره دولتی وضع میگردد . زیرا حقوق اداری لازمه دولت بوده و هیچ دولتی بدون حقوق اداری نمیتواند اعمال اداره دولتی را شکل قانونی بدهد .

بدین لحاظ بخاطر فعالیت ارگانهای اجرائیوی مرکزی و محلی اداره دولتی ، حقوق اداری حتمی و ضروری پنداشته میشود .

حقوق اداری ج. د. ا. به مثابه رشته خاص حقوق ملی در حقیقت مجموعه معین روابط اجتماعی ای که در ساحات اداره دولتی ظهور نماید ، تنظیم میکند و از همین لحاظ گفته میتوانیم که تمام فعالیت های اداره دولتی

به شکل فورمهای حقوق اداری ج. د. ا. تبارز مییابد .

بسادر نظر داشت مطالب ارائه شده میتوان بطور فشرده مفهوم حقوق اداری ج. د. ا. را چنین بیان کرد : حقوق اداری ج. د. ا. عبارت از مجموعه قواعد حقوقی میباشد که روابط اجتماعی را از یکطرف در فعالیت های ارگانهای اداره دولتی و روابط ارگانهای اداره دولتی ابایکدیگر و اعمال اجرائیوی اتباع و سازمانهای اجتماعی را نظرموظایف محوله شان در برابر دولت از طرف دیگر تنظیم مینماید . پس حقوق اداری ج. د. ا. به وسیله نورمهای خود آن روابط اجتماعی ایکه در ساحه اداره دولتی و یا در پروسه فعالیت ارگانهای اجرائیوی دولت ظهور مینماید تنظیم میکند که البته این فعالیت هامتووع و مختلف بوده و بطور فشرده عبارتست از :

— طرح و عملی نمودن پلانهای اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و

کلتوری .

— کنترل و تقدیش از اجراآت دستگاه اداری دولتی .

— حل پرابلم های مشخص در دستگاه اداری دولتی .

— تشکیل و صلاحیت های دستگاه اداره دولتی .

— تعیین ، عزل ، تقرر و تبدیل کادرهای دستگاه اداره دولتی .

— حقوق و وجایب مسوولین اداره دولتی .

— تسجویز مقررات الزامی اداری .

البته در جریان فعالیت روز مره ارگانهای اداره دولتی وظایف مشخص

تحقق می پذیرد که به وسیله نورمهای حقوق اداری تنظیم مییابند. نورمهای

حقوق اداری در ذات خود متعدد و متنوع ؛ ده که وظیفه تنظیم روابط اجتماعی

را در ساحه اداره دولتی دارند بدین ا س حقوق اداری ج. د. ا. در ساحه

اداره دولتی و در ارتباط با عملی نمودن وظائف دولت ج. د. ا. ظهور نموده که اصول اساسی ج. د. ا. ، قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی و مقررات وزارتخانه ها و کمیته های دولتی نقش مبرم را در غنای آن ایفاء مینماید که البته تکامل بعدی خود را در تدوین و انفاذ قانون اساسی ج. د. ا. کسب خواهد کرد ، زیرا انکشاف حقوق اداری ج. د. ا. رابطه نزدیک به برقراری و توسعه سیستم اداره دولتی و قانونگذاری درین ساحه دارد. همچنان حقوق اداری ج. د. ا. مسوولیت ناشی از نقض حقوقی اداری و شکل فعالیت ارگانهای اداره دولتی و مسوولین اداری را نیز بررسی مینماید ، زیرا ارگانهای اداره دولتی کاملاً در فعالیت خویش تابع مقررات و قواعد خاص حقوق اداری ج. د. ا. میباشد .

### ب : موضوع حقوق اداری ج. د. ا. :

موضوع بحث حقوق اداری را نورمها و قواعد مسلط بر دستگاه اداره دولتی تشکیل میدهد که شخصیت های حقوقی ، صلاحیت و مسوولیت شخصیت های حقوقی اداری ، حقوق و وجایب آنها ، روابط متقابل میان شان را از نکتة نظر حقوقی مورد ارزیابی قرار میدهد ، یعنی حقوق اداری تنها ارگان اجرایی دولت را با جنبه حقوقی آن مورد مطالعه قرار میدهد . بملاحظه میرسد که موضوع حقوق اداری ج. د. ا. را از کیلالت ، وظایف ، صلاحیت و اختیارات اداراتی که مجموعه آنها قوه اجرایی (مجریه) مرکزی و محلی میباشد ، تشکیل میدهد . باینه عبارت دیگر موضوع حقوق اداری ج. د. ا. را وظایف و مشاغل اداره دولتی ارگان های اجرایی مرکزی و محلی تشکیل داده که وظیفه اساسی آنرا تأمین منافع عمومی دولتی که تحت رهبری ارگانهای اداره دولتی تحقق مینماید در بر داشته ، یعنی دولت بواسطه ادارات اجرایی خود



انواع مختلف فعالیت ها را در شئون مختلف اجتماعی اعمال مینماید که هدف مذکور تأمین منافع دولتی میباشد. از همین لحاظ گفته میتوانیم که حقوق اداری ج. د. ا. عبارت از مجموعه قواعد و یا نورمهای لازم الاجرا میباشد که بمنظور تنظیم روابط اجتماعی- اداری و رهبری اداره ارگان اجرایی دولت وضع میگردد. باید علاوه نمود که موضوع حقوق اداری ج. د. ا. را مطالعه و ارزیابی اساسات ساختمانی و تشکیلاتی ارگانهای اداره دولتی به منظور تنظیم روابط اجتماعی در چوکات و پروسه فعالیت ارگانهای اجرایی اداره دولتی تشکیل میدهد. روی همین اصل گفته میتوانیم که حقوق اداری ج. د. ا. مشتمل از نورمها و پرنسپ های حقوقی میباشد که روابط میان فاعلین اداره دولتی را تنظیم و بصورت عموم حقوق و مکلفیت های ارگانهای اداره دولتی و مسوولین امور و کارمندان ارگانهای اجرایی اداره دولتی را معین مینماید. بدین اساس حقوق اداری ج. د. ا. قبل از همه به فعالیت ارگانهای اداره دولتی و پرنسپ و ونل آنها ارتباط دارد. همچنان حقوق اداری ج. د. ا. ظهور، برقراری، تکامل و باقطع شدن آن روابط اجتماعیه که در ساحه فعالیت دولتی صورت میگردد تنظیم حقوقی می بخشد. این بدان معنی است که حقوق اداری تأثیرات تنظیم کننده حقوقی خویش را به آن عده اشکال روابط اجتماعی که به طور مستقیم در حدود فعالیت های عملی و اجرایی ارگان های اداره دولتی قرار داشته باشد وارد می نماید.

روابط اجتماعی که بخاطر تحقق وظایف ارگانهای اجرایی اداره دولتی لازم پنداشته شود (روابط اجتماعی اداری) نیز بوسیله حقوق اداری تنظیم میگردد. تماس به این نسکه مهم اجازه میدهد تا پیرامون آن عده از روابط

اجتماعی که روابط اداری نامیده میشود و بوسیله حقوق اداری تنظیم می یابد بطور فشرده توجه خویش را به توضیح آن معطوف نمائیم .

باید گفت که آن عده از روابط اجتماعی را روابط اداری نامیده میتوانیم که در آن نخست از همه شخصیت های اجرایی دولتی یعنی ارگان اداره و یا اشخاص مسوول اداری شرکت داشته باشند، دیگر آنکه شرکت کننده گان این نوع روابط اجتماعی برای انجام فعالیت باید دارای صلاحیت باشند. بدین صورت توانستیم سرحد مشخص میان روابط اجتماعی و روابط اجتماعی اداری که هر دو بوسیله حقوق اداری تنظیم میشوند همین نمائیم. براتیکه اداره دولتی و مطابق به آن حقوق اداری نشان میدهد که بشمار روابط اجتماعی - اداری روابط آئنی را شامل ساخته میتوانیم: روابط اداری میان ارگانهای مختلف اداره دولتی که تحت اثر یکدیگر نباشد مثلاً میان دو وزارت خانه، میان کمیته اجرایی جبرگه نمایندگان مردم و اداره موسسه ای که در ساحه آن قرار داشته باشد .

- روابط اداری میان ارگانهای اداره دولتی، موسسات و تصدیهای دولتی.

- روابط اداری میان ارگانهای اداره دولتی و سازمانهای اجتماعی.

- روابط اداری میان ارگانهای اداره دولتی و اتباع .

با در نظر داشت مطالب فوق روابط اجتماعی-اداری، بدون شرکت ارگان اداره دولتی که به نمایندگی از دولت اداره آنرا در ساحه اداره دولتی بیان بخورد، ظهور کرده نمیتواند، زیرا حقوق اداری فقط آن روابط اجتماعی را در ساحه اداره دولتی تنظیم مینماید که به اجراءات ارگان اجرایی اداره دولتی ارتباط داشته باشد. همچنان حقوق اداری ج. د. ا. نوع دیگر روابط اجتماعی را که تنها خصوصیت اداری

دانشه باشد نیز تنظیم مینماید، یعنی روابط داخلی تشکیلاتی که در نتیجه فعالیت ارگانهای دولتی ظهور نموده باشد .

بالاخره توانستیم با مجموعه روابط اجتماعی که موضوع بحث حقوق اداری ج. د. ا. را تشکیل میدهد بطور مختصر معرفت حاصل نمائیم.

اگر حقوق اداری ج. د. ا. را به مثابه علم ارزیابی نمائیم به این نتیجه می‌رسیم که موضوع بحث آنرا مطالعه مسایل ذیل تشکیل میدهد :

- مطالعه ، بررسی و ارزیابی نورمهای حقوق اداری جاریه ج. د. ا.  
- مطالعه رشد و تکامل تاریخ حقوق اداری قبل از انقلاب ثور و بعد از پیروزی انقلاب ثور .

- مطالعه جهات مهم و اساسات تیوری که حقوق اداری قبل از انقلاب ثور و بعد از پیروزی انقلاب ثور .

- ارزیابی تجارب ارگانهای اداره دولتی ، ساختمان تشکیلاتی و شکل ارتباط اجتماعی آنها .

از آنجائیکه اساسات تیوری که علم حقوق اداری ج. د. ا. را اندیشه های پیشرو عصر ما تشکیل میدهد که بطور انطباقی در بر نامه عمل ج. د. خ. ا. و مصوبات پلینوم های کمیته مرکزی ج. د. خ. ا. انعکاس یافته است ، فلذا توضیح موضوع حقوق اداری ج. د. ا. را به مثابه علم میتوانیم در اسناد فوق‌الذکر مطالعه نمائیم :

ج : رابطه حقوق اداری ج. د. ا. با سایر رشته های حقوق داخلی :

۱ - رابطه حقوق اداری با حقوق اساسی ( دولتی )

از آنجائیکه موضوع بحث حقوق اساسی را مطالعه جنبه های حقوقی کلیه ارگانهای دولت تشکیل میدهد که ارگانهای دولتی به وسیله اصول

اساسی ج. د. ا. مشخص شده عبارت است از: شورای انقلابی، شورای وزیران، ستره محکمه، شار نوآسی که مباحث مربوط به این ارگان و طرز العمل تشکیل، حدود امتیازات و روابط آنها با یکدیگر موضوع بحث حقوق اساسی میباشند همچنان پرنسپ های سهمگیری اتباع کشور را در این ارگانها، حقوق و وجایب آنها را از نکتہ نظر حقوقی در برابر همه ارگانهای دولت ارزیابی مینماید. در حالیکه موضوع بحث حقوق اداری ج. د. ا. را مطالعه جنبه های حقوقی قوه اجرائیه که یکی از ارگانهای دولت میباشد تشکیل میدهد. باید خاطر نشان ساخت که حقوق اداری ج. د. ا. رابطه نزدیک با حقوق دولتی ج. د. ا. دارد زیرا حقوق دولتی اساسات اصول سیاست و خطه شی عمومی دولت را طرح و تعیین مینماید که حقوق اداری به وسیله نورمهای خوبش آنرا تحقق می بخشد یعنی وقتیکه اصول خط مشی عمومی دولت روشن شد حقوق اداری آن اصول را به موقع اجرا میگذارد.

مطابق ماده (۴۶) اصول اساسی ج. د. ا. اداره دولتی یعنی ارگانیکه عهده دار اعمال اداری است شورای وزیران و مطابق به قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی، کمیته های اجرائیوی جرگه های محلی نمایندگان مردم میباشند. شورای وزیران که ارگان مهم اداره دولتی است در عین حال عالیترین مقام اداری و مسوول اداره امور عمومی نیز بوده، زیرا امور اداری مربوط به قوه اجرائیه و اداره امور عمومی دولتی به این دستگاه واحد اداره تعلق میگیرد.

طوریکه ملاحظه گردید تمام اعمال قوه اجرائیوی مرکزی و محلی که از اداره دولتی ناشی میشود شامل موضوع حقوق اداری ج. د. ا. میگیرد.

بادر نظر داشت مطالب فوق باید متذکر گردید که سرحد مشخص میان  
 موضوع حقوق اساسی ج. د. ا. و حقوق اداری ج. د. ا. وجود دارد و  
 تفکیک سرحدات موضوعات این دور شده حقوق در ج. د. ا. دقیقاً مشخص  
 نیست، زیرا حقوق دولتی ج. د. ا. پرنسپ های اداره دولتی، تشکیلات  
 و فعالیت ارگانهای اداره اجرایی دولت موقف و نقش آنرا در سیستم  
 ارگانهای دولت به اساس اصول اساسی ج. د. ا. مشخص نموده که در  
 عین حال حقوق اداری ج. د. ا. به وسیله نورمهای خویش مطابق اصول  
 اساسی ج. د. ا. ساختمان تشکیلاتی دستگاه اداره دولتی، وظایف و  
 روابط متقابل میان ارگانهای مختلف اداره دولتی، صلاحیت مسوولین  
 ادارات، شکل سازماندهی حقوقی رهبری آنها را تنظیم مینماید. و حقوق  
 اداری جنبه های حقوقی ارگانهای اجرایی اداره دولتی را بصورت  
 اختصاصی مورد بحث قرار میدهد در حالیکه بررسی ارگان اجرایی  
 موضوع مطالعه حقوق اساسی را به صورت عموم در ارتباط سایر ارگانهای  
 دولتی، تشکیل میدهد و این امر رابطه حقوق اداری را با حقوق اساسی بیان میدارد.

## ۲ - رابطه حقوق اداری با حقوق کار :

به اساس پرابلم های عامیگه حقوق اداری ج. د. ا. با حقوق کار در  
 ساحه تنظیم روابط اداری دارند، با هم ارتباط میگیرند. مثلاً عقد  
 قرار داد های جمعی به وسیله نورمهای حقوق اداری تنظیم میشود همچنان  
 شرایط و طرز العمل استخدام در ارگانهای دولت به وسیله حقوق اداری  
 تنظیم میگردد. ولسی موضوع مطالعه حقوق کار را تنظیم حقوقی نکات آنی  
 تشکیل میدهد :

تنظیم حقوقی پذیرش (استخدام) و قطع شدن مناسبات کار، تعیین ساعات کار، تأمین دستمزد کار، مسوولیت ماهی کارمندان، تشویق کارمندان، حفظ و مراقبت از شرایط کار کارمندان، مناسباتی که میان کارمندان در پروسه کار بوجود می آید. مسایل مربوط به تریبه تخصصی کارمندان و مناسبات اتحادیه های صنفی با مقامات اداره دولتی در رابطه با کار و حقوق کارمندان.

کلیه نورمهای مندرک در دستگاه اداره دولتی نیز مورد استفاده قرار میگیرد، زیرا کار در ارگان اداره دولتی مطابق به قواعد حقوق کار و فعالیت ارگان اداره دولتی به وسیله قواعد حقوق اداری تنظیم میگردد از اینجاست که میتوان گفت که حقوق اداری ج. د. ا. با حقوق کار رابطه نزدیک دارد.

### ۳ - رابطه حقوق اداری با حقوق مدنی :

حقوق اداری ج. د. ا. با حقوق مدنی به اساس خطوط مشرک در ارتباط اموال و دارائی ها بایکدیگر همسرحداند. حقوق اداری روابط مالی که در نتیجه اجراءات ارگانهای اداره دولتی ظهور مینماید تنظیم حقوقی به آن می بخشند مثلاً به اساس نورمهای حقوق اداری ضبط و مصادره اموال، تحویلدهی اموال که در نتیجه تجدیدتشکیلاتی از یک ارگان به ارگان دیگر تعلق بگیرد تنظیم میگردد. درحالیکه حقوق مدنی از روابط خصوصی افراد بحث میکند و مستقیماً حافظ منافع خصوصی و شخصی آنهاست. بر خلاف، حقوق اداری از روابط عمومی یعنی روابط حقوقی در سطح فعالیت اداره دولتی که هدف آن مستقیماً تأمین منافع و مصالح دولت است بحث مینماید.

#### ۴ - رابطه حقوق اداری با حقوق مالی :

تا اکنون مسایل بودجه ، مالیات ، در آمد و مخارج دولت جز وظایف ارگان های اجرائیوی اداره دولتی ج . د . ا . بوده و جز حقوق اداری محسوب میگردد ، زیرا تا هنوز حقوق مالی ج . د . ا . تدوین نگردیده و پروسه طرح آن جریان دارد ، ولی بهر صورت مسایل مالی مربوط به ارگان اجرائیوی است که بوسیله حقوق اداری ج . د . ا . تنظیم میاید . چون بنیبه مالی دستگاه اداره دولتی از طریق عواید گمرکی ، پرداخت مالیات و سایر عواید تقویت میگردد ، نظم حقوقی آنها باید با وسیله حقوق مالی تنظیم گردد .

#### ۵ - رابطه حقوق اداری با حقوق جزا :

چون موضوع مطالعه حقوق جزا را مباحث جرایم و تعیین مجازات برای مجرمین در ساحات مختلفه تشکیل میدهد ، فلذا در بعضی موارد نورمهای آن بالای کار مندان اداره دولتی متخلف که مسوولیت جرمی متوجه آنها باشد نیز قابل تطبیق است . کار مندانی که وجایب اداری خود را ایفا نمیکنند و یا مقررات اداری را رعایت نمی نمایند مطابق نورمهای حقوق اداری مورد مجازات قرار میگیرند و این مبین رابطه حقوق اداری با حقوق جزا میباشد . زیرا حقوق اداری به اساس خطوط مسوولیت کار مندان اداره دولتی با حقوق جزا ارتباط میگیرد . البته نظر به موقف اداری کار مندان اداره دولتی مسوولیت اداری شکل دسپلینسی را دارا بوده و اگر هم مسوولیت جزائی در قانون جزا پیشبینی شده باشد و بکار مندان اداره دولتی ارتباط بگیرد طبعاً چنین مسوولیت در اداره دولتی بوسیله حقوق اداری تنظیم میگردد .

#### ۶ - رابطه حقوق اداری با علم اداره :

حقوق اداری نسبت به سایر رشته های علوم حقوقی به علم اداره زیاد تر

نزدیک بوده، زیرا هر دو از زوایای معینی را جمع به یک پدیده سیاسی-اجتماعی که اداره دولتی یا ارگان اجرایی دولتی نامیده میشود بحث مینمایند، ولی وجود اختلاف آنها در این است که حقوق اداری از جهات و جنبه های حقوقی، ارگان اداره دولتی یعنی قوه اجراییه دولت را تحلیل مینماید؛ در حالیکه علم اداره جهات و جنبه های غیر حقوقی یعنی جنبه های فنی کلیه ارگانهای دولتی و بخصوص ارگان اجراییه اداره دولتی را مورد بررسی قرار میدهد و به هیچ وجه مباحث و مسایل حقوقی ارگانهای دولتی، شامل علم اداره شده نمیتواند.

حقوق اداری ارگان اجرایی اداره دولتی را به مثابه ارگانیزم واحد که دارای حقوق و مکلفیت ها میباشد مورد ارزیابی و فعالیت آنرا شکل قانونی مینماید. در حالیکه علم اداره تحقیق درباره کشف، طرق و روشهایی است که اداره ارگان به نحو بهتر بتواند فعالیت نماید و یا به عباره دیگر از قریب سازماندهی به طریق توزیع کار، روش صحیح استخدام، تدابیری که در کارمندان ایجاد اعتماد، علاقه و انضباط نماید تا حاصل و باز دهی کار بالا رود و رسیدن به هدف را آسانتر نماید، بحث میکند بنابراین موضوع علم اداره خیلی وسیع بوده و آن ممکن است شامل موسسه رسمی مانند دولت و یا سازمانهای غیر رسمی باشد، در حالیکه موضوع حقوق اداری صرفاً مطالعه روابط حقوقی ارگانهای اداره دولتی، مرکزی و محلی میباشد که نورمهای آن به اداره دولتی ارتباط دارد.

علم اداره نه تنها اداره را بطور کل یعنی در همه ساحات، بلکه اداره دولتی را به طور اخص نیز بررسی میکند مگر در هر صورت روابط اجتماعی در بخشهای مختلف اداره دولتی بوسیله نورمهای حقوق اداری تنظیم میگردد.



به همان پیمانۀ آنکه علم اداره تکامل نماید، حقوق اداری هم تکامل مینماید .

## ۲- خصوصیات عمده حقوق اداری ج. د. ا. :

برای اینکه خصوصیات حقوق اداری ج. د. ا. را درک و معرفت علمی حاصل نمائیم باید قبل از همه خصوصیت طبقاتی، خصوصیت نورمها و خصوصیت سیستم حقوق اداری را در نظر بگیریم :

### الف : خصوصیت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. :

مهمترین خصوصیت حقوق اداری ج. د. ا. خصلت طبقاتی آن است . خصوصیت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. درین امر نهفته است که حقوق اداری ج. د. ا. از منافع کدام طبقه حمایت، دفاع و پشتیبانی مینماید؟ بیانگر و یا انعکاس دهنده اراده کدام طبقه مشخص در فعالیت ارگان اداره دولتی است و یا در خدمت چه کسانی قرار دارد ؟

در واقعیت امر خصلت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. را ماهیت طبقاتی دولت ج. د. ا. انعکاس و معین مینماید و از جانب دیگر خصوصیت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. بیانگر خصلت طبقاتی ارگان اجرایی اداره دولتی میباشد. طریقی که از پراکتیک ارگانهای اجرایی اداره دولتی ج. د. ا. برمی آید حقوق اداری ج. د. ا. منافع سیاسی - اقتصادی، کلتوری، زحمتمکشان را در سیستم نورمهای خویش تنظیم و شکل قانونی می بخشد و از همین لحاظ اداره دولتی در خدمت همه زحمتمکشان قرار گرفته که بدین اساس گفته میتوانیم که خصوصیت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. در اهداف انقلاب ملی - دموکراتیک ثورانعکاس می یابد که فعالیت اداره دولتی را در این سمت جهت بندی نموده و بمثابه وسیله تنظیم کننده روابط اجتماعی در ساحه فعالیت ارگانهای اجرایی اداره دولتی عمل مینماید .

خصلت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. در مشخصه اجباری بودن آن نیز تبارز می یابد. یعنی حقوق اداری قوه جبریه داشته و بمشابه عمده ترین وسیله تنظیم کننده فعالیت طبقاتی ارگانهای اجرایی دولتی محسوب می گردد. قابل یاد آور است که مشخصه اجباری بوده حقوق اداری ج. د. ا. در واقعیت امر مطابق به مذاق همه زحمتکشان کشور بوده، زیرا- قوق اداری وظیفه تحکیم بخشیدن دست آورد های انقلاب ثور را در همه ساحات زندگی اجتماعی بدوش ارگان اداره دولتی قرار داده است.

اساسات خصلت طبقاتی حقوق اداری و اداره دولتی به اساس برنامه عمل ج. د. خ. ا. مشخص شده، روی همین اصل حقوق اداری ج. د. ا. در جهت انکشاف پایه های اجتماعی انقلاب ملی و دموکراتیک و پایه های اجتماعی ارگانهای اداره دولتی سوق داده میشود.

خصوصیت عمده طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. عبارت از آنست که نه تنها ساحات اداری-سیاسی و رابط اجتماعی را به وسیله ارگانهای اداره دولتی تنظیم مینماید، بلکه ساحات تولیدات مادی را نیز به نفع توده های وسیع زحمتکشان کشور تنظیم حقوقی می بخشد.

بمخاطر توضیح هر چه بیشتر خصلت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. باید تفاوت های اساسی حقوق اداری ج. د. ا. را با حقوق اداری قبل از انقلاب ثور مورد ارزیابی قرار بدهیم.

قبل از همه حقوق اداری ج. د. ا. از نگاه ماهیت، خصلت طبقاتی، هدف، منابع، شخصیت های حقوقی، مناسبات حقوقی، تیپ تاریخی و تنظیم روابط اجتماعی، از حقوق اداری قبل از انقلاب فرقی فاحش دارد، زیرا حقوق اداری قبل از انقلاب در پرده اداره دولتی، در تحکیم و توسعه

سیستم اجتماعی-اقتصادی، فئودالی سوق داده میشد، درحالیکه حقوق اداری ج. د. ا. در فعالیت اداره دولتی انکشاف و گسترش پایه های اجتماعی-اقتصادی جامعه ملی-دموکراتیک را هدف قرار داده است. همچنان حقوق اداری ج. د. ا. ساختمان تشکیلاتی و شکل اداره دولتی را بمنظور تأمین پایه های اجتماعی انقلاب و جلب زحمتهایشان در اداره دولتی مهیا ساخته تا قانونیت انقلابی و نظم حقوقی در دستگاه اداره دولتی و جامعه برقرار گردد که این امر خصیصت ملی-دموکراتیک حقوق اداری ج. د. ا. را در ساحت سازماندهی اداره دولتی مرکزی و محلی انعکاس میدهد. درحالیکه حقوق اداری قبل از انقلاب سیستم تشکیلاتی دستگاه اداره دولتی را از مردم مجزا ساخته و در ضدیت منافع طبقاتی زحمتکش قرار داده بود و از آن بحیث وسیله اسارت زحمتکش در اداره دولتی استفاده بعمل می آورد از همین لحاظ اداره دولتی قبل از انقلاب خصیصت ملی و دموکراتیک نداشت. بادر نظر داشت مطالب ارائه شده، چون دو نوع اداره دولتی بصورت ریشوی از همدیگر متمایز میباشند، فلذا حقوق اداری نیز متناسب به آن از همدیگر تفکیک میگردند.

در نتیجه انقلاب ثور دولت فئودالی استثمارگر یکجا با حقوق اداری آن اضمحلال یافت و جای آنرا اداره دولتی و حقوق اداری که خصیصت ملی و دموکراتیک دارد گرفت، پس حقوق اداری ج. د. ا. عبارت از مجموع سیستم نورمهای حقوقی میباشد که اراده همه زحمتکش رادر اداره دولتی، شکل بندی قانونی میبخشد و منحصراً و سبب عمده تنظیم کننده روابط طبقاتی-اجتماعی در اداره دولتی محسوب میگردد.

حقوق اداری ج. د. ا. با وجودیکه از ریشه با حقوق اداری قبل از انقلاب ثور

تفاوت دارد، مگر تا هنوز با سیستم حقوقی قبل از انقلاب ثور وابسته گئی داشته، زیرا حقوق اداری ج. د. ا. مانند دولت ج. د. ا. خصلت طبقاتی انتقالی دارد. و البته تعویض قیپ حقوق اداری ج. د. ا. در پروسه افکشاف ارگانهای اداره دولتی ج. د. ا. رشد و تکامل مترقی خود را می بیند.

حقوق اداری ج. د. ا. وظیفه تنظیم کننده روابط اجتماعی عادلانه را تحکیم و دستاوردهای اداره دولتی را که به نفع زحماتشان است حفاظت می نماید و فاقد هر نوع نورمهای تبعیضی، استعمارگرانه، ظالمانه و بیرحمانه بوده و یگانه حقوق اداری در طول تاریخ کشور است که همه نعمات مادی و معنوی را برای توده های زحمتکش در فعالیت اداره دولتی شکل قانونی می بخشد.

بمنظور افاده خصلت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. ناگزیر بر نسبیتهای عمده آنرا بطور فشرده بر شعاریم:

- بر نسبیتهای قدرت سیاسی زحماتشان بر هبری ح. د. خ. ا.
- بر نسبیتهای سنترالیزم دموکراتیک.
- بر نسبیتهای حرمت آزادیهای دموکراتیک زحماتشان.
- بر نسبیتهای تساوی ملیتها، اقوام و قبایل ساکن در ج. د. ا.
- بر نسبیتهای عدالت و مساوات.

بر نسبیتهای فوق الذکر همه خصلت مترقی داشته، زیرا خصلت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. را انعکاس میدهند.

ب: خصوصیت نورمهای حقوق اداری ج. د. ا.:

بخاطر انعکاس بهتر خصوصیات حقوق اداری ج. د. ا. باید بدانیم که

نورمهای حقوق اداری چه مفهوم را افاده مینماید؟

نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. عبارت از مقرراتی است که ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی بمنظور تنظیم فعالیت خویش ، بخاطر برقراری روابط حقوقی اجتماعی از آن استفاده بعمل می آورد . همچنان نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. دارای خصوصیات اساسی ذیل اند :

- نورمهای حقوق اداری برای اشخاص و یا کلیه ارگانهای دولتی نافذ نگردیده ، بلکه فقط برای ارگانهای اجرائیوی مرکزی و محلی اداره دولتی ج.د.ا. وضع شده است .

- نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. برای حل روابط اجتماعی در فعالیت دائمی ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی و مطابق به شرایط و مقتضیات عمل می نماید .  
- نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. حقوق و مکلفیت های فاعلین (شخصیت ها) حقوق اداری را مشخص و معین ساخته است .

قابل تذکر است که نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. از سه قسمت تشکیل گردیده است :

**قسمت اول :** که در آن شرایط تطبیق نورمهای حقوق اداری در زمان و مکان معین شده است .

**قسمت دوم :** عبارت از قاعده رفتار و سلوک فاعلین ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی که بوسیله آن حقوق و مکلفیت های طرفین در دستگاه اداره دولتی تنظیم میگردد ، بحث میکند .

**قسمت سوم :** عبارت از تجویز مقررات در برابر نقض قاعده رفتار و سلوک در ارگانهای اداره دولتی ، مسوولین امور و کارمندان اداره دولتی میباشد .  
ناگفته نماند که میان هر سه قسمت نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. روابط دیالکتیکی برقرار است ؛ باید علاوه نمود که سه نوع نورمهای حقوق اداری وجود دارد :

۱- نورمهای حقوق اداری که به صورت مستقیم در ماده قانون تنظیم شده است .  
۲- نورمهای حقوق اداری که در ماده قانون بصورت مستقیم قید نگردیده درینصورت از مواد دیگر قانون استفاده میشود .

۳- نورمهای حقوق اداری که در قانون بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم تصریح نگردیده باشد ، درینصورت از فرامین ، لوایح ، مقررات و اصولنامه های ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی استفاده بعمل می آید .

بصورت عموم نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. بدو دسته تقسیم گردیده است .

۱- نورمهای حقوق اداری تنظیم کننده روابط اجتماعی که بوسیله آن حقوق و مکلفیت های دستگاه اجرائیوی اداره دولتی تعیین گردیده است .

۲- نورمهای حقوق اداری که بوسیله آن ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی از نقض قوانین اداری جلوگیری بعمل می آورد .

تمام نورمهای حقوق اداری به آدرس ارگانهای اداره دولتی تدوین گردیده و به کمک آنها روابط اجتماعی اداری ذیل تنظیم میشود :

- سپردن حقوق ، مکلفیت ها و صلاحیت معین به دستگاه اداره دولتی ،  
مسئولین امور و کارمندان دستگاه اداره دولتی .

- تنظیم موقف شخصیت های حقوق اداری در ارگانهای اداره دولتی .

- تفویض مسوولیت حقوقی معین به شخصیت های حقوق اداری ،

ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی .

- تضمین و تأمین اجراءات اداره دولتی .

در نورمهای حقوق اداری ج.د.ا. بطور عموم مطالب آتی در نظر گرفته

شده است :

— طرز تأسیس ، تجدید سازمانی و از بین بردن ارگانهای اداره دولتی ، صلاحیت ها ، ساختمان تشکیلاتی، شکل و میتود فعالیت های متقابل میان ارگانهای مرکزی و محلی اداره دولتی ، تأثیرات متقابل شرکت کننده گان روابط اجتماعی — اداری ، مسوولیت ارگانهای اداره دولتی پرنسپ خدمت دولتی و ترکیب ارگانهای اداره دولتی .

— موقف حقوقی موسسات و تصدیهای دولتی ، طرز تشکیل ، تجدید سازمانی ، از بین بردن آنها، شکل تشکیلاتی، صلاحیت ها و میتود های فعالیت اداری و استقلالیت موسسات و تصدیها و تضمین اداری حقوقی آنها .

— موقف حقوقی اتباع در ساحه اداره دولتی ، روابط متقابل شان با ارگانهای اداره دولتی . همچنان در تنظیم نورمهای حقوق اداری مطالب ذیل در نظر گرفته شده است :

— قاعده حتمی و الزامی (یعنی اجرای یک عمل معین به وسیله نورم حقوق اداری ، اجباری میباشد .)

— قاعده منع کفنده (یعنی اجرای یک عمل معین به وسیله نورم حقوق اداری منع قرار داده شده است) .

— قاعده صلاحیتی (که ساحه عمل فاعلین حقوق اداری بوسیله نورم حقوق اداری مشخص شده است) .

باید بخواطر داشت که بر قراری نورمهای حقوق اداری هدف نیست، بلکه تحقق آن حتمی پنداشته میشود . زیرا استفاده عملی از آن بخواطر تنظیم روابط اجتماعی — اداری میباشد . البته پروسه عام تحقق نورمهای حقوق اداری بکارمندان و ارگانهای اداره دولتی که همان نورمها به

فعالیت اداری شان تخصیص داده شده ارتباط میگیرد و هم بوسیله شخصیت های گوناگون حقوق اداری نورمهای حقوق اداری تحقق می پذیرد.

ج : خصوصیت سیستم حقوق اداری ج. د. ا. :

سیستم حقوق اداری عبارت از ساختمان داخلی حقوق اداری میباشد که وحدت و توافق نورمها و قسمت های اساسی آنرا بیان مینماید .

سیستم حقوق اداری ج. د. ا. عبارت از ساختمان عمل نورمهای حقوق اداری در بخشهای مشخص و معین بوده که از جمله مجموعه روابط متقابل ، شعب حقوقی که نورمهای آنها یکنوع روابط اجتماعی را تنظیم مینماید ، میباشد .

سیستم حقوق اداری ج. د. ا. از دو بخش عمده تشکیل یافته است :

بخش عمومی : همه دستگاه دولتی را در بر میگیرد که شکل های معین سازمانی و فعالیت همه ارگانهای اداره دولتی و تمام شعبی که عمومیت برای همه رشته های اداره دولتی دارد و بوسیله همین بخش عمومی حقوق اداری تنظیم میگردد .

باید خاطر نشان ساخت که بوسیله نورمهای بخش عمومی حقوق اداری مطالب ذیل تنظیم میشود :

— پرنسپ اداره دولتی ج. د. ا. .

— خدمت دولتی ، طرز استخدام ، حقوق و مکلفیت های کارمندان دولتی و مسوولیت آنها ، شخصیت های حقوق اداری ، سیستم و اشکال ارگانهای اداره دولتی .

— شکل حقوقی فعالیت ارگانهای اجرایی اداره دولتی مرکزی و محلی .

— فعالیت دستگاه اداره دولتی بخاطر تأمین قانونیت انقلابی .



- شیوه های متقاعد ساختن و الزام در اداره دولتی .

بخش خصوصی: که فعالیت اداره دولتی را در رشته های مشخص تنظیم مینماید، یعنی این بخش به سیستم های رشتوی اداره دولتی اختصاص داده شده است که پرابلم های اساسی آن بوسیله نورمهای حقوق اداری تنظیم میگردد. بخش خصوصی حقوق اداری ج. د. ا. مطالب ذیل را تنظیم مینماید: - اداره اقتصاد ملی بطور کل و بطور اختصاص رشته های مختلف آن (صنعت، زراعت، تجارت، ترانسپورت و غیره).

- اداره اجتماعی - کلتوری (تحصیلات، مسایل علمی و کلتوری، ساختمانی، صحت عامه و تأییدات اجتماعی).

- اداره سیاسی - اداری (فعالیت دولتی در مساحات قدرت دفاعی کشور، امنیت دولتی، نظم اجتماعی، عدلی و روابط بخارجی).

باید نظر داشت مطالب فوق گفته میتوانیم که شعب عمومی و خصوصی حقوق اداری ج. د. ا. بطور پیگیر انکشاف می نماید و این امر پروسه ناگزیری کودیفیکشن نورمهای حقوق اداری ج. د. ا. را در آینده های نزدیک تدارک می بیند.

خلاصه تمام سیستم حقوق اداری ج. د. ا. بطور کل جوابگوی پرنسپل های اداره دولتی ج. د. ا. بوده که از خصوصیت انقلاب ملی - دموکراتیک شور منشا میگردد. از آنجا نیکه سیستم حقوق اداری ج. د. ا. بیاندگر شرایط مشخص عینی دولت نقلابی مامیباشد و با تغییرات روابط اجتماعی نورمهای آن نیز بطور متداوم در سمت دهی مترقی در حال تغییر است.

پس از مطالعه جهات مختلف خصوصیات حقوق اداری ج. د. ا. به این نتیجه میرسیم که:

حقوق اداری ج. د. ا.، قانون واحدی که در آن کلیه مسایل مربوط به ترتیب سلسله مواد یکدیگر در روابط به اداره ارگانهای اجرائیوی دولتی باشد وجود نداشته، بلکه حقوق اداری فعلاً در ج. د. ا. مانند اغلب کشورهای جهان بصورت اسناد تقنینی متفرق وجود دارد. لیکن به علت کثرت و تنوع ارگانهای اجرائیوی مختلف و مسایل مربوط به آنها و بخصوص تغییرات و تحولاتیکه ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی به آن در پروسه انقلابی، مواجه میباشد تاکنون جمع آوری، تدوین، قواعد و احکام حقوق اداری به صورت قانون واحد و جامع تصنیف بندی نگردیده است، مگر تدوین تیوری حقوق اداری ج. د. ا. (اصول و قواعد اداری) مسلماً پروسه خود را می پیماید.

بهر حال حقوق اداری ج. د. ا. متفرق بوده و مسایل مختلف آن موضوع قوانین خاص میباشد یعنی هر یک از وزارت خانه ها، کمیته های دولتی، موسسات و تصدیهای دولتی قوانین و مقررات مخصوص دارند چون اغلب این قوانین مرعی الاجراء میباشد، به همین جهت مستلزم آنست که کلیه قوانین، فرامین، مقررات، لوایح و اصولنامه هادر مورد حقوق اداری که نافذ شده اند تصنیف بندی گردند، باید گفت که فعلاً هر یک از ارگانهای اداره دولتی به اساس فورهای جدید حقوق اداری فعالیت های خویش را تنظیم مینمایند که این امر خود مبین قانونیت انقلابی و خصصت طبقاتی حقوق اداری ج. د. ا. میباشد.

### ۳ - اهداف و نقش حقوق اداری ج. د. ا. :

این یک واقعیت انکارناپذیر است که اهداف و نقش حقوق اداری قبل از همه در دینامیک ساختن اداره دولتی بحیث ارگانیزم فعال و تطبیق طرح ساختمان موقمانه جامعه نوین، تبارز می یابد. البته حقوق اداری ج. د. ا.

متناسب به شرایط عینی کشور نقش هد فمندانویشرا در پیر وسه اعمار جامعه نوین از طریق فعالیت های اداره دولتی مرکزی و محلی بازی می نماید زیرا به کمک نورمهای جدید حقوق اداری فعالیت ارگانهای اداره دولتی و روابط موجود اداری در جهت متری تغییر نموده و تکمیل میگردد که در نتیجه باعث از نقای موثریت اداره دولتی در هر کسز و محلات شده است و از طرف دیگر حقوق اداری ج. د. ا. شکل سازمانی شرکت فعال ز حمتکشسان را در اداره دولتی تحکیم میبخشد .

نورمهای مطروحه در حقوق اداری ج. د. ا. قبل از همه صلاحیت های شخصیت های حقوقی اداری را تثبیت ، مسوولیتها ، حقوق و وجای سب آ نهارا مشخص ساخته که این امر موثریت نقش حقوق اداری ج. د. ا. را در ساحه اداره دولتی تبارز میدهد. البته نقش نورمهای حقوق اداری که در چوکات ادار ه دولتی عمل میکنند در بخشهای مختلفه رشد اقتصاد ، اجتماعی ، سیاسی و کلتوری محسوس میباشد .

بدر نظر داشت مطالب فوق گفته میتوانیم که حقوق اداری نقش مبرم را در تنظیم اقتصاد ملی به طور عموم و با لخاصه در تنظیم رشد رشتوی آن از قبیل صنعت ، زراعت ، تجارت ، ترانسپورت و همچنان در تنظیم امور اجتماعی و کلتوری از قبیل تحصیلات ، مسایل علمی و کلتوری ، ساختنایی ، صحت عامه ، تأمینات اجتماعی و بالاخره در تنظیم اداره سیاسی - اهاری از قبیل قدرت دفاعی کشور ، امنیت دولتی ، نظم اجتماعی ، عدلی و روابط خارجی بازی می نماید .  
بخصوص حقوق اداری ج. د. ا. در شرایط کنونی بخاطر ایجاد پایه های مادی و فنیکی انقلاب ملی - دموکراتیک و سازمان دادن اداره

اقتصاد ملی و تحقق پلان پنجساله انکشاف اقتصادی - اجتماعی ، نقش فزاینده بخود گرفته است .

بدین اساس حقوق اداری ج . د . ا . و سیله مهم تحقق بخشیدن برنامه عمل ج . د . خ . ا . و تحقق سیاست داخلی و خارجی ج . د . ا . ، مندرج اصول اساسی محسوب میگردد .

حقوق اداری نقش بخصوص را در تنظیم موقف حقوقی اتباع کوشه و درر مساحه اداره دولتی بازی مینماید که سیر انکشاف خود را در نورمهای حقوقی قانون اساسی جدید ج . د . ا . طی خواهد نمود . البته قانون اساسی ج . د . ا . در برابر حقوق اداری پرابلم های مبرم و جدیدی را قرار خواهد داد که متناسب به آن نقش حقوق اداری بازم ارنقا حاصل خواهد نمود که قبل از همه به تحکیم حقوقی سازمانی مرکزیت دموکراتیک منجر خواهد شد .

همچنان نقش حقوق اداری در مبارزه علیه نقض نورمهای حقوقی نیز تبارز خواهد یافت . باید خاطر نشان ساخت که نقش خارق العاده حقوق اداری نورمهای تنظیم کننده پرنسپ سنقر الیزم دموکراتیک ، قانونیت انقلابی ، نظم حقوقی اداری ، تأمین قانونیت انقلابی ، رفتار و سلوک حتمی در مساحه اداره دولتی ، پیشبینی ، کنترول ، تفتیش و نظارت از فعالیت های اداره دولتی ، رعایت انضباط و دسپلین در مساحه اداره دولتی ، تجویز مقررات قریبوی ، موقف حقوقی وزارت خانه ها ، کمیته های دولتی و ارگان های اجرائیوی اداره دولتی مرکزی و محلی ، تبارز و انعکاس می یابد .

طوریکه از جریان تحلیل برمی آید توضیح اهداف و نقش حقوق اداری ج . د . ا . در واقعیت امر از نگاه محقوی مفاهیم خویش خیللی باهم نزدیک بوده زیرا تحت اهداف ، حقوق اداری ج . د . ا . خود نقش حقوق اداری را در همه ساحات آشکار میسازد . اینک بخاطر روشنی بیشتر موضوع به طور فورمول بندی شده اهداف حقوق اداری ج . د . ا . بقرار ذیل بیان میگردد :

- حل پرابلم های مبرم سازمانی و تشکیلاتی اداره دولتی .
- انکشاف دموکراسی در اداره دولتی (دیموکراتیزه ساختن اداره دولتی).
- تحقق پرنسپ مرکزیت دموکراتیک در ارگانهای اجرایی دولتی .
- فعال نگهداشتن کمیته های اجرایی جریگه های شورای نمایندگان مردم مطابق به اساسات قانون ارگان های محلی قدرت و اداره دولتی .
- تنظیم بخشیدن حقوقی زندگی اجتماعی - اقتصادی .
- تجویز مقررات بخاطر رفع و از بین بردن نقض حقوقی در ارگانهای اداره دولتی .

- جاب و جذب زحمت کشان در اداره دولتی .

- تحکیم قانونیت و نظم حقوقی در اداره دولتی .

- تنظیم حقوقی پدیده های عینی .

... آماده ساختن و تکمیل نمودن نورمهای حقوق اداری .

با ارائه اهداف فشرده فوق الذکر گفته می توانیم که حقوق اداری مقام

و نقش با ارزش و مبرم داشته ، زیرا به وسیله آن از یکطرف روابط

اجتماعی در همه ساحات و از طرف دیگر امور فعالیت ارگانهای اداره

دولتی و مسرولین آنها ، سازمان های اجتماعی که در انجام و تحقق

پرابلم های اداره دولتی سهم میگیرند بطور صریح ارتقا مییابد .

خلاصه هدف حقوق اداری ج. د. ا. تأمین نظم حقوقی در دستگاه اداره دولتی

کشور است و با وسیله نورمهای حقوق اداری ، حقوق و وجایب ، مسوولیت

کارمندان اداره و روابط کارمندان با ارگان اداره دولتی به کمک آن از نظم

حقوقی برخوردار میگردد .

هدف عمده حقوق اداری ج. د. ا. در مرحله کانونی انقلاب عبارت از سمت دهی و سوق فعالیت های ارگانه های اجرایی مرکزی و محلی اداره دولتی در جهت هر چه زود تر از بین بردن و تغییر دادن روابط اجتماعی - اقتصادی و کلتوری کهن و ظهور روابط اجتماعی عادلانه، ملی - موکراتیک و دموکراتیکه ساختن اداره دولتی میباشد که این امر نقش پراهمیت حقوق اداری را در شکل و تحکیم دستگاه اداره دولتی و انکشاف بهی آن که بتواند نیاز مند یهای مبرم مرحله تاریخی را انجام دهد تبارز میدهد. از همین لحاظ حقوق اداری ج. د. ا. به مثابه رشته مهم لایحزای سیستم حقوقی کشور وظیفه دارد تا اساسات علمی اداره دولتی، تنظیم حقوقی روابط اجتماعی نوین و قانونیت انقلابی را در همه عرصه های زندگی اجتماعی و امور اداره دولتی تأمین نماید.

قابل یاد آور است که موجودیت عینی اداره دولتی باعث ایجاد نورمهای حقوق اداری میگردد که البته هر دو در ذات خود از موجودیت عینی مناسبات اجتماعی منشأ میگیرند و از طرف دیگر تنها بانطباق و عملی نمودن نورمهای حقوق اداری است که فعالیت و وظیفوی اداره دولتی، نظم حقوقی میگیرد که در نتیجه مناسبات اجتماعی به مناسبات حقوقی - اداری مبدل میشود.

خلاصه ایجاد اداره سالم در شرایط کانونی از جمله اولین اهداف حقوق اداری ج. د. ا. محسوب میگردد؛ از یثرو باید نورمهای حقوق اداری تشخیص، نیروی با لقمه به منظور تطبیق آن تعیین و وضع موجود جامعه دقیقاً تحلیل گردد

تا از بروز ذهنگرایی، مطلق‌العنانی و پیش کشیدن طرح‌های غیر واقع‌بینانه در اداره دولتی جلوگیری بعمل آید.

باید علاوه نمود که ارتقای نقش حقوق اداری رابطه نزدیک با فعالیت همه جانبه ح. د. ح. ا. و اداره دولتی در رهبری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارد که روی همین ملحوظ در مرحله کنونی پروسه انتقالی کشور رهبری سالم اداره دولتی و تنظیم اداری حقوقی روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از جمله پر اہم‌های عمده محسوب میگردد. متکی به مطالب فوق می‌توان هدف دیگر حقوق اداری ج. د. ا. را جلوگیری از تورم تشکیلاتی زبان آور بر شمرد، زیرا آما سیدن دستگاه اداره دولتی نواقص آتی را در بر دارد:

- توظیف بکامداد کار. مندان به امور غیر ضروری باعث میگردد تا نیروی بالقوه آنها به مسایل غیر لازمی مصروف گردد.

- زیان مالی ناشی از تورم ببعورد تشکیلاتی بقیه مالی دستگاه اداره دولتی را صلعه میزند.

- گسترش ببعورد تشکیلات دستگاه اداره دولتی نظم اداری لازم را در ارگان اداره مربوطه برهم و پراگندگی و بی نظمی را در دستگاه اداره دولتی باعث میشود.

حقوق اداری ج. د. ا. بستا به وسیله سیاسی - حقوقی از طریق فعالیت‌های اداره دولتی در تقسیم مناسبات سیاسی - اجتماعی - اقتصادی و کلتوری نقش ارزشمندی را ایفا می‌نماید. این یک واقعیت مسلم است که مناسبات اجتماعی عینی جامعه به ذات خود در تعیین، جهت دادن و پروسه تکامل حقوق اداری نقش اساسی را بازی میکنند و پیدایش، تکامل و تعویض نورمهای حقوق اداری از وظایف محوله حقوق اداری منشأ می‌گیرند و حقوق اداری به منظور تنظیم انجام رسالت‌های تاریخی اداره دولتی نقش فعال خویش را انجام میدهد، زیرا در حقوق اداری، شیوه‌های معین و مشخص اداره دولتی پیرامون

حل پدیده های عینی تعیین میگردد و از طرف دیگر حقوق اداری به مثابه  
نورمهای تنظیم کننده فعالیت اداره دولتی زمانی میتواند تأثیر موقتی بر  
تحول پدیده های اجتماعی داشته باشد مشروط بر آنکه اهداف اداره دولتی  
از قانونمندی های تکامل اجتماعی منشأ گرفته و بازتاب واقعی مقتضیات  
زندگی اجتماعی باشد .



## فصل دوم

### شخصیت های حقوق اداری جمهوری دموکراتیک افغانستان

#### ۱ - مفهوم شخصیت های حقوق اداری :

طوریکه می‌دانیم حقوق اداری مانند سایر رشته های حقوق شخصیت های (فاعِلین) معین ، بخصوص نحویشرا دارا است . البته مقصد از شخصیت های حقوق اداری (فاعِلین ، عاملین و یا ناقلین ) میباشد که در موجودیت اداره دولتی عملکرد های وظیفوی ، شخصیت های حقوق اداری ، قواعد حقوق را ایجاد و در عین حال آنها خود تطبیق کنندگان و اجراء کنندگان نورمهای حقوق اداری نیز محسوب میگردند . از همین لحاظ درک مفهوم شخصیت های حقوق اداری ارزش علمی کسب نموده ، زیرا بوسیله تعیین و مشخص شدن آنها میتوانیم با ایجادگران وگردانندگان حقوق اداری معرفت حاصل نمائیم . ناگفته نماند که حقوق اداری بوسیله شخصیت های

خویش پرور شد و تکامل خود راسی پیماید و از طرف دیگر حقوق و وظایف و مسوولیت‌های شخصیت های حقوق اداری در نتیجه رشد و تکامل روابط اجتماعی گوناگون انکشاف و توسعه مییابد .

بمنظور درک علمی مفهوم شخصیت های حقوق اداری ج. د.ا. قبل از همه به تعریف فشرده آن توجه خویش را معطوف می‌داریم .

شخصیت های حقوق اداری : عبارت از همان فاعلین فزیکمی و حکمی میباشد که به اساس نورم های حقوق اداری حدود معین حقوق و وجایب را در ساحه اداره دولتی دارا بوده و بحیث عامل رعایت و تطبیق کننده نورمهای حقوق اداری محسوب میشوند . به عباره دیگر شخصیت های حقوق اداری عبارت از اشترک کنندگان در اداره دولتی میباشد که از یکطرف اهلیت کسب حقوق و وجایب را داشته و از طرف دیگر در صورت نقض مقررات قابلیت گرفتن مسوولیت را نیز دارا میباشد . بنا بر این شخصیت های حقوق اداری باید دارای صلاحیت و اهلیت حقوقی باشند . صلاحیت حقوقی عبارت است از توانائی عملکرد در ساحه فعالیت اداره دولتی ، در حالیکه اهلیت حقوقی عبارت از برخورداری حقوق در امر معین و ساحه مشخص میباشد .

باید علاوه نمود که ساحه عملکرد شخصیت های حقوق اداری فوق العاده وسیع بوده ، پدیده ها و قضایایی که در مباحث مختلفه اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و کلتوری تنظیم آن در جمله وظایف ارگانهای اداره دولتی قرار بگیرد ساحه عملکرد شخصیت های حقوق اداری نامیده میشود . بطور مشخص باید گفت که شخصیت های حقوق اداری به ارگانهای اداره مرکزی و محلی دولتی اطلاق میشود ، زیرا همه آنها دارای اهلیت

حقوقی بوده و توانائی گرفتن مسوولیت و وجایب را متناسب به صلاحیت خویش دارا اند .

دیده میشود که موقف حقوقی شخصیت های فوق الذکر در اهلیت حقوقی ، وظیفوری ، و وجایب و مسوولیت های آنها متبازر میگردد و از همین لحاظ است که کنگوری های شخصی فاعلین شامل شخصیت های حقوق اداری میشوند .

قابل یادآور است که شخصیت های حقوق اداری نه تنها دارای خصیصه فعالیت می باشد ، بلکه آنها حقوق و صلاحیت های خویش را در رابطه اداره دولتی عملی مینمایند .

بادر نظر داشت مطالب فوق میتوان یکبار دیگر حقوق اداری را متناسب به مفهوم شخصیت های آن چنین تعریف کرد . حقوق اداری عبارت از مجموعه نورهی حقوقی میباشد که موقف حقوقی شخصیت ها (عاملین) حقوق اداری را تنظیم و به صورت عموم موقف ارگانهای اداره دولتی ، کارمندان ارگانهای اداره دولتی ، سازمانهای اجتماعی ، کارمندان اداره این سازمانها و اتباع کشور را تنظیم و معین مینماید . به این اساس حقوق اداری قبل از همه با فعالیت ها و موقف حقوقی شخصیت های خود ارتباط دارد .

تحت مفهوم شخصیت های حقوق اداری همان کارمندان و ارگانهائی که به اساس نورهی حقوق اداری ، حدود معین حقوق و وجایب رادر ساحت اداره دولتی دارا باشند ، افاده میگردد .

البته نقش هر یک مختلف بوده یکی در عین حال در نقش شخصیت اداره دولتی یعنی وظیفه اجرایی را بطور مستقیم رهبری مینمایند و

دیگری انجام وظایف را عهده دار می باشد.

بملاحظه می رسد که دایره شخصیت های حقوق اداری ج. د. ۱. مختلف النوع بوده و به همین لحاظ به معرفی موقوف حقوقی هر یک در ساحه اداره دولتی ج. د. ۱. می پردازیم. شخصیت های حقوق اداری ج. د. ۱. قرار ذیل اند:

الف: ارگانهای اداره دولتی ج. د. ۱. بمثابه شخصیت عمده حقوق اداری:

از جمله ارگانهای دولتی، ارگان اداره دولتی موقوف حقوقی بخصوص داشته از همین لحاظ آنرا بحیث شخصیت حقوق اداری مورد ارزیابی قرار میدهیم، زیرا مفهوم ارگان اداره دولتی از ماهیت وظایف دولت به مثابه نوع فعالیت آن سر چشمه میگردد. پس ارگانهای اداره دولتی ج. د. ۱. عبارت از ارگانهای اجرایی قدرت دولتی میباشد که تحت رهبری ح. د. خ. ۱. فعالیت مینمایند و مطابق قوانین نافذ و وظایف دولت ج. د. ۱. را در جهت رهبری اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلتوری بخاطر اعمار جامعه نوین سازمان داده و تحقق می بخشد.

از آنجائیکه وظیفه اداره دولتی بوسیله ارگانهای مختلف اجرایی عملی میگردد قبل از همه خصوصیات عمده این ارگانها را مورد مطالعه قرار میدهیم. - ارگانهای اداره دولتی به وسیله دولت بخاطر انجام امور اجرایی به نمایندگی از دولت ایجاد و فعالیت مینمایند تا مسایل اقتصادی، اجتماعی، اداری، سیاسی و کلتوری را بطور مستقیم رهبری نمایند.

- هر یک از ارگانهای اداره دولتی عامل صلاحیت قدرت حقوقی به خاطر انجام فعالیتهای اجرایی میباشد.

- ارگانهای اداره دولتی تابع و تحت کنترول عالیترین ارگان قدرت

دولتی قرار دارد.

- ارگانهای اداره دولتی فعالیت‌های خویش را بر حسب احکام اصول اساسی ج.د.ا.، احکام قانون شورای وزیران ج.د.ا. و سایر قوانین و فرامین انجام میدهد.

- ارگانهای اداره دولتی به اساس سند الزام دموکراتیک و تابعیت دوگانه در ساختمان تشکیلاتی خویش از سایر ارگانهای دولتی متمایز میگردد.

- ارگان قضایی و ارگان خارتوالی وظیفه اداری را در ارتباط رهبری اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلنوری انجام نمیدهند و از طرف دیگر نمیتوانند احکام نورماتیوی را در امور فوق الذکر صادر نمایند، مثلاً ارگان خارتوالی فقط رعایت و اجرای قوانین را تنها از طریق نظارت انجام میدهد. در حالیکه ارگانهای اداره دولتی متکی به احکام قانون به منظور اجرای قوانین و فرامین، فیصله و تصاویب مقتضی صادر و برچنگو نگی اجرائی آن نظارت میکند.

جهت توضیح هرچه بیشتر موقف حقوقی ارگانهای اداره دولتی بحیث شخصیت حقوقی اداری بطور مختصر انواع و سیستم ارگانهای اداره دولتی ج.د.ا. را مورد ارزیابی قرار میدهیم:

### ب: انواع ارگانهای اداره دولتی:

همان قسمیکه فعالیت اجرائیوی از نگاه جهات خویش مختلف و گوناگون میباشد ارگانهای اداره دولتی نیز متناسب به آن متنوع است که از یکدیگر به اساس مطالب ذیل تفکیک میگردد:

- ۱- از نگاه طرز تأسیس.

- ۲- از نگاه مقیاس فعالیت ساحوی.

۳- از نگاه حدود صلاحیت.

۴- از نگاه حل پروا بلم های تحت صلاحیت.

۵- از نگاه منابع مالی.

اینک به تشریح هر یک از مطالب فوق بصورت جداگانه می پردازیم:  
۱- از نگاه طرز تأسیس ارگانهای اداره دولتی قرار ذیل تصنیف میگردند:  
الف: ارگانهایی که تشکیل آن در اصول اساسی ج. د. ا. پیشبینی شده است مثلاً شورای وزیران، وزارت خانهها، کمیته های دولتی و ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی.

ب: ارگانهایی که به اساس فیصله ارگانهای اداره دولتی با صلاحیت، تشکیل میگردند مثلاً شورای وزیران در صورت لزوم دید کمیته ها، ادارات عمومی و سایر ادارات ایجاد مینمایند و کلیه وزارت خانه ها هم میتوانند ادارات رشتوی را ایجاد کنند.

۲- از نگاه مقیاس فعالیت ساحوی ارگانهای اداره دولتی به ارگانهای ذیل تقسیم میگردند:

الف: ارگانهای عالی اداره دولتی که فعالیت های اجرایی آنها در تمام قلمرو کشور مرعی الاجراء است. مطابق اصول اساسی ج. د. ا. شورای وزیران ج. د. ا. عالیترین ارگان اجرایی اداره دولتی ج. د. ا. میباشد.

ب: ارگانهای مرکزی اداره دولتی: عبارت از وزارت خانهها، کمیته های دولتی و ادارات تخصصی میباشد که فعالیت آنها هم در سراسر کشور مرعی الاجراء بوده لکن وظایف شان در حدود مساحت مربوط شان و رهبری اداره رشته های معین، اختصاصی یافته است.

ج: ارگانهای محلی اداره دولتی: این ارگانها در مساحت خود تمام مسایل

دارای اهمیت محلی ، احل و فصل میکنند و در فعالیت خود اصول اساسی ج.د.ا. ، قوانین و فرامین شورای انقلابی و هیئت رئیسه آن ، فیصله های حکومت ، احکام قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی و فیصله های ارگانهای بالائی قدرت و اداره دولتی را ملاک عمل قرار میدهند .

۳- از نگاه حدود صلاحیت ها ، ارگانهای اداره دولتی قرار ذیل تفکیک میگرددند:

الف: ارگانهای اداره دولتی که صلاحیت عمومی را دارا میباشند مثلاً شورای وزیران و کمیته های اجرایی جرگه های نماینده گان مردم .

ب: ارگانهای اداری صلاحیت رشتوی که رهبری خویشرا در این ویا آن رشته انجام میدهد ، مثلاً وزارت خانه ها ، شعبات رشتوی ، کمیته اجرایی جرگه نمایندگان .

ج: ارگانهای تخصصی بین رشتوی که رهبری خویشرا برای حل پرابلم های بخصوص سوق میدهد .

د: ارگانهای دارای صلاحیت موضوعی که رهبری خویشرا میان موسسات ، تصد بها و ادارات در بخش های همین انجام میدهد .

۴- از نگاه حل پرابلم های تحت صلاحیت ارگانهای اداره دولتی قرار ذیل تقسیم میشود:

الف: ارگان دسته جمعی اداره دولتی یعنی شورای وزیران و کمیته های اجرایی جرگه های نمایندگان مردم که از چند شخص مرکب بوده و بطور دسته جمعی پرابلم ها به اساس رای اکثریت اعضای همان ارگان فیصله میشود .

ب: ارگانهای انفرادی اداره دولتی یعنی وزارت خانه ها ، کمیته

های دولتی، ادارات و شعبات جرگه های نمایندگان مردم که بوسیله شخصیکه در رأس همان ارگن قرار دارد و صلاحیت آن مشخص میباشد، پراپلم های مربوط حل میگردد مثلاً وزیر و مسوولین شعبات جرگه نمایندگان مردم. ۵- از نگاه منابع مالی ارگانهای اداره دولتی قرار ذیل تصنیف میگرددند:

الف: ارگانهای غیر انتفاعی: منابع مالی دستگاه اداره دولتی به اساس بودجه دولتی و یا بودجه های محلی تأمین میگردد مثلاً شورای وزیران، وزارت خانه ها، کمیته های دولتی، کمیته های اجرائیوی جرگه های نمایندگان مردم و غیره.

ب: ارگانهای انتفاعی: که منابع مالی ارگانهای اداره از مفاد همان ارگانهای که بدستی آید تأمین میگردد یعنی موسسات انتفاعی که دخل و خرج خود را بدون کمک مالی دولت تأمین میکنند.

### ج: سیستم ارگانهای اداره دولتی:

تحت سیستم ارگانهای اداره دولتی مجموعه ارگانهای اداره دولتی که هر یک در سطوح مختلف و در حدود صلاحیت مشخص با جهات متنوع، وظایف و پراپلم های دولت ج. د. ا. را انجام میدهد که در نهایت امر اجراءات عملی واحد آنها، سیستم ارگانهای اداره دولتی را تشکیل و روابط میان حلقه های مختلف اداره دولتی را تأمین نماید، افاده میگردد. اساسات تشکیلاتی سیستم ارگانهای اداره دولتی را پرنسپ سترالیزم دموکراتیک تشکیل داده که روابط متقابل میان تمام حلقه های مختلف اداره دولتی بوسیله همین پرنسپ تأمین و به اساس آن ارگانهای اداره دولتی مافوق و مادون تقسیم بندی میگردد. هر یک از حلقه های سیستم ارگان های اداره دولتی به ذات خود دارای



سیستم کوچک بوده که با حلقه های عمومی ارتباط دارد . همچنان سیستم ارگان های اداره دولتی در روابط متقابل با سایر ارگانهای دولتی و سازمان های اجتماعی قرار داشته که بدین اساس سیستم ارگانهای اداره دولتی خصوصیت بخصوص نسبت سایر اجزای میکانیزم دولت دارد که خصوصیت عمده سیستم ارگانهای اداره دولتی در تقسیم بندی معین وظایف اداری روابط تشکیلاتی ، سازمانی میان بخشهای اساسی آن انعکاس مینماید . اساسات سازمانی ساختمان سیستم ارگان های اداره دولتی ج.د.ا. از اندیشه های مترقی در مورد فعالیت سازمانی ، پرنسپ ها و میتود های علمی سرچشمه میگیرد .

در مرحله ساختمان سیستم ارگان های اداره دولتی ، کارهای سازمانی آنها به وسیله میتود های رهبری شده یعنی به طور مستقیم از طریق اداره ، هماهنگی ساختن و مرتب کردن ، تحقق میپذیرد که این میتود ها خصوصیت روابط سازمانی میان حلقه ها جداگانه سیستم ارگانهای اداره دولتی را در تابعیت درگانه ، بشکل عمودی واقعی ، تحت کنترل عمومی و خصوصی و حل پرابلم های جداگانه تنظیم مینماید . میتود های مخلف و گوناگون سازمانی به ارتباط هدف معین یعنی پلانگذاری ، کنترل ، دستور ، تفنیش کردن و غیره صورت میگیرد . در اساسات ساختمان سیستم ارگان های اداره دولتی یکجا با میتود های سازمانی پرنسپ های اداره دولتی و قبل از همه پرنسپ اساسی سازمانی ، سنترالیزم دموکراتیک قرار دارد .

وحدت پرنسپ های ساختمانی سیستم ارگانهای اداره دولتی ،  
ساختمان داخلی آنها، اهداف و پرابلم های اداره دولتی ج . د . ا .  
در مجموع مطابق شرایط سیستم واحد ارگانهای اداره در کشور ماست .  
سیستم ارگانهای دولتی ج . د . ا . بوسیله اصول اساسی ج . د . ا . ، قانون شورای  
وزیران ج . د . ا . ، قانون اصول عمده تشکیل و وظایف وزارت های ج . د . ا . ،  
قرامین و قوانین جداگانه اداره دولتی تنظیم گردیده است .

چون ج . د . ا . دولت واحد است که در آن ملیت ها ، اقوام و قبایل مختلف  
زندگی می نمایند از همین لحاظ سیستم ارگانهای اداره دولتی به اساس  
محاسبه بخصوص ساختمان ملی کشور سازمان داده شده است .

بادر نظر داشت مطالب فوق سیستم ارگانهای اداره دولتی ج . د . ا . را  
قرار ذیل تقسیم بندی می نمائیم :

- ۱ - عالیترین ارگان اجرائیوی قدرت دولتی ج . د . ا . ( شورای وزیران ) .
- ۲ - ارگان های مرکزی اداره دولتی ( وزارت خانه ها ، کمیته های  
دولتی ، ادارات عمومی و کمیته های تحت اثر شورای وزیران ج . د . ا . ) .
- ۳ - ارگان های محلی اداره دولتی ( کمیته های اجرائیوی جرگه  
نمایندگان مردم ، اداره و شعبات کمیته های اجرائیوی محلی ، کمیسیون های  
انتخابات جرگه های محلی قریه دارو و کیل گذر ) .

اینک بمنظور درك بهتر از سیستم ارگانهای اداره دولتی هر یک از ارگانهای  
فوق الذکر رابه مثابه شخصیت حقوق اداری ج . د . ا . مورد بحث قرار میدهم :

۲ - عالیترین ارگان اجرائیوی اداره دولتی ج . د . ا . بچین شخصیت  
حقوق اداری :

**الف : شورای وزیران ج . د . ا . ( حکومت ) :**

شورای وزیران ج . د . ا . عالیترین ارگان اجرائیوی و اداره قدرت  
دولتی ج . د . ا . میباشد ، زیرا برای حل تمام مسایل مربوط به اداره دولت  
صلاحیت دارد ، مشروط بر اینکه مسایل متذکره شامل حوزه صلاحیت شورای

انقلابی ج . د . ا . و هیئت رئیسه آن نباشد . البته شورای وزیران فعالیت خود را بر حسب احکام اصول اساسی ، احکام قانون شورای وزیران و سایر قوانین و فرامین انجام میدهد . کلیه ارگانها ، سازمان ها ، مسئولین امور و اتباع در سرنامر قلمرو ج . د . ا . به تطبیق و تعهیل مصوبات شورای وزیران مکلف میباشند . همچنان شورای وزیران مطابق صلاحیت های مندرج قانون شورای وزیران به اساس مصوبات ح . د . خ . ا . و اهداف دولت ج . د . ا . در جهت تأمین تحولات اقتصادی ، اجتماعی رشد پلان شده اقتصاد ملی ، تأمین وحدت ملی ، تحکیم وحدت و اتحاد کلیه ملیت ها ، اقوام و قبایل ساکن ج . د . ا . ، ارتقای سطح رفاه و فرهنگ مردم ، تأمین امنیت و حفظ حقوق و آزادیهای اتباع ، تکامل سیستم ارگانهای اداره دولت ، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور ، تحکیم قانونیت دموکراتیک و تسهیل اجرای اداره دولتی ، رهبری و کنترل وزارتها و ادارات ، تنظیم و اجرای سیاست خارجی کشور ، عمل مینماید . بمنظور آشنائی با شورای وزیران بحث شخصیت حقوق اداری ج . د . ا . لازم است تا پیرامون وظایف و صلاحیت های این عالیترین ارگان اجرائیوی دولت روشنی اندازیم :  
 شورای وزیران ج . د . ا . وظایف و صلاحیت های ذیل را در مساحت اقتصاد ملی ، انکشاف اجتماعی و فرهنگی پلانگذاری ، امور مالی ، نظم اجتماعی و قانونیت دموکراتیک ، تأمین امنیت و قدرت دفاعی کشور ، رهبری فعالیت وزارت خانه ها و ادارات مرکزی و کنترل آنها ، علم و تکنیک ، کادر کار و معاشات و مناسبات بین المللی داشته که به طور مختصر وظایف و صلاحیت های شورای وزیران در هر بخش فوق الذکر مورد بحث قرار میگیرد :

وظایف و صلاحیت شورای وزیران در ساحه رشد اقتصاد ملی عبارتند از: تعیین جهات عمده رشد اقتصاد ملی، تأمین رشد پلان شده سکتور دولتی و کوپر اتیفی، تشویق سکتور خصوصی و جاب سرمایه به خصوصی در اقتصاد ملی و استفاده معقول و موثر از منابع طبیعی.

وظایف و صلاحیت های شورای وزیران در ساحه انکشاف اجتماعی و فرهنگی در برگیرنده مطالب آتی میباشد:

اتخاذ تدابیر و اجرای آن به منظور ارتقای سطح زندگی زحمتمکشان و تأمین حق کار برای اتباع، انکشاف شبکه های دولتی حفظ الصحه، مساعدت در انکشاف تربیه بدنی، تأمینات اجتماعی برای زحمتمکشان، تکامل سیستم عمومی و اختصاصی تعلیم و تربیه، توسعه و انکشاف بنیه مالی موسسات فرهنگی و هنری، انکشاف تجارت دولتی و تشویق تجارت خصوصی. وظایف و صلاحیت های شورای وزیران در ساحه پلان گذاری شامل نکات آتی میباشد:

تدوین و پیشنهاد طرح پلانهای رشد اقتصادی و اجتماعی به شورای انقلابی و اتخاذ تدابیر جهت تطبیق آن، سازماندهی امور مربوط به تطبیق پلانهای رشد اقتصادی و اجتماعی و تأمین هماهنگی و ثبات پلانها، معین ساختن شاخصهای پلانهای طویل المدت و سالانه به وزارت خانه ها و ادارات و بالاخره رهبری امور سازماندهی سیستم واحد محاسبه و احصائیه. شورای وزیران در امور مالی و وظایف و صلاحیت های ذیل را دارا میباشد:

ترتیب و پیشنهاد طرح بودجه دولتی به شورای انقلابی، رهبری عمومی سیستم پولی و گریدت، رهبری توسعه و انکشاف مقاسبات اسعاری و گریدتی، تنظیم سیستم مالیاتی و تأمین نظارت عمومی برقیم:

در ساحه نظم اجتماعی و قانونیت دموکراتیک شورای وزیران و وظایف و صلاحیت آتی را دارا میباشد: پیشنهادات طرح قوانین و فرامین به شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاس آن به هیئت رئیسه شورای انقلابی، تصویب مقررات و اساسنامه ها جهت تأمین امنیت نظم و آسایش اجتماعی، حفظ حقوق و آزادیهای اتباع، نظارت بر تطبیق قوانین توسط وزارت ها و سایر ارگانهای تحت اثر، حفظ حقوق و منافع قانونی مؤسسات دولتی، مختلط و خصوصی، کوپراتیسی، سازمانهای اجتماعی و اتباع.

وظایف و صلاحیت های شورای وزیران در ساحه تأمین امنیت و قدرت دفاعی کشور عبارتند از:

رهبری امور دفاعی، تأمین حفظ سرحدات دولتی، رهبری امور جلب مجلرین، تنظیم امور سفربری اتباع.

وظایف و صلاحیت های شورای وزیران در ساحه رهبری فعالیت وزارت خانه ها و ادارات مرکزی در برگیرنده نکات آتیست: انسجام و تنظیم فعالیت وزارت خانه ها و ادارات مرکزی، منظوری مقررات وزارت خانه ها و ادارات، تعیین معینان، وزراء و مامورین فوق رقبه، منظوری اعضای شورای مشورتی وزارت خانه ها و ادارات مرکزی و منظوری تأسیس و تجدید سازمان و انحلال تصدیها، مؤسسات و ادارات مطابق به احکام قانون، کنترل دائمی فعالیت وزارت ها و ادارات مرکزی در اجرای وظایف محوله و حل و فصل مسایل مربوط، لغو احکام وزارت ها و ادارات مرکزی و سایر ارگانهای تحت اثر در صورت مغایرت با قانون،

کنترول و تقویتش. در ساحه علم و تخنیک شورای و زیران وظایف و صلاحیت های آتی را عهده دار است :

استفاده موثر از دست آوردهای علم و تخنیک در ساختمان دولتی ، اقتصادی و فرهنگی و تحقق سیاست واحد در ساحه علم و تخنیک .

در ساحه کادر ، کار و معاشات ، شورای و زیران تدابیر لازم را جهت امحای بیکاری ، سازماندهی امور مربوط به اکمال کادر ها ، بهبود شرایط کار و رعایت جدی از مقررات ، مصونیت کار و حفظ الصحه تولیدی ، پرداخت معاشات و مکافات ، اتخاذ مینمایند :

شورای و زیران وظایف و صلاحیت های حقوقی ذیل را در مناسبات بین المللی دارا میباشد :

توسعه روابط اقتصادی ، سیاسی ، علمی ، تخنیکی و فرهنگی با دول جهان بر اساس تساوی حقوق و رهبری امور مناسبات بین المللی ج . د . ا . با سازمانهای بین المللی ، انجام مذاکرات پیرامون عقد و انقای قرار داد های بین المللی ، رهبری مناسبات در ساحه تجارت خارجی و سایر ساحات همکاری اقتصادی بین المللی .

با در نظر داشت مطالب فوق باید گفت که شورای و زیران ج . د . ا . وظایف و صلاحیت های خود را در امر اجرای وظایف دولت ج . د . ا . متکی بر احکام اصول اساسی ج . د . ا . وقانون شورای و زیران ج . د . ا . اعمال مینمایند .

از توضیحات همه جانبه پیرامون عالیترین ارگان اجراییوی اداره دولتی ج . د . ا . بداین نتیجه میرسیم که شورای و زیران ج . د . ا . بحیث شخصیت عمده حقوق اداری ج . د . ا . محسوب میگردد . معیارها آنکه برای شخصیت حقوقی یا فاعلی

باید در نظر گرفته شود در حدود وظایف، صلاحیت و موجودیت شورای وزیران به وضاحت بیان گردید.

شورای وزیران به تأسی از اصول اساسی ج. د. ا. توسط شورای انقلابی ج. د. ا. به ترکیب رئیس شورای وزیران، معاونان رئیس شورای وزیران، وزراء، روسای کمیته های دولتی و ریاست های مربوط تشکیل میگردد و شورای وزیران در اجراءات خود نزد شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاسیه آن نزد هیئت رئیسه شورای انقلابی مسوول میباشد.

در تشکیل و ساختمان داخلی دستگاه شورای وزیران، رئیس شورای وزیران، معاونان رئیس شورای وزیران، کمیته اجرایی شورای وزیران، ریاست تنظیم امور شورای وزیران و غیره شامل اند که اینک به بررسی موقف حقوقی-اجرایی هر یک آنها می پردازیم:

در رأس شورای وزیران که از طرف شورای انقلابی ج. د. ا. تعیین میگردد قرار داشته، دارای صلاحیت های ذیل میباشد:

پیشنهاد مبنی بر تشکیل حکومت و ارائه آن جهت منظوری به شورای انقلابی، پیشنهاد نصب و عزل اشخاصیکه در ترکیب شورای وزیران شامل میباشند به شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره اجلاسیه آن به هیئت رئیسه شورای انقلابی، منظوری تقرر معینان وزارت خانه ها و مامورین فوق رتبه، تعیین ترفیع و تقاعد مامورین رتبه اول و دوم، طرح پلان کار و تنظیم فعالیت شورای وزیران و کمیته اجرایی آن، ریاست از جلسات شورای وزیران و کمیته های اجرایی آن، تعیین وظایف معاونان شورای وزیران اتخاذ تدابیر در حالات فوق العاده در مسایل اداره.

در غیاب رئیس شورای وزیران صلاحیت های وی یکی از معاونانانی که وی تعیین میکند تفویض میگردد.

معاونان رئیس شورای وزیران طبق وظایف تعیین شده صلاحیت های ذیل را دارا اند :

همه هنگامی ساختن فعالیت وزارت ها و ادارات در اجرای وظایف محوله، بررسی پیشنهادات و مسوده مصوبات، مقررات و اساسنامه ها که جهت رسیدگی به شورای وزیران ارائه میگردد، صدور اوامر عاجل بوزارت ها و ادارات مبنی بر تطبیق پلانهای انکشاف اقتصادی و اجتماعی، کنترل فعالیت وزارت ها و ادارات و سایر صلاحیت هائیکه از طرف رئیس شورای وزیران به آنها تفویض میگردد.

ب: کمیته اجرائیوی شورای وزیران: که توسط شورای وزیران جهت حل و فصل مسایل عاجل رشد اقتصاد ملی و سایر مسایل اداره دولتی، ایجاد میشود و کمیته اجرائیوی شورای وزیران ارگان دایماً فعال حکومتی است. محسوب میگردد که ترکیب آن به اساس پیشنهاد رئیس شورای وزیران از طرف هیئت رئیسه شورای انقلابی منظور میگردد، کمیته اجرائیوی شورای وزیران در خلال مدت بین دوره های جلسات شورای وزیران کلیه مسایل شامل صلاحیت شورای وزیران را به استثنای موارد آتی رسیدگی مینماید:

بررسی طرح قسوه این و فسر را مین شو رای انقلابی و هیئت رئیسه آن، تصویب مقررات و اساسنامه ها، بررسی طرح پلانهای رشد اقتصادی، اجتماعی و بودجه دولتی، بررسی گزارشات مربوط به تطبیق پلان رشد اقتصادی و اجتماعی و مصرف بودجه دولتی،



نصب و عزل معینان و وزارت خانه ها و سایر روسای که نصب و عزل آنها طبق قانون از صلاحیت شورای وزیران باشد .

باید خاطر نشان ساخت که کلیه ارگانها ، ادارات ، مسوولین امور و اتباع در قلمرو ج . د . ا . به تطبیق و تعمیل فیصله های کمیته اجرائیوی شورای وزیران مکلف میباشدند . از همین لحاظ کمیته اجرائیوی شورای وزیران شخصیت حقوق اداری ج . د . ا . محسوب میگردد .

ج : ریاست عمومی تنظیم امور شورای وزیران : خدمات لازم را در جهت پیشبرد فعالیت شورای وزیران و کمیته اجرائیوی آنها انجام میدهد و رئیس ریاست عمومی تنظیم امور شورای وزیران با تدارك و تدویر جلسات شورای وزیران ، وظایف و وظائف بوده و در اجرای وظایف واه مسوولیت فردی دارد که مقرر و تشکیل ریاست عمومی تنظیم امور شورای وزیران از طرف شورای وزیران تصویب گردیده است . البته جریان جلسات شورای وزیران و کمیته اجرائیوی آنها درج پروتوکولی میگردد که از طرف رئیس شورای وزیران یا معاون او که جلسه را ریاست نموده است و رئیس ریاست عمومی تنظیم امور شورای وزیران امضا میشود . رئیس ریاست عمومی تنظیم امور شورای وزیران طبق مقررات به ترکیب اعضای حکومت شامل میباشد .

تهیه مسایل جهت بررسی در جلسات شورای وزیران و کنترل منظم تطبیق مصوبات ح . د . خ . ا ، شورای وزیران و کمیته اجرائیوی آنها توسط ریاست عمومی تنظیم امور شورای وزیران صورت میگردد .

۳- ارگانهای مرکزی اداره دولتی ج . د . ا . بعینت شخصیت حقوق اداری :

الف : وزارت ها : عبارت از ارگانهای مرکزی اداره دولتی میباشد که

رهبری ساحات مربوطه را بدوش دارند. در سیستم مرکزی ارگانهای اداره دولتی وزارت ها بیکدیگر کمیته قابل ملاحظه مقام خاص را کسب نموده است که در واقعیت امر وزارت ها دارای صلاحیت رشنوی بوده ، یعنی با آنها رهبری مشخص داره دولتی معین تخصیص داده شده است. اساسات و وقف حقوقی وزارت های ج. د. ا. و تمام آنها در سیستم ارگانهای اداره دولتی به وسیله اصول اساسی ج. د. ا. ، قانون شورای وزیران ج. د. ا. و قانون اصول عمده تشکیل و وظایف وزارت های ج. د. ا. مشخص گردیده است . البته موقف حقوقی هر وزارت در مقرر آن بطور همه جانبه تسجیل یافته است .

تشکیل و انحلال وزارت خانه ها مطابق فقره پنجم ماده (۳۷) اصول اساسی ج. د. ا. به صلاحیت شورای انقلابی و در خلال مدت بین دوره های اجلاس آن به هیئت رئیسه شورای انقلابی محول گردیده است . وزارتخانه های ج. د. ا. از وضع و انکشاف ساحات مربوط خویش ، تأمین نیازمندیهای کشور ، تحقق مشی سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری دولت و حکومت ، تعمیم اصول دموکراتیک در تشکیل و فعالیت اداره دولتی مسوول میباشند و فعالیت های خویش را به موجب اصول اساسی ج. د. ا. ، قوانین و فرامین شورای انقلابی و هیئت رئیسه آن ، قانون شورای وزیران ج. د. ا. ، قانون اصول عمده تشکیل و وظایف وزارت های ج. د. ا. ، مصوبات ح. د. خ. ا. و شورای وزیران پیشبرده و از تطبیق آن نظارت مینمایند. وزارت خانه ها بعضی اوقات بنام ارگانهای رشنوی اداره دولتی یاد میگردند ، زیرا آنها رشته معین را تحت اداره داشته که رهبری واحد همان رشته را بدوش دارند که هر یک از وزارت ها رشته معین را در سرتاسر کشور یا بطور مستقیم و یا بوسیله ارگانهای خویش رهبری مینمایند .

بدین لحاظ وزارت، عبارت از ارگان مرکزی اداره دولتی میباشد که رهبری رشته های اقتصادی، اجتماعی، کلتوری و اداری - سیاسی را عهده دار بوده و در انجام امور همان رشته مسوولیت دارد. یابۀ عبارت دیگر وزارت مجموعه ادارات و دوائر دولتی است که به منظور ادارهٔ يك یا چند امر عمومی معین و مرتبط بهم تشکیل شده است. بنابراین کایه امور اداره دولتی بین وزارت خانه های موجوده ج. د. ا. تقسیم شده است و امور دولتی وجود ندارد که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم شامل در صلاحیت قانونی وزارت خانه ها نبوده و از مسوولیت آن خارج باشد.

تعیین تعداد وزارت خانه ها منوط به تصویب شورای انقلابی ج. د. ا. میباشد. با وجود این عملاً تعیین تعداد وزارت ها و چگونگی تقسیم امور بین آنها معمولاً منوط به تصمیم شورای وزیران است زیرا شورای وزیران حق دارد هر نوع تغییر و تبدیلی که مقتضی بدانند در تعداد وزارت خانه ها، وارد نماید مشروط بر این که بعداً تصویب شورای انقلابی و در خلال مدت دوره اجلاس آن تصویب هیئت رئیسه شورای انقلابی را بگیرد. قبل از انقلاب شور تعداد وزارت خانه ها محدود بوده ولی در چند سال اخیر تعداد آن افزایش یافته است. از دیاد آنها در واقعیت نیاز مند یهای عینی، اداره دولتی را در ساحات مشخص و معین بیان میدارد، در چوکات شورای وزیران ج. د. ا. به منظور رهبری ساحات اداره دولت، وزارت های ذیل تأسیس گردیده است.

وزارت امور خارجه، وزارت دفاع، وزارت امور داخله، وزارت امقیت دولتی، وزارت مالیه، وزارت عدلیه، وزارت امور اقوام و قبایل، وزارت شون اسلامی، وزارت ترانسپورت و توریزم، وزارت انرژی برق، وزارت

آب‌داری و منابع آب، وزارت معادن، وزارت صنایع خفیفه و موادغذائی،  
وزارت تحصیلات عالی و مسلکی، وزارت امور ساختمان، وزارت  
زراعت و اصلاحات ارضی، وزارت تجارت، وزارت صحت عامه،  
وزارت مخازن، وزارت تعلیم و تربیه، وزارت هوا و نوردی ملکی.

باید خاطر نشان ساخت در راس هر وزارت خانه مطابق ماده پنجا هم  
اصول اساسی وزیر قرار دارد. وزراء فعالیت خود را مطابق قانون انجام  
میدهند و در پیشبرد امور وزارت و انکشاف ساحات مربوط مسوولیت فردی  
دارند.

وزراء دارای معین و یا معینان میباشند که تقسیم وظایف بین آنها توسط  
وزیر صورت میگیرد و وزیر از اجرای وظایف و مسکلفیت های مسحوله وزارت  
شخصاً مسوولیت ندارد. مسوولیت های معینان و سایر آمرین ادارات وزارت را در  
پیشبرد امور مربوط تعیین میکند. وزیر در حدود صلاحیت های قانونی خود او امر  
صادر میکند اجرای او امر و وزیر توسط تصدیقها، موسسات و ادارات تحت اثر حتمی  
میباشد. امور وظایف هر وزارت طبق اصل تقسیم کار بین ریاست ها، ادارات،  
دو ایر و شعبات تقسیم میگردد و ریاست مرکب از چند مدیریت عمومی  
و هر مدیریت عمومی مرکب از چند مدیریت و هر مدیریت مرکب از چند شعبه  
میباشد بین واحد های فوق الذکر سلسله مراتبی وجود دارد که ریاست بالاترین  
تقسیمات وزارت خانه و شعبه پائینترین آن است. البته تعداد ریاست های  
وزارت خانه ها بستگی به اهمیت و تنوع امور و وظیفوی آن وزارت دارد.  
امور و وظیفوی وزارت ها به دو نوع اند: یکی امور فنی و تخصصی وزارت  
هست که وزارت ها اصلاً برای تأمین و انجام آن امور تأسیس گردیده  
اند. چون ماهیت این امور بر حسب هر وزارت خانه متفاوت است فلذا

سازمان آنها نیز در هر وزارت خانه از حیث تعداد ادارات و از جهت حوزه بندی بایکدیگر اختلاف دارند مثلاً وزارت های مالیه، عدلیه، زراعت، آبیاری، تعلیم و تربیه در مرکز، ولایات و شهرها دارای تشکیلات میباشند در حالیکه وزارت خارجه احتیاج به ایجاد تشکیلات در شهرها و ولایات ندارد زیرا تشکیلات آن فقط در مرکز و خارج کشور است. مجموعه اداراتی که عهده دار اداره امور فنی وزارت میباشند ادارات فنی وزارت ها نامیده میشوند و مجموعه اداراتی که عهده دار امور استخدام و حساب داری خدمات و غیره میباشند، ریاست اداری وزارتها نامیده میشوند.

به منظور درک موقف حقوقی ارگان های مرکزی اداره دولتی بحیث شخصیت حقوق اداری به مطالعه مختصر وظایف وزارت های جمهوری دموکراتیک افغانستان می پردازیم که بیان وظایف وزارت ها فاعل بودن آنها را در حقوق اداری ج. د. ا. واضح میسازد.

بدر نظر داشت فهرست، اسامی وزارت های ج. د. ا. که قبلاً از آنها نام بردیم، هر یک از وزارتها فعالیت رشته خاصی را رهبری مینمایند که وظایف آنها در بر گیرنده ساحات آتیست:

تنظیم و اجرای پلانه های منظور شده توسط کلیه ادارات، تصدیق و موسسات وزارت مربوطه، ارزیابی منظم سویه تخنیک و اقتصادی تولیدات و محصولات عمده ساحه مربوط و تعیین طرق موثر استفاده از پیشرفت های علم و تخنیک، پیشبرد امور ساختمانی در ساحه مربوطه، تأمین استفاده موثر از سرمایه گذاری و جاگزین نمودن مدبرانه پروژه های ساختمانی جدید در چوکات پلان؛ تعیین نیاز مندیهای

ادارات، تصدیقها و موسسات مربوطه به مواد سوخت، سامان آلات و سایر مواد مراقبت و کنترل از استفاده ذخایر مالی در سیستم‌های مربوط وزارت، تأمین اجرای پلانهای مالی، ترتیب بودجه بادر نظر داشت وضع مالی کشور، تأمین کار مسکنی ادارات، تصدیقها، موسسات مربوط، تریبه کادرها و بلند بردن مهارت مسکنی ایشان، استحکام قانونیت قانونگذاری و مبارزه علیه جرایم، تأمین حاکمیت ملی، استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور، اتخاذ تدابیر جهت انکشاف مزید و تکامل سیستم مترقی معارف، امحای بیسوادی، توسعه مکاتب، مدارس، پوهنتون ها، مراکز علمی و تربیتی و همچنین کودکان ها و سایر موسسات تربیه اجتماعی اطفال، انکشاف مزید شبکه های موسسات صحی و همچنین انکشاف تحقیقات علمی در ساحه طب و بلند بردن و موثریت آن در کشور، اتخاذ تدابیر جهت ازدیاد تولید کلیه انواع محصولات زراعتی، ایجاد کوپرا تیف های جدید زراعتی و انکشاف آبیاری ارضی مطابق به نیازمندیهای اقتصاد ملی، انکشاف مزید کلیه انواع مخازرات جهت رفع نیازمندیهای اهالی، توسعه همه جانبه ترانسپورت جهت رفع نیازمندیهای مربوط به حمل و نقل - رشد و انکشاف تجارت و استحکام اساسات مادی و تکنیکی آن، انکشاف مذاکرات تجاری با معالک خارجی، تنظیم فعالیت های صادراتی و وارداتی ادارات، موسسات و اشخاصیکه معامله تجاری را انجام میدهند، پیشبرد و ابطا اقتصادی، علمی، تخنیکسی و کلتوری با معالک خارجی طبق مقررات و اجرای تعهدات ج. د. ا. ناشی از قرارداد ها و موافقت نامه های منعقد شده با معالک خارجی. انجام وظایف فوق الذکر بیا نگر تثبیت شخصیت حقوقی وزارتها در حقوق اداری ج. د. ا. میباشد.

## ب : کمیته های دولتی :

حلقه دیگر سیستم مرکزی ارگان های اداره دولتی ج. د.ا. را کمیته

های دولتی تشکیل میدهد .

چون این ارگان های اداره دولتی در مقیاس کشور تأسیس گردیده بهمین مناسبت آنها را کمیته دولتی مینامند قبلاً چنین کمیته های دولتی وجود نداشت ، بعد از پیروزی انقلاب ثور کمیته های دولتی تأسیس گردید . کمیته های دولتی به اساس پیشنهاد شورای وزیران و تصویب شورای انقلابی و در خلال اجلاس آن هیئت رئیسه شورای انقلابی ، ایجاد میگردد . روسای کمیته های دولتی به پیشنهاد شورای وزیران و تصویب هیئت رئیسه شورای انقلابی تعیین و عضویت شورای وزیران را نیز کسب مینماید . کمیته های دولتی در حقیقت ارگانهای بین رشتوی اداره دولتی محسوب میگرددند . در چوکات شورای وزیران ج. د.ا. کمیته های دولتی ذیل تأسیس گردیده است :

کمیته دولتی پلانگذاری ج. د.ا. بحیث ارگان مرکزی اداره دولت منحصرأصلاحیت رهبری امور پلانگذاری دولتی را به عهده دارد . کمیته دولتی کار و تأمیفات اجتماعی بحیث ارگان مرکزی اداره دولتی رهبری امور مربوط به کار و تأمیفات اجتماعی را بدوش دارد . کمیته دولتی طبع و نشر نیز بحیث ارگان مرکزی اداره دولتی وظایف مربوط به امور طباعنی و نشراتی را عهده دار است . کمیته دولتی کلتور مسایل مربوط به امور فرهنگی و کلتوری را بحیث ارگان مرکزی اداره دولتی رهبری مینماید .

کمیته دولتی آژانس باختر مسایل مربوط به اطلاعات خبری داخلی و خارجی را بحیث ارگان مرکزی

اداره دولتی تقظیم مینماید .

کمیته رادیو تلویزیون و سینماتوگرافی بحیث ارگان مرکزی اداره دولتی مسایل عمومی سمعی و بصری را رهبری مینماید .

کمیته دولتی بانک بحیث ارگان مرکزی اداره دولتی مسایل مربوط پولی ، با نیکداری و اسعاری را در سطح اداره دولتی پیش میبرد .

کمیته دولتی تفنیش و کنترول شورای وزیران نیز بحیث ارگان مرکزی اداره دولتی امور تفنیش و کنترول ادارات دولتی را تحقق می بخشد

ناگزیری تشکیل کمیته های دولتی از متنوع شدن و بفرنج شدن وظایف اجرائیوی منشأ میگیرد ، زیرا وظایف اجرائیوی آنقدر گسترش یافته که

تحقق بخشیدن اجراءات آن بوسیله وزارت هادشوار بوده و کمیته های دولتی صلاحیت بخصوص بین الرشقوی را دار است که بخاطر هماهنگی روابط

میان دو یا چند رشته ایجاد گردیده است و خصوصیات کمیته های دولتی قرار ذیل اند :

- کمیته های دولتی وظیفه حل پرابلم ها را در ارتباط ارگانهای اداره دولتی تحقق می بخشد . مثلاً در ارتباط وزارت خانه ها ، موسسات و ادارات که از نگاه تشکیلاتی تحت اثر آن نمی باشد .

- کمیته های دولتی فعالیت های خویشرا بمنظور تأمین فیصله واحد پیرامون حل پرابلم ها در چوکات سیستم اداره دولتی ، انجام می بخشد .

- خصوصیت ویژه موقف حقوقی کمیته های دولتی عبارت از آن است که آنها صلاحیت حقوقی بالای ادارات رشتوی داشته و در ارتباط ارگانهای اداره دولتی که تحت اثر آن نیست احکام مرعی الاجرا وضع مینماید



مثلا کمیته دولتی پلانگذاری فعالیت پلانی تمام وزارت ها ، موسسات و ادارات را هماهنگک میسازد .

مطلب ارائه شده فوق در بر گیرنده آنست که کمیته های دولتی را به مثابه شخصیت حقوق اداری بر شماریم .

### ج : ادارات عمومی :

ادارات عمومی یا ادارات تخصصی نیز از جمله ارگانهای اداره مرکزی دولتی محسوب میگردند . ادارات عمومی عبارت از کمیته ها ، ادارات تخصصی ، ادارات عمومی و کمیسیونها میباشد که به طور مستقیم تحت اثر شورای وزیران فعالیت مینمایند و وظایف آنها مختلف میباشد . تأسیس آنها در ناگزیری تنظیم امور اقتصادی ، اجتماعی ، کلتوری و نظامی صورت میگیرد . شورای وزیران صلاحیت تشکیل آنها را دارد . ادارات عمومی وابسته به شورای وزیران ، ارگانهای مرکزی اداره دولتی ج.د.ا. می باشد و در باره وضع امور مربوطه و انکشاف ساحه محوله مسؤل هستند و در حدود صلاحیت مملکی به احکام قانون به منظور اجرای قوانین ، فرامین شورای انقلابی و هیئت رئیسه آن و مصوبات شورای وزیران ، فیصله ها و اوامر لازم صادر و از اجرای آن نظارت مینمایند . در راس ریاست های عمومی وابسته به شورای وزیران رؤسا قرار داشته از اجرای وظایف محوله ریاستها مسوولیت فردی دارند . ادارات عمومی وابسته بشورای وزیران قرار ذیل اند :

ریاست عمومی جیودیزی و کار توگرافی ، ریاست عمومی ضدحوادث ، ریاست عمومی انکشاف دهات ، ریاست عمومی تربیه بدنی و ورزش و اکادمی علوم ج. د. ا .

روشن ساختن موقف حقوقی کمیته های دولتی و ادارات عمومی مطابق اصول اساسی ج. د. ا. و قانون شورای وزیران ج. د. ا. شخصیت حقوقی آنها را به مثابه ارگانهای مرکزی اداره دولتی بدان و فاعل بودن آنها را در عرصه حقوق اداری واضح میسازد.

همچنان کمیته ها ، کمیسیون ها و شوراهای مشورتی تحت اثر شورای وزیران و در چوکات شورای وزیران نیز بحیث شخصیت حقوق اداری ج. د. ا. تلقی شده میتواند.

۴- ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی بحیث شخصیت حقوق اداری :

الف : کمیته های اجرایی محلی :

مطابق به اصول اساسی ج. د. ا. ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی در ولایات ، لوی و لسوالی ها ، شهرها ، نواحی ، ولسوالی ، علاقه داری ها و قراء بر حسب شرایط مساعد محلی تأسیس میگردد که ارگانهای اجرایی ج. د. ا. های شورای نماینده گان مردم محلات فوق الذکر ، کمیته های اجراییه میباشد. کمیته های اجراییه از طرف جرگه ها در اولین دوره اجلاسیه آنها به ترکیب رئیس ، معاون یا معاونین رئیس ، منشی و اعضاء انتخاب میشوند . اعضای کمیته اجرایی ج. د. ا. از جمله نمایندگان مردم که به جرگه مذکور انتخاب گردیده اند ، انتخاب میشوند .

منظوری روسا ، معاونین و منشی های کمیته های اجرایی ج. د. ا. ها از طرف کمیته های اجرایی بالائی و روسا ، معاونین و منشی های کمیته های اجرایی ج. د. ا. های ولایات و جرگه شهر کابل از طرف شورای وزیران صورت میگیرد که طرز انتخاب و ترکیب اعضای کمیته اجرایی ج. د. ا. ها

نمایندگان مردم توسط قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی به طور همه جانبه مشخص گردیده است. مثلاً در ترکیب کمیته های اجراییوی جرگه های ولایات رئیس، معاون رئیس، منشی و هشت الی ده عضو انتخاب میگردد در ترکیب کمیته های اجراییوی جرگه های لوی و لسوالی، علاوه از رئیس، معاون، منشی از شش الی هشت عضو انتخاب میگردد. همچنان کمیته های اجراییوی جرگه های شهری، ناحیه و لسوالی بر علاوه رئیس و منشی سه الی پنج عضو میداشته باشند.

کمیته های اجراییوی جرگه های علاقه داری مرکب از رئیس، منشی و سه عضو و در ترکیب کمیته های اجراییوی قراقرم رئیس، منشی و از یک الی سه عضو انتخاب میگردد. مطابق ماده شصت قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی، کمیته اجراییوی جرگه شهر کابل مرکب از رئیس، معاونان، منشی و یازده الی پانزده عضو انتخاب میگردد.

قابل یاد آوری است که کمیته های اجراییوی به مثابه ارگانهای محلی اداره دولتی در ساحت تمام مسایل دارای اهمیت محلی را حل و فصل میکنند، امور دولتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را رهبری و رعایت قوانین، حفظ امنیت و نظم اجتماعی و حقوق اتباع را تأمین مینماید از همین لحاظ کمیته های اجراییوی هم در برابر جرگه ها که آنها را انتخاب کرده اند و هم در برابر کمیته اجراییوی بالائی گزارش ده می باشند. البته کمیته های اجراییوی جرگه های ولایت و جرگه شهر کابل موقع حقوقی خاص داشته یعنی هم در برابر جرگه خود و هم در برابر شورای وزیران گزارش ده میباشد که کمیته های اجراییوی حد اقل یک مرتبه در سال در برابر جرگه خود گزارش میدهند.

همچنان رهبری ارگانهای تابع جرگه، تصدیها، سازمانها و موسسات را طبق فیصله نامه جرگه و ارگانهای عالی قدرت حاکمه و ارگانهای اداره دولتی به عهده داشته میتوانند مسایلی را حل و فصل کنند که داخل فعالیت جرگه باشد بد استثنای آن عده مسایلی که حق حل و فصل آنرا تنها خود جرگه در مجموع میداشته باشد. کمیته های اجرایی جرگه راهبردی تر تیب پلان انکشاف اجتماعی-اقتصادی، بودجه های محلی را به عهده داشته و اجرایی آن و همچنان فیصله نامه های شوراها و ارگانهای عالی را سازمان میدهند. در فعالیت کمیته های اجرایی انکشاف عمومی اقتصادی و اجتماعی ساحه مربوطه جرگه مقام خاصی را دارد آنها مراقبت رعایت قانون و نظارتی تصدیها، موسسات و سازمانهای دارای تابعیت عالی واقع در ساحه جرگه را تطبیق میکنند. فعالیت ایشان در ساحه اسفاده زمین، حفاظت طبیعت، ساختمان، استفاده از منابع قوای بشری، تولیدات اموال، خدمات اجتماعی و فرهنگی، بود و باش و غیره را انجام و مراقبت میکنند.

کمیته های اجرایی جرگهها مطابق ماده (۶۵) قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی چ د.ا. میتوانند مسایل ذیل را مستقیماً حل نمایند: دعوت اجلاس جرگه، رهبری ریاستها و شعبات کمیته اجرایی و ادارات و موسسات تحت اثر، سازماندهی تطبیق پلان دولتی و بودجه عایدات و مصارف سالانه در سطح حوزه مربوطه، تنظیم پذیرش و حل و فصل عرایض و شکایات زحمتکشان، تأمین حفظ و مراقبت سرکها، مساعدت در انکشاف ترانسپورت، اتخاذ تدابیر جهت محو بیسوادی، توسعه شبکه مکاتبات، تعلیمات عمومی، اتخاذ تدابیر جهت احداث بندها، کار یزها، اتخاذ تدابیر جهت تأمین کار اتباع، تأمین تحصیل مالیات قانونی، کنترل و قیمت، مساعدت

در انکشاف مخایرات، مواظبت از اطفال بی سرپرست و انجام سایر صلاحیت هاطبق قانون.

صلاحیت های فوق الذکر خود گواه آنست که کمیته اجرائیوی جرگه نمایندگان مردم به حیث شخصیت حقوق اداری در نظر گرفته شود زیرا به وسیله تحقق صلاحیت های مندرج قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی روابط حقوقی در بخش های مختلفه ظهور مینماید که عامل اصلی آن کمیته اجرائیوی جرگه نمایندگان مردم میباشد زیرا کمیته های اجرائیوی جرگه در حدود صلاحیت های خود تصامیم اتخاذ مینمایند و فیصله های کمیته های اجرائیوی از طریق رای گیری علنی و به اکثریت آرای اعضای حاضر در جلسه کمیته های اجرائیوی اتخاذ میگردد که فیصله های آنها از تاریخ تصویب مدار اعتبار قرار میگردد البته فیصله های کمیته های اجرائیوی جرگه ها که در حدود صلاحیت صادر میگردد برای کلیه موسسات، ادارات، سازمانها و همچنین مسوولین امور و اتباع شامل حوزه آنها مرعی الاجراء میباشد.

برای اینکه با موقوف کمیته اجرائیوی جرگه های نمایندگان مردم آشنائی کافی کسب نمائیم صلاحیت های رئیس کمیته اجرائیوی، معاونین رئیس و ممشی کمیته های اجرائیوی را بطور مختصر مطالعه مینمائیم:

روسای کمیته های اجرائیوی جرگه هادر تأمین رهبری و سازماندهی فعالیت کمیته اجرائیوی، اجرای فیصله های جرگه و کمیته اجرائیوی، پیشبرد جلسات کمیته اجرائیوی، امر اعطای وسایل مالی و مادی

طبق قانون ، امضای اسناد مالی ، کنترل توزیع امدادهای مادی ، استخدام و عزل کارمندان دستگاه کمیته اجرائیوی ، سوق و کنترل اجراءات روسای کمیته های اجرائیوی جرگه های پسا ئینی ، رهبری اجراءات روسای ریاست ها و آمران شعبات مربوطه ، ادارات موسسات تحت اثر و صدور اوامر ، صلاحیت دارند . بهمین ترتیب معاونین روسای کمیته های اجرائیوی مطابق به تقسیم وظایف در رهبری بخش از امور اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و فعالیت ریاست ها ، مدیریت های کمیته اجرائیوی در همان بخش ، تعمیل فیصله های جرگه و کمیته اجرائیوی را در بخش مربوطه صلاحیت دارند .

منشیان کمیته های اجرائیوی در ترتیب پلان کار کمیته های اجرائیوی تهیه مراد برای اجلاس جرگه ها و جلسات کمیته های اجرائیوی ، ارسال به وقت و زمان فیصله های جرگه و کمیته اجرائیوی به مراجع مربوطه ، پیشبرد امور دفتری ، کنترل اسناد وارده و صادره ، اجرای دستاویز کمیته اجرائیوی جرگه ، دارای صلاحیت اند .

#### ب : ادارات و شعبات کمیته های اجرائیوی :

ریاست ها و شعبات کمیته های اجرائیوی جرگه ها نیز بحیث شخصیت حقوق اداری ج. د. ا. بوده ، زیرا ریاست ها و شعبات کمیته های اجرائیوی جرگه ها بحیث ارگانه های محلی رشتوی اداره دولتی محسوب میگردد . آنها به اساس پیشنهاد کمیته اجرائیوی و فیصله جرگه ها تأسیس میگردد که در صلاحیت و وظایف آن مساوی رشتوی اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری محلی شامل میباشد و مانند کمیته اجرائیوی جرگه از اجراءات خود نزد جرگه مسوولیت دارد . البته فهرست ریاست ها و مدیریت های کمیته های

اجرائیوی طبق ماده (۷۷) قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی ج. د. ا. از طرف شورای وزیران ج. د. ا. تعیین میگردد.

ریاست ها و مدیریت های کمیته های اجرائیوی جرگه ها در فعالیت های خود تابع جرگه ، کمیته اجرائیوی و همچنین ارگانهای بالائی اداره دولتی میباشد که آمران ریاست ها و مدیریت های کمیته های اجرائیوی جرگه در حدود صلاحیت ریاست ها و مدیریت ها در مورد تطبیق فیصله های جرگه ها ، کمیته های اجرائیوی آنها و همچنین اسناد ارگانهای بالائی قدرت دولتی و ارگانهای اداره دولتی اوامر صادر مینمایند و از اجراءات خویش در ساحه مربوطه مسوولیت فردی دارند .

ج: کمیسیونهای انتخابات جرگه های محلی نمایندگان مردم :

این کمیسیونها در واقعیت امر یک ارگان موقتی اداره دولتی مطابق ماده بیست و سوم قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی ج. د. ا. بشمار میرود. ولی از نگاه موقف و وظایف خویش جهت سازماندهی و تدویر انتخابات جرگه های محلی و کنترل بر جرگان آن، این کمیسیونها را نیز میتوان بهیئت شخصیت موقت حقوق اداری به رسمیت شناخت زیرا ماده (۲۶) قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی صلاحیت آنها را در امور مربوط همه جانبه واضح ساخته است که نظر به صلاحیت ها و وظایف شان میتوان آنها را بهیئت شخصیت موقت حقوق اداری ج. د. ا. در نظر گرفت.

ه - قریه دارها :

مطابق به مقرر قریه دارها میتوان بیان کرد که با وجود اینکه قریه دار فاقد دستگاه اداره دولتی میباشد ولی نظر به موقف اداری خویش با مفهوم دستگاه اداره محلی دولتی به طور نسبی مطابقت دارد در عین حال که

قریه دار بحیث فرد مسوول قریه شناخته میشود ولی عدم موجودیت دستگاه اداری وی را به مثابه ارگان نیز وانمود میسازد از همین لحاظ باید قریه دار را واحد و دی بحیث شخصیت حقوق اداری به رسمیت شناخت زیرا تمرکز قدرت اداره دولتی در وجود قریه دار به ذات خود تمایل کننده ارگان محلی اداره دولتی میباشد. مطابق قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی در اکثریت قراء جرگه های محلی تشکیل میگردد و کمیته های اجرایی وی را دارا میباشد. قریه دار در قریه های خورده و کوچک که ایجاب انتخابات رافعی نماید انتخاب میگردد.

وظایف، مکلفیت ها و صلاحیت های قریه دار طی مقرره جداگانه پیشبینی گردیده و موقف حقوقی آن مشخص شده است.

#### ه: وکلای گذر:

در ارتباط موقف حقوقی و وکلای گذر نیز مقرره وجود دارد که آنها را می توان تا اندازه به مثابه شخصیت حقوق اداری وانمود ساخت. البته وکلای گذر هم فاقد دستگاه اداره دولتی میباشد ولی موقف حقوقی شان را میتوان بحیث ارگان اداره دولتی تلقی کرد یعنی موقف اداری شان بامفهوم دستگاه اداره محلی دولتی واحدی مطابقت دارد.

طوریکه ملاحظه نمودیم سیستم ارگانهای اداره دولتی محلی نیز متنوع بوده و در محلات و وظایف محوله را بدوش و تحقیق می بخشند. ارگانهای محلی اداره دولتی با در نظر داشت تقسیمات ملکی اداری ج. د. ا. صورت گرفته است تا اساسات دموکراتیک در اداره دولتی گسترش یابد که ساختمان تشکیلاتی اداره دولتی محلی خودبیانگرد و وکرا تیزه ساختن اداره دولتی ج. د. ا. میباشد.



از تشریحات پیرامون موقف حقوقی ارگانهای محلی اداره دولتی برمی آید که برحق این ارگانها را میتوان بحیث شخصیت حقوق اداری ج. د. ا. در نظر گرفت زیرا معیار هائیکه برای شخصیت حقوقی باید در نظر گرفته شود در موجودیت فعالیت و وظایف، مسوولیت و صلاحیت های ارگانهای دولتی محلی نیز به وضاحت آشکار و انعکاس یافته است .

۵ - نظریات پیرامون کارمندان اداره دولتی ، سازمانهای اجتماعی و اتباع از نگاه موقف آنها بحیث شخصیت حقوق اداری ج. د. ا. :

الف : کارمندان اداره دولتی :

قبل از آنکه به بحث پیرامون کارمندان اداره دولتی بپردازیم لازم است تا مفهوم شخصیت (فاعل) اداره و مفهوم شخصیت حقوق اداری را از هم تفکیک نمائیم در غیر آن مانند اکثر علمای حقوق بطور اشتباه آمیز در شمار شخصیت حقوق اداری، کارمندان اداره دولتی را نیز شامل خواهیم ساخت، درحالیکه کارمندان اداره دولتی از یک سلسله حقوق، و جایب، مسوولیت ها و صلاحیت هایی برخوردار هستند که همه آنها با وسیله نورمهای حقوق اداری تنظیم میگردد . ولی هرگز آنها را نمیتوان بحیث شخصیت حقوق اداری به رسمیت شناخت . اما از آنجائیکه کارمندان اداره دولتی در دستگاه های اداره دولتی مختلف انجام وظیفه مینمایند فقط آنها را میتوان بحیث شخصیت (فاعل) در همان اداره که امور محوله را پیش میبرند محسوب کرد مثلاً وزیر یک وزارت شخصیت اداره همان وزارت گفته میشود دارای حقوق، و جایب و صلاحیت ها فقط در ساحه اداره وزارت مشخص نمود میباشد و در فعالیت اجرایی یعنی اوامر، دستاویز و غیره خورش نیز شخصیت حقوقی ارگان اداره دولتی (وزارت) را بحیث شخصیت

حقوق اداری انعکاس می‌دهد. درحالی‌که ارگان وزارت خود به حیث شخصیت حقوق اداری محسوب می‌گردد .

بسیاری از علمای حقوق به این عقیده اند که چون کارمندان ارگانهای اداره دولتی ، دستگاه اداره دولتی را می چرخانند از همین لحاظ آنها را بحیث شخصیت حقوق اداری قلمداد می‌شمارند . این یک واقعیت است که ارگانهای اداره دولتی به طور خودی نمیتوانند فعال باشند ، بلکه در حقیقت کارمندان اداره دولتی آنها را رهبری و فعال می‌سازند بهمین جهت ارگانهای اداره دولتی را باید یکجا در رابطه با کارمندان آن در نظر بگیریم . اگر ارگانهای اداره دولتی را به کذب تشبیه کنیم ، کارمندان آن در حکم سلولهای زنده‌منش که آن محسوب می‌گردد ، زیرا با موجودیت ارگانهای اداره دولتی است که کارمندان اداره دولتی پر اہل و عیال های قرار داده شده در برابر ارگانهای اداره دولتی را تحقق بخشیده و کار ارگانهای اداره دولتی را مفید و موثر سازد. اینکه کارمندان اداره دولتی را بحیث شخصیت حقوق اداری می‌شماریم بدین معنیست که مطالعه جنبه های اداری ، سازمانی و مسایل حقوقی کارمندان اداره دولتی خود بیانگر آنست که آنها به‌عناوین شخصیت رسمی در ارگان اداره دولتی می‌باشند .

قابل یادآور است که علمای حقوق آن کارمندان اداره دولتی را که در رهبری ارگانهای اداره توظیف گردیده اند بحیث شخصیت حقوق اداری می‌شمارند و پرسونل معاونیت های تخیلی و سایر کارمندان اداره دولتی را شامل شخصیت حقوق اداری نمی‌سازند فقط کارمندان صاحب مقامات عالیتر به رسمی را حاوی شخصیت حقوق اداری میدانند ولی بهر صورت

کارمندان اداره دولتی به علت ارتباط نزدیک با ارگان اداره دولتی تابع مقررات حقوق اداری هستند و در فعالیت خویش از همان ارگان اداره دولتی که در آن دارای صلاحیت اند، نماینده‌گی می‌نمایند. بمخاطر روشنی هر چه بیشتر حقوق، و جرایب، و وظایف، مسوولیت‌ها و صلاحیت‌های کارمندان اداره دولتی در فصل (چهارم) مراجعه شود.

ب: سازمانهای اجتماعی:

این يك واقعت انكار ناپذیر است که سازمانهای اجتماعی جز لاینفك سیستم سیاسی ج. د. ا. محسوب می‌گردد و در همین اصل خصوصیت ملی-دموكراتيك انقلاب ثور تجلی می‌نماید، زیرا اتباع کشور به طور فعال در امور اداره دولتی و اجتماع نه تنها از طریق ارگانهای دولتی، بلکه از طریق سیستم غیر دولتی یعنی از طریق عضویت در سازمانهای اجتماعی سهم ارزشمند می‌گیرند.

در ماده ششم اصول اساسی ج. د. ا. سازمانهای اجتماعی بحیث اجزای اساسی سیستم سیاسی کشور قلمداد شده است. ولی به هیچ وجه با در نظر داشت خصوصیت سازمانهای اجتماعی و رابطه آن با دستگاه اداره دولتی و صلاحیت آنها در ساحه اداره دولتی نمیتوان سازمانهای اجتماعی را بحیث شخصیت حقوق اداری ج. د. ا. در نظر گرفت زیرا سازمانهای اجتماعی عبارت از سازمانهای غیر دولتی میباشند و فاقد صلاحیت قدرت دولتی بوده و اعضای آنها به نماینده‌گی از سازمانهای اجتماعی خویش فعالیت می‌نمایند و دارای کدام مقام در دستگاه اداره دولتی نمیباشند و همچنان فعالیت آنها از طریق اشکال حقوقی تحتق نمی‌پذیرد، فیصله‌های آنها فقط برای اعضای آنها حتمی پنداشته میشود ولی در بعضی اوقات

خصوصیت مشورتی را برای ارگانهای اداره دولتی میداشته باشند. دیده میشود که سازمانهای اجتماعی به ارگانهای اداره دولتی در همکاری میباشند. رابطه میان سازمانهای اجتماعی و ارگانهای اداره دولتی قبل از همه به اساس مباحثه، مذاکره، مشاوره پیرامون قضایا صورت میگیرد، بدین معنی که جهت اتخاذ تدابیر، ارگانهای اداره دولتی بمنظور گرفتن مشوره ها از نمایندگان سازمان های اجتماعی دعوت بعمل می آورند تا نظریات و پیشنهادات خویش را ابراز می نمایند.

سازمان های اجتماعی حق دارند که نظریات و طرحهای مشورتی و پیشنهادات خویش را بخاطر بهبود کار ارگان های اداره دولتی ارائه نمایند لکن مشوره ها و پیشنهادات شان برای ارگان های اداره دولتی خصوصیت حتمی اجرائیوی حقوقی ندارد.

همچنان بمنظور تحقق فیصله هائی که از طرف ارگان های اداره دولتی به عمل می آید میان سازمان های اجتماعی و ارگانهای اداره دولتی تماسهای نزدیک انکشاف و توسعه می یابد. مثلاً سازمان های اجتماعی به طور دسته جمعی مسابقات کار را سازمان میدهند و بخاطر اجرای فیصله های ارگان های اداره دولتی کارسازمانی و توضیحی را پیش میبرند و هم سازمانهای اجتماعی بخاطر کنترل فیصله های اداره دولتی همکاری می نمایند، مثلاً اتحادیه های صنفی کنترل اجتماعی را در ساحات خدمات کلتوری، اجتماعی، توزیع منازل رهائشی، کنترل کار موسسات تجارسی و مواد خوراکی انجام میدهد. این همه اشکال شرکت سازمان های اجتماعی را در اداره دولتی بیان میدارد که اشکال مذکوره شرکت شان در اداره دولتی افادۀ شخصیت حقوق اداری آنها را در بر

نمیگیرد، بلکه مبین شخصیت حقوقی سازمان‌های مربوطه مطابق اساسنامه های شان میباشد .

قابل یاد آور است که در کدام حالات سازمانهای اجتماعی میتوانند صلاحیت قدرت حقوقی داشته باشند فقط در صورتیکه دولت چنین امکان را برای شان بسپارد بدین معنی که صلاحیت به طور مستقیم از اساسنامه های سازمانهای اجتماعی منشأ نمیگیرد بلکه از اراده دولت نشأت میکند . سازمانهای اجتماعی میتوانند احکامی که ماهیت حقوقی اداری داشته باشد صادر نمایند البته با در نظر داشت قوانین جاری که در سه حالت چنین صلاحیت تبارز مینمایند:

— سازمانهای اجتماعی مشترکاً با ارگانهای اداره دولتی احکام فور ماتیفی صادر مینمایند مثلاً مصوبه مشترک شورای وزیران و جبهه ملی پدر وطن ، سازمان جوانان و یا اتحادیه های صنفی .

— در صورتیکه سازمانهای اجتماعی احکام فور ماتیفی انفرادی صادر نمایند مورد تائید و تصویب ارگان اداره دولتی قرار گیرد .  
— سازمانهای اجتماعی در صورت تفویض یا دستور ارگانهای اداره دولتی نیز میتوانند احکام فور ماتیفی بدهند .

طوریکه در پراونسیک به مشاهده میرسد در بعضی اوقات سازمانهای اجتماعی در فعالیت اجرائیوی ارگانهای اداره دولتی به مثابه عضو متساوی الحقوق شرکت میورزند بدین معنی که نمایندگان سازمانهای اجتماعی در ترکیب کمیته های مختلف ، کمیسیونها ، شوراهای مشورتی ، شامل میباشند که بوسیله ارگانهای اداره دولتی تشکیل میگردد که در چنین حالات در فیصله ها نورمهای حقوق اداری پذیرفته میشود و نماینده

سازمان اجتماعی دارای حق مساوی اند بطور مثال در کمیسیون توزیع آپارتمان های مکرر و ریون بدون اعضا. نماینده سازمان های اجتماعی حکم در مورد توزیع آپارتمان غیر قانونی پنداشته میشود خلاصه اینکه قرار تشریحات فوق نمیتوان سازمان های اجتماعی ج. د. ا. را شامل شخصیت حقوق اداری ساخت زیرا به کمک نورمهای حقوق اداری ، حقوق سازمان های اجتماعی در ساحه اداره دولتی مشخص و گزینتی عملی آن در نظر گرفته میشود .

ج : اتباع :

قابل یاد آور بست که موقف حقوق اساسی و مکلفیت های اتباع به طور همه جانبه در فصل دوم مندرج اصول اساسی ج. د. ا. مشخص و معین ساخته شده است ، چون اتباع ج. د. ا. در ارگان های اداره دولتی شرکت میورزند باید در رعایت اصول و نورمهای حقوق اداری سهم فعال بگیرند. ولی نکته قابل یاد آوری اینست که رعایت این نورمها دلیل در نظر گرفتن آنها به جهت شخصیت حقوق اداری شده نمیتواند زیرا رعایت مقررات ارگان های اداره دولتی وجبیه و مکلفیت قانونی هر تبعه ج. د. ا. محسوب میگردد. یاد نظر داشت مطالب فوق با صراحت گفته میترانیم که اتباع بحیث شخصیت ( فاعل ) حقوق اداری بشمار نمیروند بلکه فاعل حقوق آزادیها و مسوولیت های خویش مندرج اصول اساسی و سایر اسناد تقنینی اند. بدین اساس با نظریات آنعده علمای حقوق که بطور اشتباه آمیز اتباع را در جمله شخصیت های حقوق اداری شامل میسازند موافق نمیباشیم، زیرا مناسبات اتباع و دولت را در مجموع بدون ارتباط به موضوع حقوق اداری بیان میدارند در حالیکه مفهوم علمی فاعلی و شخصیت حقوق اداری را فراموش مینمایند. شخصیت حقوق اداری

تنها به ارگانهای اداره مرکزی و محلی اداره دولتی اطلاق شده میتواند  
و بس که بطور مفصل در سوال دوم همین فصل همه جانبه توضیح و روشنی  
انداخته شده است. این یک واقعیت است که مجموع حقوق و جایب  
و تضمین آنها در حقیقت موقوف حقوقی، اداری اتباع را تشکیل میدهد  
که مناسبات آنها را با دستگاه اداره دولتی معین میسازد. برای اینکه اتباع  
حقوق و جایب خویش را جامه عمل ببوشانند باید در تماس با ارگان های  
اداره دولتی مختلف و کارمندان اداره دولتی قرار بگیرند که درینصورت  
بحیث شرکت کننده گان روابط حقوق اداری قلمداد میگردند.

مثلاً استفاده از حق کار، برای اینکه اتباع به در یافت  
کار در موسسات و ارگان های دولتی موفق گردند لازم است تا کارمندان  
صلاحیت دار به نمایندگی از ارگان اداره دولتی احکام اداری صادر کنند.  
تمام حقوق فاعلی اتباع در ساحه اداره دولتی اهلیت اداری آنها  
را بیان میدارد یعنی هر تبعه ج.د.ا. حق ارائه پیشنهادات را به ارگانهای  
اداره دولتی در باره بهبود فعالیت ایشان داشته و از فواقص در کار ایشان  
مقتولند انتقاد نماید. همچنان شکایت بر عمل اشخاص موظف ارگانهای  
اداره دولتی، حق اتباع بشمار میرود این بدان معنی است که اتباع نه تنها فاعل  
(شخصیت) حقوق و آزادیهای خویش بلکه فاعل و جایب خویش در برابر دولت و  
جامعه هستند و این وجوب را نمایندگانشترک کننده روابط اجتماعی در ساحه اداره  
دولتی متقبل میشوند.

اتباع مکلف اند قوانین، موازین، سلوک اجتماعی، آداب و اخلاق  
انسانی را احترام و رعایت کنند، وظایف و جایب خود را صادقانه انجام  
دهند، کار مفید اجتماعی و صادقانه را بر مبنای وجدان پاک و وطنپرستی و جیبه مهم  
عمل خود بدانند، از دست آورد های انقلاب ثور دفاع و مبارزه علیه

رشوت، استفاده جوثی و اختلاس را سازمان دهند و مدافع منافع و حیثیت ارگان های اداره دولتی باشند. البته در تأمین حفاظت، حقوق و آزادیهای اتباع تمام ارگان های اداره دولتی مرکزی و محلی مسوولیت دارند که مسوولیت شانرا نه خود اتباع بلکه اصول اساسی ج. د. ا. و سایر اسناد تقنینی مشخص ساخته است. تضمین اداری حقوق اتباع قبل از همه در مکلفیت حقوقی تمام ارگان های اداره دولتی و کارمندان آنها تثبیت گردیده تا شرایط مساعدتر برای استفاده آزادانه حقوق اتباع مهیا گرداند. هیچ یک از کارمندان اداره دولتی در هر سطح و موقعی که قرار داشته باشند نمیتوانند حقوق اتباع را نقض یا مانع آنها گردند. در عین حال اتباع کشور مکلف اند اسناد تقنینی ارگان های اداره دولتی را رعایت و در همکاری با ارگان های اداره دولتی قرار گیرند زیرا در مقابل اتباع وجایب مشخص در رشته های سیستم مختلف اداره دولتی قرار دارند. مثلا در ساحه ارگان های اداره نظامی دولتی و جیبه اتباع این است که در سن جلب و احضار و یاد دوره احتیاط به کمیساری های نظامی جهت انجام تکلیفیت عسکری حاضر شوند.





## فصل سوم

### منابع حقوق اداری جمهوری دموکراتیک افغانستان

#### ۱ - مفهوم منابع حقوق اداری :

بخصوص برای کارمندان ارگانه‌های اجرایی‌وی اداره دولتی، درک، معرفت و شناخت منابع حقوق اداری یک امر ناگزیر پنداشته میشود. دسترسی به احکام قوانین جاریه، مشتمل از نورمهای حقوق اداری در واقعیت از یکطرف باعث جلوگیری نقض قوانین اداری میگردد و از سوی دیگر سطح آگاهی حقوقی و اجراات مسوولانه کارمندان ارگانه‌های اداره دولتی را ارتقاء می بخشد.

بی خبری از منابع حقوق اداری در حقیقت، عدم آشنائی کارمندان اداره دولتی را به انجام آگاهانه وظایف اداری‌شان بیان میدارد. از همین لحاظ همه کارمندان ارگانه‌های اداره دولتی بمنظور تحکیم قانونیت اداره دولتی و اثبات اهلیت اداری خویش قبل از همه باید به منابع حقوق

اداری معرفت حاصل نمایند تا رهبری امور ارگانهای اداره دولتی را به احکام قوانین انجام و موثریت مسؤلیت و ابتکارات خویشرا مطابق به روحیه منابع، حقوق اداری رسالت‌مذانه انعکاس و تدارک دهند. این بسک اصل آزمون شده علمی است که وظایف، حقوق، وجایب، مسؤلیت‌ها و صلاحیت‌های کارمندان اداره دولتی در منابع حقوق اداری، درج می‌یابد. بهمین منظور کادرهای ارگانهای اداره دولتی قبل از اینکه به اجراءات اداری پردازند لازم است که با قوانین و اسناد تقنینی مربوط به حقوق اداری ج. د. ا. معرفت حاصل نمایند.

بعد از پیروزی انقلاب شورومهای جدید، حقوق اداری جایگزین نورمهای کهن حقوق اداری شده است، و لهذا کارمندان جوان اداره دولتی مکلفیت دارند تا منابع حقوق اداری ج. د. ا. را عملاً درک و اجراءات وظیفوی خویشرا مطابق به رعایت نورمهای حقوق اداری انجام دهند، منابع حقوق اداری نقش ارزنده در ایجاد اداره سالم دولتی دارد، اگر منابع حقوق اداری همه قضایای مربوط به اداره دولتی را شکل بندی عینی و تنظیم حقوقی ببخشد بهمان پیمان که اداره سالم ایجاد می‌گردد. البته باید منابع حقوق اداری بازتاب واقعیت‌های عینی اداره دولتی و در بر گهرنده حل تمام پرابلم‌های اداره دولتی ج. د. ا. باشد.

بدین اساس حقوق اداری قبل از همه با فعالیت‌های ارگانهای اداره دولتی (شخصیت‌های حقوق اداری) ارتباط دارد بهمین منظور باید گفت که حقوق اداری مانند سایر رشته‌های حقوق داخلی از خود منابع (موخذ) داشته که اینک مفهوم منابع حقوق اداری ج. د. ا. را بصورت فشرده بیان می‌داریم.

مفهوم منابع حقوق اداری :- عبارت از طریقه ایجاد نورمهای حقوق اداری است که نورمهای آن به اشکال مختلف در نتیجه بیان آشکار اراده دولتی ایجاد میگردد، روی همین اصل گفته می‌توانیم که منابع حقوق اداری ج.د.ا. عبارت از اشکال قوانین، مقررات و سایر اسناد تقنینی میباشد که در آن اراده دولت ج.د.ا. بمنظور تنظیم امور ارگانهای اداره دولتی انعکاس مییابد. باید خاطر نشان ساخت که در منابع حقوق اداری میتوان خصلت طبقاتی حقوق اداری را درک نمود که در آخرین تحلیل منابع حقوق اداری را زیر بنای اقتصادی جامعه مانند سایر پدیده های رو بنایی تعیین میکند و منابع حقوق اداری در حقیقت انعکاس دهند ماهیت و خصلت طبقاتی اداره دولتی را مشخص میسازد. تنها بر اساس آموزش و عملکرد تیوری متری می‌توانیم ماهیت طبقاتی منابع حقوق اداری را درک، ماهیت، تکامل و جایگزینی یک نورم حقوق اداری را به نورم دیگر حقوق اداری تشخیص نمائیم.

خلاصه اینکه حقوق اداری صرف حیثیت نورمهای اداری را بمنظور فعالیت ارگانهای اداره دولتی در بر نداشته، زیرا منابع آن همیشه دارای خصلت طبقاتی بوده و مجموع منابع حقوق اداری باعث آن میگردد تا حقوق اداری بطور نورمهای منسجم و باهم مرتبط خصلت طبقاتی ارگانهای اداره دولتی را تنظیم و تحقق بخشد.

اگر خواسته باشیم حقوق اداری ج.د.ا. را با حقوق اداری قبل از انقلاب مقایسه نمائیم باید قبل از همه به منابع حقوق اداری مراجعه نمائیم، به ملاحظه میرسد که منابع حقوق اداری قبل از انقلاب نور مستقیماً انعکاس دهنده منافع طبقات ستمگر و تحکیم حفظ سلطه شان در ارگانهای اداره

دولتی بود ، مگر بعد از پیروزی انقلاب ثور منابع حقوق اداری ج. د. ا. انکاس دهنده اداره زحمتکشان ، جانب و رهبری شان در امر اداره دولتی میباشد. از همین لحاظ است که درک مفهوم منابع حقوق اداری نه تنها اهمیت مجرد حقوقی داشته ، بلکه از خصوصیت سیاسی میرم آیر برخوردار میباشد. بهمین منظور در سوال دوم همین فصل به تحلیل جداگانه هر یک از منابع حقوق اداری ج. د. ا. بطور مختصر می پردازیم تا ماهیت انقلابی ، ملی و دموکراتیک منابع حقوق اداری ج. د. ا. واضح گردد .

بسیار دیگر قابل تأکید است تا همه کارمندان اداره دولتی بمنظور تحکیم قانونیت انقلابی همه منابع حقوق اداری ج. د. ا. را بصورت دقیق مطالعه و محک اعمال اداری خود سازند تا در انجام وظایف محوله خویش خصلت طبقاتی نورمهای حقوق اداری ج. د. ا. را انکاس دهند . منابع حقوق اداری از نگاه مفهیم مادی عبارت است از مجموعه فکت هائیکه ماهیت قوانین ، فرامین ، مقررات ، لوایح ، احکام و سایر اسناد تقنینی را بیان میدارد . ولی از نگاه پرابلم های عینی حقوق اداری ؛ دولت به ذات خود به منابع اساسی حقوق اداری ناامیده میشود که به وسیله ارگانهای اداره دولتی اراده دولت بالوسیله اسناد تقنینی فوق الذکر ، بیان می گردد.

مفهوم منابع حقوق اداری از نگاه مفهوم حقوقی عبارت از اشکال بیان اراده دولت در نورمهای جاریه حقوق اداری که در نتیجه تنظیم فعالیت ارگانهای قدرت و اداره دولتی مشخص میگردد . مفهوم منابع حقوق اداری از نکته نظر ارگانهای قدرت و اداره دولتی عبارت از اکت های نورماتیوی ارگانهای قدرت دولتی و همچنان

اكت هسای نور ما تیمسی ارگای نهایی. اداره دولتی که محتویات قواعد حقوقی رادر برداشته باشد و تنظیم روابط اجتماعی رادر پیرویه فعالیت اجرایی تنظیم ببخشد نامیده میشود. همچنان منابع حقوق اداری عبارت از قواعد و مقررات حقوقی که حاکم بر اعمال و تصمیمات اداری باشد افاده میگردد، یا به عبارتی دیگر منابع حقوق اداری ج. د. ا. عبارت از شکل بیان و طریقه گنجینا نیدن اراده طبقاتی دولت ج. د. ا. در نورهای حقوق اداری میباشد. از همین لحاظ است که منابع عمده حقوق اداری را قواعد نور ماتیفی یعنی اسناد تقنینی قدرت دولتی، ارگانهای اداره دولتی و کارمندان آن تشکیل میدهند.

باید خاطر نشان ساخت که بصورت عموم مناسبات اداری ارگانهای اداره دولتی نیز منبع حقوق اداری بشمار میرود، زیرا موجودیت ارگانهای اداره دولتی مرکزی و محلی به ذات خود منبع حقوق اداری را تشکیل میدهد.

**۲- انواع منابع حقوق اداری ج. د. ا. :**

ازاینکه قبلاً مفهوم علمی، بمریت و اهمیت منابع حقوق اداری را بطور مرجز بیان داشتیم، اینک به توضیح همه جانبه و دقیق انواع منابع حقوق اداری ج. د. ا. متکی به اسناد تقنینی جاریه در دسترس داشته می پردازیم. بیجان خواهند بود که به منظور بررسی همه جانبه علمی انواع منابع حقوق اداری ج. د. ا. نخست پیرامون ماهیت اکت های اداره دولتی، اکت های نور ماتیفی و انفرادی اداره دولتی، اکت های ارگانهای مشخص اداره دولتی، اکت های مشترک و غیره به بحث می پردازیم تا بتوانیم تقسیم بندی انواع منابع حقوق اداری ج. د. ا. بشکل بهتر و واضح و نقش هر یک از منابع حقوق اداری را مشخص سازیم.

قابل یاد آور است که در آثار حقوقی اکت ها به معنی قواعد حقوقی افاده میگردند از همین لحاظ به منظور استعمال اصطلاح متناسب که مفهوم را به شکل عالی آن انعکاس دهد و قابل درک باشد به عوض اصطلاح قواعد، اصطلاح اکت های حقوقی استعمال میگردند، زیرا در مباحث حقوقی بیشتر معمول است .

طوریکه از پراکنده اداره دولتی هر یک است که در فعالیت ارگانهای اداره دولتی صدور اکت های حقوقی مقام ارزشمندی را داراست اکت های حقوقی اداره در واقعیت امر نوعی فیصله ارگان اداره دولتی میباشد بدین معنی که ارگانهای اداره دولتی ریاسه و این آنها به اساس قوانین از طریق صدور اکت های حقوقی این یا آن پر اہم را مطابق به صلاحیت خویش فیصله مینمایند، فیصله مذکور در واقعیت طریقہ تحقق اہداف و وظایف فعالیت اجرایی شان بشمار میرود.

روی همین منظور است که در آخرین تحلیل اکت های حقوقی اداره بیانگر ارادہ شخصیت های اداره دولتی، میباشد که این از جمله خصوصیات مهم اکت های حقوقی بشمار میرود، زیرا در اکت های حقوقی وجایب حقوقی شخصیت های اداره دولتی متبایز میگردد بطور مثال امر وزیر واجب التعمل برای تمام موسسات مربوط وزارت و همه کارمندان آن، میباشد. ماهیت اکت های حقوقی اداره عبارت از آن است که در آنها قدرت حقوقی ارگانهای اداره دولتی بیان میگردد همچنان اکت های اداره میتواند کتبی و یا شفاهی باشد لکن شکل کتبی آن بیشتر مروج است ولی اکت های شفاهی هم مانند اکت های کتبی حتمی و لازم الاجراء میباشد. در صورتیکه موثریت شکل کتبی اداره را در نظر بگیریم میتوان

گفت که آنها عبارت از اسناد حقوقی میباشد که چنین اسناد مختلف النوع بوده و در دستگاه اداره معمولاً آنها را بنام اسناد اداری مینامند .

به این ارتباط ممکن سوالی طرح گردد که آیا اسناد اداری را میتوان اکت های حقوقی نامید؟ و اگر آنها را میتوان بخیث اکت های حقوقی شمرد پس فرق آن با سایر انواع اسناد اداری در چیست؟ اسناد اداری همیشه بیافنگر این و یا آن حالت که اهمیت حقوقی دارد میباشد مثلاً "استعلام"، تصدیق هویت نامه، اطلاعیه و غیره اسنادی هستند که ضرورت بشکل رسمی با وسیله مهر و امضا دارند.

با بدمتذکر گردید که معیار های مساری به اکت های اداری، اداره در نظر گرفته میشود که مطابق به دسته بندی آنها بشمار اسناد اداری محسوب میگردد لذا کن میان آنها تفاوت ها وجود دارد مثلاً "استعلام" را جمع به اینکه شخصس کارمند این و یا آن ارگان میباشد تنها تصدیق رسمی خدمت همان شخص را بیان میدارد و چنین تصدیق فقط به اساس همان امر معینی اکت اداری که مطابق آن شخص موصوف بمقام معین تعیین شده و به حیث کارمند ایفای وظیفه مینماید داده میشود پس بدین معنی که اولین اساس دادن تصدیق را اکت حقوقی (امر تقرر) تشکیل میدهد، و اینکه فرضاً به اساس امر، آمر با صلاحیت یک کارکن اداره دولتی امور موسسات تحت اثر مورد تفتیش و بررسی قرار بگردد، کمیسیون تفتیش تعیین و کمیسیون مذکور اسناد اداری را در زمینه تهیه میدارد که نظریات و نواقص کار، کمبودها را ارائه و اشخاص مسول را معین میسازد که بررسی کمیسیون تفتیش اکت حقوقی بشمار نمیرود. اکت حقوقی در چنین حالات احکام امر همان ارگان در رابطه بان تا بیج تفتیش که صادر میگردد نایده میشود.

خلاصه اکت های حقوقی اداره عبارت از نوعی تحقق اهداف ،  
حل قضایای معین و وظایف فعالیت اجرایی ارگان های اداره دولتی  
میباشد .

قابل یاد آور است که خصوصیت عمومی اکت های حقوقی اداره  
مختلف النوع میباشد و به اساس موثریت حقوقی اکت های نور ماتیفی  
تقسیم بندی میگردند مثلاً به اساس عمل خویش در زمان و مکان ، به  
اساس خصوصیت صلاحیت ارگانهای صادر کننده و غیره از همین لحاظ  
محک اساسی تقسیم بندی اکت های اداره بدو نوع اساسی در ذات خود  
میباشد که عبار تند از :

اکت های نور ماتیفی و اکت های انفرادی

اکت های نور ماتیفی را ارگانهای صلاحیتدار اداره دولتی به منظور  
تنظیم روابط اجتماعی یکسان که خصوصیت اداری داشته باشد صادر مینمایند ،  
اکت های نور ماتیفی در بر گیرنده سلوک در رفتاری است که به آدرس  
اشخاص معین صادر نمیگردد ، بلکه برای تنظیم حقوقی رسته خاص  
صادر میشود که در نتیجه اساسات حقوقی را برای ظهور و ابط معین  
حقوقی اداری بار می آورد مثلاً قانون پاسپورت که از جمله اکت های  
نور ماتیفی محسوب میگردد ، روابط حقوقی میان اتباع و ارگانهای وزارت  
امور داخله را به منظور صدور پاسپورت تنظیم نموده ، البته اکت های  
نور ماتیفی فقط به اساس قانون صادر میشود که آنها بنام اکت تسحت  
قانون یاد میگرددند .

البته نورمهای حقوق اداری میتوانند در اکت های نور ماتیفی ارگانهای  
قدرت دولتی نیز شامل گردد بخصوص در اکت های تیکه مسوولیت حقوقی



را بار آورند. خصوصیت اکت های نور ماتیفسی با تجویزات اد  
بر گیرنده نورمهای و جیبوی برای اشخاص ، ارگانها ، موسسه  
تصدیهای غیر تحت اثر میباشد مثلاً جرگه (شورا) محلی نمایندگان  
اکت های نور ماتیفسی تنظیم کننده سلوک اتباع قلمرو محل و همچنان بر  
مرمسات و تصدیهای که تحت اثر آن نباشد میتواند صادر نماید. البته  
به ارتباط پرابلم های مشخص و معین مثلاً بخاطر حفاظت جنگلات ،  
مذایع طبیعی ، صفائی و پاکسی و تنظیفات قراء و غیره البته ارگانهای مشخص  
اداره دولتی نیز میتوانند اکت های نور ماتیفسی با تجویزات اداری صادر  
نمایند .

باید اکت های نور ماتیفسی اداره را از نکته نظر اینکه برای تمام  
سیستم اداره دولتی و یا برای یک ارگان مرعی الاجراء است ، از همدیگر  
تفکیک نمود (مثلاً اکت نور ماتیفسی شورای وزیران برای تمام سیستم اداره  
مرعی الاجراء است در حالیکه اکت نور ماتیفسی وزارت ها و یا کمیته اجرائیوی  
جرگه نمایندگان مردم در یک سطح محدود قابل تطبیق است.)

اکت های انفرادی اداری از جمله اشکال مروج اکت های حقوقی  
اداره بشمار میرود که مسوولین ارگانهای اداره دولتی آنرا صادر  
مینمایند. اکت های انفرادی عبارت از قواعد امر و نهی میباشد که در  
آنها همیشه دستور العمل مشخص درج و به اشخاص معین ارتباط میگردد  
مثلاً امر راجع به تقرر شخص به مقام معین که این نوع اکت به اساس  
قبولی نورمهای حقوقی صورت میگردد. همچنان اکت های انفرادی عبارت  
از طریق اساسی فاصله های عاجل جهت حل پرابلم های مشخص که در  
پروسه اجرائیوی فعالیت ارگانهای اداره دولتی ظهور مینماید، میباشد که

ت حقوقی صدور اکت‌های انفرادی را اکت‌های نور ماتیفی  
بدهد. اگر اکت انفرادی مطابق به محتویات شکل  
مده اکت‌های نور ماتیفی نباشد آن اکت نسمینو اند واقعی  
نه شود. اکت‌های انفرادی در واقعیت امر عبارت از پذیرفتن نور  
ی حقوقی اداری میباشد.

هر یک از ارگان‌های اداره دولتی میتوانند اکت‌های نور ماتیفی و اکت‌های  
انفرادی بدهند مثلاً تصاویر شورای وزیران عبارت از اکت نور ماتیفی  
میباشد، زیرا شورای وزیران ارگان جمعی اداره دولتی بوده و از همین لحاظ  
تصاویر آن بحیث اکت‌های نور ماتیفی به نام همین ارگان صادر میگردد.  
در حالیکه امر ونهی را هم رئیس شورای وزیران وهم معاونین آن داده  
می‌تواند که بحیث اکت انفرادی بشمار میرود. در قانون شورای وزیران  
ج. د. ا. بطور همه جانبه صلاحیت دستجمعی و انفرادی شورای وزیران  
مشخص گردیده است. همچنان صلاحیت‌های وزارت‌ها و کمیته‌های  
دولتی ج. د. ا. در صدور اکت‌های نور ماتیفی و انفرادی بالوسیله اصول  
عمده تشکیل وظایف وزارت‌ها و مقرره‌های کمیته‌های دولتی مشخص  
گردیده است. باید گفت که تمام اکت‌های نور ماتیفی و انفرادی  
وزارت‌ها، کمیته‌های دولتی و ادارات عمومی صرفاً حتمی الاجرا در  
چوکات سیستم اداری همان وزارت‌خانه، کمیته دولتی و ادارات  
عمومی میباشد.

خصوصیت اکت‌های کمیته دولتی درین امر نهفته است که چون  
این ارگانهای اداره دولتی وظایف بین‌الرشتوی را اداره مینمایند اکت  
های آنها حتمی الاجرا بتمام سیستم رشتوی ادارات دولتی ارتباط میگیرد.

قابل پاددهانی است که اکت های وزارت خانه ها و کمیته های  
قسم احکام و دستور العمل صادر میگردند احکام و دستور العمل شان  
نور ماتیقی میدا هته باشد. مثلاً احکام راجع به تأیید یا تصویب سیستم ر  
محرك نیروی مادی و یا بطور انفرادی احکام راجع به وظیفه مشخص  
که در دستور العمل اشارات به پرآبلم ها و قضاای روتین میگردد :  
او امر و دستور العمل را آمرین ادارات ، روسا و سایر کارمندان عالی  
رتبه که در راس ارگان های اداره دولتی قرار دارند صادر میکنند.

کمیته های اجرائیوی جرگه های نمایندگان مردم در حدود صلاحیت  
های خودیشن فیصله نامه ها که به حیث اکت های فورماتیفی محسوب  
میگردند صادر مینمایند و هم اکت های انفرادی به شکل امر و نهی از طرف  
روسا ، آمرین شعبات و ادارات کمیته های اجرائیوی جرگه نمایندگان  
مردم ، داده میشود .

طوریکه از پرائیکت اداره دولتی ج . د . ا . به وضاحت به مشاهده  
می رسد که در بسیاری از موارد مهم و در بعضی اوقات به خاطر حل پرآبلم  
های سازمانی اداره دولتی و سایر قضا یا اکت های دسته جمعی صادر می  
گردد که عا مترین آنها بطور فشرده قرار ذیل اند :

-- مصوبه مشترك کمیته مرکزی ح . د . خ . ا . یا بیروی سیاسی آن  
با شورای وزیران ج . د . ا . و یا مصوبه مشترك کمیته های ولایتی حزبی  
و کمیته های اجرائیوی جرگه نمایندگان مردم از جمله اکت های مشترك  
و دسته جمعی بشمار میرود .

خصوصیت این اکت هانه تنها در اهمیت حقوقی آنست بلکه بحیث فیصله  
عالی حزبی بر کلیه ارگان های حزبی و ارگانهای اداره دولتی مرعی الاجرا

بدین اساس صد و چهلین اکت های دسته جمعی در  
بارز رهبری حزبی بر اداره دولتی میباشد البته اکت های مشترک  
جمعی حزبی - دولتی جهات اساسی امور ارگانهای دولتی ،  
سات و تصدیها را مشخص و معین میسازد .

۱- نوع دیگر اکت های دسته جمعی و مشترک عبارت از اکت مشترک  
شورای وزیران و اتحادیه های صنفی ج . د . ا . میباشد ، همچنان وزارت  
خانه ها ، کمیته های دولتی ، کمیته های اجرائیوی چر که نمایندگان مردم هر یک  
بصورت جداگانه یا اتحادیه های صنفی اکت های مشترک صادر می نمایند البته نه  
تفاهات اتحادیه های صنفی بلکه سازمانهای اجتماعی که شامل جبهه ملی پدر وطن  
میباشند با ارگانهای اداره دولتی فوق الذکر نیز میتوانند اکت های  
دسته جمعی و مشترک بدهند .

وزارت خانه ها میان یکدیگر نیز میتوانند اکت های مشترک صادر نمایند .  
در واقعیت امر چنین ضرورت زمانی ظهور مینماید که ناگسبیری  
فصله واحد پیرامون قضیه و یا قضایایی که خصوصیت بین الرشتوی داشته  
باشد به میان می آید که درین نوع اکت ها اراده آشکار دو یا چند شخصیت  
اداره دولتی بیان میگردد ، که تحقق آن برای همه شرکت کننده گان همان  
سیستم رشتوی حتمی و لازم پنداشته میشود .

قابل یاد آور است که فعلاً اکثریت پراپلم هادر موسسات ، تصدیها به اساس  
فصله های مشترک روسای موسسات و تصدیها با کمیته های اتحادیه های  
صنفی حل و فصل میگردد .

باید علاوه نمود که اکت های اداری معمولاً به اساس توافق قبلی میان  
ارگانهای دولتی ، سازمان های اجتماعی و اتحادیه های صنفی قبل از اینکه

اكت اداره صادر گردد صورت ميگيرد. اهميت حقوقى چنين توافق درين است كه براى فيصله قضيه مشخص منافع طرفين در نظر گرفته شود تا به توافق اکت اداری صادر گردد .

با در نظر داشت مطالب فوق گفته مي توانيم كه اکت های اداره دولتی بايد بطور دقيق ، مطابق به قانون و به اساس اکت های ارگانهای عالی اداره دولتی استوار باشد و اکت اداره دولتی مستزماً صلاحیت بوده و اهداف آن مشخص و منافع قانونی اتباع سازمان های اجتماعى و عملکرد ادارات مادي را نقض نكند .

در صورتيكه مطالب فوق الذكر در صدور اکت های اداری رهايت نشود چنين اکت ها فاقد قوه حقوقى بوده و غير واقعى محسوب ميگردد . كه اين نوع اکت ها را ميتوان به دو دسته تصنيف كرد :

اكت های فاقد قوه حقوقى و اکت های مذاقشوى .

اكت های فاقد قوه حقوقى را معمولاً در ادارات دولتی بنام اکت های میان تهی مى نامند . طور يكه از اصطلاح آن بر مى آيد چنين اکت ها نتايج حقوقى را بار نمى آورد ، زيرا به اساس نقض آشكار قوانين و مقررات صورت ميگيرد . به صورت عموم در اکت های فاقد قوه حقوقى اراده اشخاص دخيل مي باشد نه قانون وساير اکت های ارگانهای عالی اداره دولتی . اکت های مذاقشوى اداره به اکت ها يي اطلاق ميگردد كه فاقد صراحت باشد و از همين لحاظ چنين اکت ها يي ميتوانند نتايج حقوقى را بار آورند و يا نياورند و بر اى اثبات غير واقعى بودن چنين اکت ها روشن ساختن فاكت ها و واقعيت ها لازم بوده و از همين لحاظ گفته مي توانيم كه اکت های مذاقشوى تيز غير واقعى پنداشته ميشوند .

البته باید گفت که فاقد حقوقی بودن اکت ها به طور رسمی صورت  
میگیرد مثلاً ارگان اداره دولتی که شکایت یک تبعه را بررسی مینماید و  
حقانیت آنرا ثابت میسازد پس همان ارگان صلاحیت دارد فیصله راجع  
به تعویض اکت که بالای آن صورت گرفته بحیث غیر واقعی صادر نماید  
مثلاً هیئت رئیسه شورای انقلابی ج . د . ا . می تواند تصاویر و دستور العمل  
شورای وزیران ج . د . ا . را که مطابقت به قانون و مقررات نداشته باشد  
غیر واقعی اعلام بدارد و به همین ترتیب شورای وزیران صلاحیت دارد که  
اکت های وزارت ها، کمیته های دولتی و سایر ارگانها و ادارات تحت  
اثر و یا اکت های کمیته های اجرائیوی جرگه های نمایندگان مردم را که  
مغایر احکام قانون باشد غیر واقعی بشمارد .

خلاصه تغییر در سیاست تعویض اکت اداره از صلاحیت ارگانهای  
عالی اداره دولتی میباشد .

همچنان وزارتخانه ها ، کمیته های دولتی و ادارات دولتی از  
چنین صلاحیتی بالای موسسه و تصدیهای مربوط خود برخوردار اند .  
از مطالعات فوقانی میتوان به این نتیجه رسید که اکت های ارگانهای  
قدرت دولتی و ارگانهای اداره دولتی که ماهیتاً نورمهای حقوقی را  
در بر میداشته باشند و خصوصیت نورماتیفی را دارا هستند بحیث منابع  
حقوق اداری ج . د . ا . نامیده میشود .

بطور مختصر به مطالعه انواع دیگر منابع حقوق اداری می پردازیم :  
چون اشکال اکت های نورماتیفی را بطور همه جانبه مورد مطالعه قرار  
دادیم در آنصورت است که به منابع حقوق اداری ج . د . ا . معرفت  
علمی حاصل نمودیم اینک انواع منابع حقوق اداری را به ترتیب آتی  
ارزیابی مینمایم .

اصول اساسی ج. د. ا. بحیث قانون اساسی موقت منبع یا موخذ  
اساسی حقوق اداری ج. د. ا. را تشکیل میدهد زیرا بسیاری از مواد اصول  
اساسی به طور مستقیم نورمهای حقوق اداری را در برداشته صلاحیتها،  
طرز فعالیت، تشکیلات و وظایف ارگانهای اداره دولتی را مشخص  
ساخته است در آینده به عوض اصول اساسی، قانون اساسی ج. د. ا.  
منبع اصلی حقوق اداری ج. د. ا. محسوب خواهد گردید، زیرا اسد عمده  
حقوقی که بر وفق منافع و اراده زحمتکشانشان جهت انعکاس و تحکیم  
پایه های اساسی اداره دولتی نافذ میگردد.

اصول اساسی ج. د. ا. فعلاً یگانه سند قانونگذاری است که در آن  
اصول سازماندهی و فعالیت ارگانهای دولتی و به صورت مشخص موقوف  
حقوقی فعالیت ارگانهای اداره مرکزی و محلی تسجیل یافته است.  
بدین ترتیب تمام نورمهای اصول اساسی حاوی خصوصیات حقوقی میباشد که  
محتوی آنها تأثیر مستقیم به رهبری ارگانهای اداره دولتی دارد و از همین  
لحاظ بحیث منبع اساسی حقوق اداری ج. د. ا. بشمار میرود. اصول اساسی  
ج. د. ا. یک سلسله احکام اصولی را که جو ابگوی ایجاد اداره سالم دولتی  
بوده احتوا مینماید.

سایر قوانین جاریه که در آن احکام نورمهای حقوق اداری منعکس گردیده  
نیز از جمله منابع حقوق اداری ج. د. ا. محسوب میگردد مثلاً قانون  
ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی، قانون شورای وزیران ج. د. ا.،  
قانون اصول عمده تشکیل و وظایف وزارت های ج. د. ا.، قانون امورین  
دولت، قانون مکلفیت عمومی عسکری، قانون واحد کار که عنقریب  
نافذ میگردد و غیره.

قابل یاد آور است که تصاویر شورای انقلابی، فرامین و تصاویر هیئت رئیسه آن در ارتباط پرابلم های سازمانی و فعالیت دستگاه اداره دولتی، مقررهای وزارت خانه ها، مصوبه های شورای وزیران و کمیته اجراییوی آن، مصوبه مشترک بیروی سیاسی و شورای وزیران، فیصله های کمیته های اجراییوی نماینده گان مردم، فیصله های کمیسیون های شورای وزیران و غیره بحیث منابع حقوق اداری ج. د. ا. شناخته میشود.

با در نظر داشت اساسات علمی میتوان اظهار کرد که تعاملات حقوقی در اداره دولتی شکل قانونی داشته و تعاملات اداره دولتی در بعضی اوقات در مقررات اداره دولتی مد نظر گرفته میشود و از همین لحاظ تعاملات اداری را نیز بحیث منبع فرعی حقوق اداری بر شمرد.

قابل یاد آور است که اکت های ارگانهای رهبری کننده ح. د. خ. ا. بمنظور تنظیم روابط در ساحه اداره دولتی فوق العاده خایز اهمیت است زیرا ح. د. خ. ا. سازمان سیاسی رهبری کننده و سوق دهنده جامعه و دولت بشمار میرود و اداره دولتی را از طریق ارگانهای دولت رهبری مینماید در نورمهای حقوقی اداری تنظیم روابط در پروسه اداره دولتی سیاست ح. د. خ. ا. فیصله ها و رهنمود های آن انعکاس داده میشود.

از همین لحاظ برای اداره دولتی اکت های ارگانهای رهبری کننده ح. د. خ. ا. خصوصیت رهنمودی داشته، بخصوص فیصله ها، تصاویر پلینوم های کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. به مشابه منبع سیاسی ایدیاورژیکی برای اکت های اداره دولتی خایز اهمیت خاص میباشد. ولی قابل یاد آور است که مصوبات مشترک کمیته مرکزی و سایر بیروی سیاسی آن با شورای وزیران ج. د. ا. که جهات واحد رهبری سیاسی- اقتصادی و



اجتماعی را در پروسه اداره دولتی مشخص سازد در واقعیت امر بحیث  
 اکت حقوقی و از جمله منابع حقوق اداری شمرده میشود .  
 در نتیجه میتوان گفت که قوانین بحیث عمده ترین منبع حقوق اداری  
 بشمار میرود البته اصول عمومی حقوق یکی از منابع مهم و در عین  
 حال فرعی قواعد حقوقی که رعایت آن برای مقامات اداری لازم است  
 بشمار میرود که در آن یک عمده اصول تسجیل گردیده که در متن قوانین به آنها  
 اشاره نشده ولی با وجود این جز قواعد مسلم حقوق محسوب میشود باید دانست که  
 بین منابع مختلف اداری یک سلسله مراتب وجود دارد که ناشی از سلسله مراتب  
 موجود بین مقامات مختلف اداره دولتی است. تصمیمات و مقرره های اداری نباید  
 ناقض قوانین عادی و اینهم به نوبه خود نباید مخالف اصول اساسی  
 باشد، بدین معنی که یک منبع حقوق اداری نباید مغایر منبع دیگر آن باشد .  
**۳- ضرورت تصنیف بندی، سیستماتیک ساختن و کودیفیکشن حقوق**  
**اداری ج. د. ا. :**

حقوق اداری ج. د. ا. مجموعه نورمهای است که یک نوع خاص  
 روابط اجتماعی مربوط به ارگانهای اداره دولتی مرکزی و محلی را  
 به طریقه های مخصوص قواعد حقوقی تنظیم می نمایند و عمل حقوقی را  
 در ساحات مختلفه اداره دولتی وارد میسازد .  
 تصنیف بندی، سیستماتیک ساختن و یا کودیفیکشن اسناد تقنینی مربوط حقوق  
 اداری از جمله پر اہم مہرم بہ منظور نظم و انسجام قوانین متعدد، بشمار میرود. البته  
 تصنیف بندی، سیستماتیک ساختن و یا کودیفیکشن اسناد تقنینی در بخش حقوق  
 اداری کار سهل و ساده نیست باید به شیوہ های علمی و مینود های دقیق  
 صورت گیرد کہ مناسبانہ تا هنوز قوانین مربوط بحقوق اداری ج. د. ا.  
 خیلی پراکنده بوده از نظم، ترتیب و ردیف بندی کہ در ساحہ پراتیک

فوق العاده حایز اهمیت است بر خوردار نمی باشد . امید آن می رود که ارگانهای موظف در زمینه جمع بندی قوانین جاریه مربوط به ارگانهای اداره دولتی با مطابق به محتویات و موضوعات و رشته های مختلف اجتماعی- اقتصادی و یا از نکته نظر تاریخ انفاذ جمع آوری نمایند تا از یکطرف کارمندان اداره دولتی آنرا بهیث سند سرمشق فعالیت اداری خویش مورد استفاده قرار دهند و از طرف دیگر بخاطر رفع عاجل و حل پرابل همایکجه ناشی از اداره ظهور می نمایند به اسرع وقت و به وسیله آن سر فو ع گردد. فعلا به مشاهده می رسد که همه قوانین، فرامین، مقررات و سایر اسناد تقنینی بطور پراکنده در جریده رسمی وزارت عدلیه نشر میگردد که این عمل نافذ بودن آنها را بیان میدارد نه تصنیف بندی و سیستماتیک ساختن قوانین اداری ج. د. ا. را.

قابل یاد آور است که سیستماتیک ساختن حقوق اداری بصورت عموم در نتیجه سیستماتیک ساختن تمام احکام نورماتیفی مربوط به ارگانهای اداره دولتی صورت میگیرد .

مسئله سیستماتیک ساختن و کودینکشن حقوق اداری ج. د. ا. فوق العاده حایز اهمیت بوده ، ولی تصنیف بندی حقوق اداری خیلی دشوار میباشد ، زیرا موضوعات تنظیم حقوق اداری مختلف النوع است و حقوق اداری به ذات محدود در حال متحرک و سیار قرار دارد . از جمله اشکال سیستماتیک ساختن نورمهای حقوق اداری یکی هم انفاذ مقررات ، اصلا نامه ها و لوایح محسوب میگردد ، زیرا در آنها احکام نورماتیفی بشکل نورمهای تکمیل شده در آمده که نه تنها صلاحیت ارگانها مطابق به آن مشخص میگردد ، بلکه

تشکیلات داخلی، طرز روابط متقابل با اتباع و سایر شخصیت های روابط  
اداری بیان میگردد.

البته دو طریقه عمده برای سیستماتیک ساختن و تصنیف حقوق اداری  
مانند سایر رشته های حقوق وجود دارد که عبارتند از: ایندکس پریشن و  
کودیفیکشن.

ایندکس پریشن عبارت از گفجانیدن و ترتیب دادن احکام نورماتیوی  
اداری در یک کتاب منتخب میباشد، یعنی احکام نورماتیوی نظریه موضوع  
و یا تاریخ انفاذ تنظیم میگردد. مثلاً تمام قوانین و احکام نورماتیوی راجع  
به ارگانهای اداره دولتی مرکزی و محلی در یک کتاب منتخب جمع بندی  
میگردد که بنام مجموعه قوانین ارگانهای اداری دولتی مسمی میگردد. و همچنین  
اگر قوانین، فرامین و تمام احکام نورماتیوی مربوط به حقوق اداری از چندین  
سال در یک کتاب منتخب جمع بندی و تصنیف گردد نیز ایندکس پریشن حقوق  
اداری نامیده میشود مثلاً قوانین دولت ج. د. ۰۱. مربوط  
به حقوق اداری از سال ۱۳۵۷ الی ۱۳۶۵.

کودیفیکشن عبارت از ترتیب و تنظیم احکام نورماتیوی حقوق اداری  
در یک کودیکس میباشد یعنی مجموعه تمام احکام نورماتیوی مربوط به  
حقوق اداری که در یک کودیکس ترتیب داده شود کودیفیکشن نامیده  
میشود.

مشکل ترین شکل سیستماتیک ساختن نورمهای حقوق اداری عبارت  
از کودیفیکشن میباشد.

کودیفیکشن نورمهای حقوق اداری با تفاوت از ایندکس پریشن بدین  
معنی است که نه تنها تدارک خارجی مواد نورماتیوی و وضعیت آن در نظم

معین مدنظر گرفته میشود، بلکه تجدید مطالعه نورمهای حقوق اداری ،  
بسرطرف ساختن تضادهای میان آنها و ایجاد نورمهای حقوقی نوین که جوابگوی  
اهداف دولت و نیازمندی ارگانهای اداره دولتی را مرق فروع سازد ،  
در بر میگردد .

قابل یاد دهانی است که نورمهای حقوق اداری به نسبت حجم زیاد و  
متنوع بودن آن امور کود ینکشن این نورمها را مشکل ساخته است .  
طوریکه مفهوم تصنیف بندی و سیستماتیک ساختن حقوق اداری را  
درک نمودیم ، ارگانهای موظف قدرت و توانمندی جمع بندی قوانین مربوط به  
اداره دولتی را دارا میباشد . سیستماتیک ساختن قوانین اداری کار تسخیری  
محسوب گردیده از همین لحاظ نیازمندی شدید به تصنیف قوانین مربوط  
به حقوق اداری محسوس میباشد ، زیرا کار مذمان جوان اداره دولتی بسایند  
آشنائی و معرفت کامل با قوانین جاریه اداری حاصل نمایند در صورتیکه در  
یک کتاب همه قوانین اداری جمع بندی گردد به سادگی میتوان به هر یک از  
قوانین مربوط آشنائی حاصل گردد . در اکثر کشورها کود ینکشن قوانین در  
همه رشته های حقوق صورت گرفته ، ولی در رشته های حقوق اداری یک  
اندازه نسبت به سایر رشته های حقوق دشوار میباشد ، زیرا احکام  
نورماتیفی درین رشته فوق العاده زیاد بوده مگر در کشور ما تا هنوز احکام  
نورماتیفی مربوط به حقوق اداری به همان پیمانانه نرسیده بهتر و سودمند  
پنداشته میشود تا از آغاز به تصنیف قوانین اداری کشور پرداخت تادر آینده  
دچار مشکلات زیاد نگردد .

از همین لحاظ در مصوبه شورای انقلابی ج . د . مورخ (۱۳) سنبله ۱۳۶۳  
در باره تدابیر جهت تکمیل و بهبود امور تقنین و تحکیم قانونیت انقلابی بصورت

عموم در مورد ضرورت و مبرمیت ردیف بندی و سیستم بندی قوانین و تصنیف قوانین تا کیدات جدی بعمل آمده که باید در زمینه هر چه زودتر ارگانهای موظف اقدامات لازم بعمل آورند.

بعد از پیروزی انقلاب ثور بخصوص پس از مر حله تکاملی آن حزب و دولت مشی پیگیر راجهت بهبود و تکمیل امور قانونگذاری در کشور تعقیب مینماید که درین زمینه اقدامات مهم در عرصه هما هنگه ساختن و تطابق قوانین جاری با اصول اساسی ج. د. ا. صورت گرفته است که به ابتکار ارگانهای دولتی قوانین جدید دارای اهمیت سترگ سیاسی، اجتماعی و دولتی طرح و تصویب گردیده است قوانین دموکراتیک عملاً همه عرصه های اداری دولتی را تنظیم نموده و شرایط لازم را برای تحکیم اساسات حقوق اداری به وجود آورده است. و لسی با آنها در امر بهبود و تکامل قانونگذاری در ساحت حقوق اداری ج. د. ا. کمبودها و نارساییهای زیاد وجود دارد، در بعضی موارد وزارت ها، کمیته های دولتی و ادارات کیفیت لازم اسناد تقنینی طرح شده و توافق قبلی این طرح ها را با ارگانهای دولتی و اجتماعی تأمین نمیکند.

خلاصه ردیف و سیستم بندی قوانین مربوط به حقوق اداری ج. د. ا. صورت نگرفته، زیرا تا هنوز طرح معیارهای واحد تصنیف قوانین مربوط به اداره دولتی بمنظور ثبت و شمار آنها، ترتیب فهرست اسناد تقنینی اداری، نافذ و لغو شده توجه بعمل نیامده است.

## فصل چهارم

مفهوم خدمت ، حقوق ، و جایب ، صلاحیت  
و مسوولیت های کارمندان اداری دولتی ج.د.ا.

۱ - مفهوم و ماهیت خدمت در اداره دولتی :  
ارگانهای اداره دولتی را بحیث شخصیت حقوق اداری به طور همه  
جانبه تشریح نمودیم .

حال به شرح مفهوم و ماهیت خدمت در اداره دولتی می پردازیم قابل  
یاد آور است که در دستگاه اداره دولتی دستجات و گروه های مختلف ،  
کارمندان مشغول خدمت هستند که نه تنها از حیث شغل ، حقوق و جایب ،  
بلکه از نقطه نظر موقف حقوقی در وضع مشابه با یکدیگر قرار ندارند .  
بر اساس روحیه اداری و قوانینی که در حقوق اداری ج . د . ا . از سالیان  
متمادی معمول گردیده است ، کارمندان دولت را به دو دسته رسمی و  
غیر رسمی تقسیم نموده اند .

خدمت دولتی عبارت از نوع فعالیت بخصوص کار مفید اجتماعی میباشد که به نمایندگی از دولت کارمندان دولتی آنرا انجام میدهند .  
یا به عباره دیگر خدمت دولتی عبارت از مجموع اختیارات و وظایف قانونی است که تحت شرایط معینی از طرف دولت بکارمندان تفویض میگردد و آنها مکلف اند آنرا در جهت منافع دولت و در حدود قانون و مقررات و در اجراء نمایند .

خدمت دولتی به مفهوم عمومی آن عبارت است از هر نوع کاری که در ارگانهای دولتی به وسیله کارمندان انجام داده میشود . وجه مشخصه خدمت دولتی اینست که مستقیماً نعمات مادی را تولید نمیکند، زیرا چنین وظیفه را تنها کارگران انجام میدهند و کارمندان آنرا رهبری مینمایند .  
تحت اصطلاح خدمت دولتی انجام هر وظیفه در بین سازمان دولتی افاده نمیشود فقط فعالیت دستگاه اداری ارگان دولتی ، موسسات و تصدیهای دولتی افاده میگردد . زیرا دستگاه اداری را بطه با تحقق صلاحیت و قدرت دولتی دارد . بدین اساس خدمت دولتی فعالیت اداری کارمندان اداره دولتی را که بطور ارگانیک با تحقق وظایف ارگانهای اجرائیوی اداره دولتی ج . د . ا . ارتباط میگیرد در بر خواهد داشت که با خصوصیت مشخصه فوق الذکر متمایز میگردد .

قابل یاد آور است که به اساس خصلت طبقاتی دولت ج . د . ا . ، پرنسپ های خدمت دولتی دموکراتیک به میان آمده است که این پرنسپ ها ماهیت خدمت دولتی را بیان میدارد بدین منظور عمده ترین و مهمترین پرنسپ های خدمت دولتی را قرار ذیل بیان میداریم :

— پرنسپ تساوی حق زحماتکشان در خدمت دولتی ، یعنی بدون در نظر داشت جنس ، نژاد ، ملیت ، قوم ، قبیله ، منشا طبقاتی ، زبان ، مذهب و غیره .

— پرنسپ خدمت دولتی منکسی به انتصابی بودن کارمندان اداره دولتی .

— پرنسپ خدمت دولتی به اساس انتخابی بودن کارمندان اداره دولتی .

— پرنسپ عدم امتیازات در خدمت دولتی .

— پرنسپ کنترول ، گزارش دهمی و مسوولیت در خدمت دولتی .

پرنسپ های مذکره خدمت دولتی به طور ریشوی از خدمت دولتی قبل از انقلاب ثور فرق فاحش دارد و رشد بعدی انکشاف اساسات ده و کراتیک خدمت دولتی سیر تکامل خود را در مبارزه علیه بروکراتیسم ، انحرافات ، تنظیم نمودن امور کارمندان دولتی ، تحکیم انضباط اداری و قانونیت انقلابی می پیماید که در قانون اساسی جدید ج . د . ا . به سطح عالی آن انعکاس خواهد یافت .

## ۲- حقوق و وجایب کارمندان اداره دولتی :

حقوق و وجایب کارمندان اداره دولتی لازم و ملزوم یکدیگر اند و مقام کارمندان دولتی در حقیقت حجم حقوق و وجایب اداری آنها را تعیین مینماید یعنی سطح اشتراك و سهم آنها در فعالیت اجرایی حقوق و وجایب شان را در اداره دولتی مشخص میسازد .

از نگاه پرنسپ عمومی حقوق و وجایب عمومی کارمندان دولتی مانند سایر اتباع بوده که در اصول اساسی ج . د . ا . به طور همه جانبه در ساحات سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و کلتوری انعکاس یافته است ، ولی حقوق اداری بطور اخص حقوق و وجایب کارمندان را در ارتباط



ارگانهای اداره دولتی دقیقاً تنظیم حقوقی بخشیده تا آنان بتوانند با اطمینان خاطر وظایف محوله خویشرا انجام دهند که مهمترین حقوق آنها عبارتند از :

- حقوق معاش ماهانه .
- حقوق معاش خدمتی .
- حقوق ترفیع .
- حقوق انتظار با معاش .
- حقوق انتظار بدون معاش .
- حقوق استفاده از رخصتی های سالانه ، رخصتی های ولادی و مریضی های دوامدار .
- حقوق اجتماعی ( حق تشکیل اتحادیه های صنفی ) .
- حقوق و آزادی های سیاسی .
- حقوق شکایت .
- حقوق نقاعد .
- حقوق معلولیت .
- استحقاق وارثین و بازماندگان .

قابل یادآور است که هر یک از حقوق فوق الذکر قواعد مخصوصی داشته که منشأ همه آنها قانون مامورین و یا قانون واحد کار که عنقریب نافذ میگردد ، میباشد و همچنان حقوق متذکره کارمندان اداره دولتی به موجب قانون قابل تغییر و تعویض میباشد. به هر صورت حقوق کارمندان اداره دولتی را میتوان از دو جهت مورد مطالعه قرار داد: از جهت عمومی و از جهت خصوصی ، یا به عباره دیگر از نگاه مدنی و یا از نگاه خصوصیت خدمت دولتی و مقام اداری . از جمله مهمترین حقوق کارمندان

اداره دولتی ، حقوق اداری میباشد که بخاطر انجام وظایف اداری که بدوش کارمندان قرار دارد از طرف دولت وضع میگردد که مقام اداری آنها تعیین کننده حقوق آنها بشمار میرود.

وجایب اداری هر دسته از کارمندان دولتی بر حسب نوع شغل و مقام آنها از یکدیگر فرق میشوند که به موجب قوانین و مقررات مربوطه معین میگردد. کارمندان از نظر انضباط و همچنین از لحاظ وظایف اداری و زمره که عهده دار آنها است مکلف هستند تا در دفتر اداره خود حاضر باشند مگر آنکه نوع کار عکس آنرا ایجاب نماید یعنی کارمندان حق ندارند بدون اجازه مقامات مافوق محل مأموریت خود را ترک کنند ، رفتار بر خلاف این قاعده بر حسب مورد کاربرد رازگانهای اداره دولتی معنی ، خدمت دولتی را افاده نمیکند ، زیرا خدمت دولتی به مفهوم مجرد آن انجام وظایف اداری و سازمانی را بیان میدارد و خدمت دولتی بطور عینی بر دستگاه اداری ارگانهای اداره دولتی تخصیص داده شده است. کارمندان دستگاه اداره دولتی در حقیقت خدمتگاران جامعه ملی و دموکراتیک افغانستان میباشد و به اساس قوانین جاریه بخاطر منافع مردم عمل مینمایند مقصد از مفهوم علمی خدمت دولتی در حقیقت پیشبرد وظایف اداری توسط کارمندان رهبری کننده اداره دولتی میباشد.

بخاطر روشنی هر چه بیشتر مفهوم خدمت دولتی بطور مختصر تقسیم کارمندان دولتی را به کارمندان رسمی و غیر رسمی در نظر میگیریم :

کارمندان رسمی به علت ارتباط نزدیک به اداره دولتی و نقش آن در اداره دولتی که تابع مقررات اداری هستند ، انجام وظایف محوله

شانرا می‌توان به‌مثابه خدمت دولتی در نظر گرفت ، زیرا کارمندان رسمی به آن دسته از کارمندان عمومی اطلاق می‌شود که بطور ثابت در دستگاه اداره دولتی عهده دار شغل معینی بوده و کلیه امور مربوط به اداره دولتی را انجام می‌دهد ، ولی بر عکس کارمندان غیر رسمی به آن دسته از کارمندان اطلاق می‌شود که در دستگاه دولت بطور ثابت و دایم عهده دار شغل نبوده رابطه حقوقی آنها ناشی از قرار داد و یا احکام خاص باشد .

طوری‌که از دسته بندی کارمندان استنباط می‌شود خدمت دولتی نظر به موقف حقوقی کارمندان مشخص می‌گردد یعنی فقط کار آن کارمندان اداره دولتی را که نقش سازمان دهی و رهبری کننده را بازی نمایند دارای صلاحیت اجرایی و ناقل حقوق و جایب در ساحه عملی گردد اجرایی خود باشد بحیث خدمت دولتی محسوب می‌گردد. البته اکثریت حقوقدانان بورژوازی کارکنان مشاغل را در ارگان‌های دولتی به‌مثابه خدمت دولتی می‌شمارند. قابل یادآور است که متناسب به مفهوم خدمت دولتی کارمندان اداره دولتی رابطه کارمندان اداره کننده اداره دولتی ، پرسونل خدمات تکنیکی فنی متخصصین و گروپ عملیاتی می‌توان اطلاق کرد .

مفهوم کارمندان دولتی از تعریف خدمت دولتی منشأ می‌گیرد و همچنان بر عکس . کارمندان دولتی عبارت از اشخاصی اند که بطور دایم یا موقت بصورت انتخابی یا انتصابی در مقامات دستگاه دولتی انجام وظیفه نمایند و در بدل آن معاش اخذ نمایند که علامه مشخصه آن مقام یا شغل معین بوده که بوسیله آن حقوق و جایب آنها در ساحه اداره دولتی تثبیت می‌گردد و از همین لحاظ انجام وظایف شانرا به‌مثابه

خدمت دولتی می‌نمایم زیرا از سایر کنگوریهایی که رمنندان دولتی فرق می‌گردد .

کار مندان دولت حق ندارند صلاحیت و اختیارات خود را به طور شخصی بدیگران انتقال دهند ، بلکه مکلف هستند تا وظایف خود را شخصاً انجام دهند . کار مندان دولتی حق ندارند که به مشاغل خصوصی که خارج از وظیفه اداری شان باشد در اوقات رسمی مشغول گردند . چنین عمل در اوقات اداری مخالف انضباط اداری است . کار مندان دولتی مکلف هستند مرتباً به انجام وظایف قانونی خویش اشتغال داشته و از انجام هرگونه عملی که موجب تعطیل و اختلال اداره شود خودداری نمایند که این قاعده ناشی از اصل ثبات و مداومت امور اداره است که حکم میکند تا در کار اداری وقفه و تأخیر روی ندهد . همچنان کار مندان اداره دولتی حق ندارند بدون اجازه و یا بدون عذر موجه از خدمت غایب باشند .

کار مندان اداره دولتی حق ندارند تا وقتی که استعفای شان و رد قبول مقامات صلاحیت دار واقع نشده است ، خدمت را ترک نمایند ، در صورت چنین عمل تخلف اداری محسوب می‌گردد .

کار مندان اداره دولتی مکلف هستند در اجرای وظایف خویش همواره قوانین و مقررات دولتی را نصب العین خود قرار داده و از حدود آنها تجاوز ننمایند زیرا رعایت قوانین هدف اصلی ارگانهای اجراییوی اداره دولتی میباشد . عدم رعایت قوانین و مقررات و یا تخلف از آن از طرف کار مندان اداره دولتی شدیداً مسؤلیت اداری را بار می‌آورد .

گاهی ممکن است اصل احترام قوانین و مقررات با اصل اطاعت از او امر مافوق که آنهم از وجایب اساسی کار مندان اداره دولتی است در حال

تنازع قرار گیرد و این اصل یکی از اصول مهم سازمانی است که منطبق آن در مسوولیت رهبری اداره امور نهفته است طوری که از پراتیک اداره دولتی بر می آید گاهی ممکن است او امریکه از طرف مقامات مافوق صادر میشود برخلاف قانون و مقررات باشد، در اینجا است که آیا کارمند مکلف به اطاعت و اجرای آن میباشد و یا از اجرای آن امتناع نماید ؟ با توجه به پاسخ دو قاعده ذیل را باید در نظر داشت :

اولاً احکام و اوامر مقامات مافوق برای کارمندان اداره دولتی در صورتی لازم المرعایه است که مربوط به وظایف اداری باشد به عبارت دیگر کارمند اداره دولتی فقط مکلف به اطاعت از او امریست که مربوط به شغل اداری او باشد و در امور خارج از شغل اداری وی هیچگونه مکلفیت به اطاعت از اوامر مافوق خود ندارد .

ثانیاً در امور مربوط به شغل خود نیز کارمند اداره دولتی وقتی مکلف به اطاعت از او امر مافوق است که او امر مذکور از نظر شکل و ماهیت مطابق به قانون و مقررات باشد یعنی امر اداره دولتی مقام صلاحیت دار بوده و مامور صلاحیت اجرای آنرا داشته و امر مطابق شرایط قانونی صادر شده باشد زیرا در هر اداره دولتی بین کارمندان اداره دولتی سلسله مراتبی وجود دارد و کارمندان فقط مکلف اند نسبت به آمرین مافوق خود اطاعت نمایند بدین معنی که از نظر سازمانی مامور صلاحیت اجرای امر را داشته باشد ولی او امر مافوق یک اداره دولتی برای کارمندان اداره دولتی دیگر لازم المرعایه نیست .

باید در نظر داشت برای جلوگیری از نزل در انضباط اداری کارمندان اداره دولتی مکلف اند در صورتیکه احکام مقامات مافوق ناقض قوانین

و مقررات باشد بعد از آنکه مقامات مربوط مسوولیت آنرا کتباً به عهده بگیرند،  
در زمینه احکام متذکره اجراءات نمایند.

کلیه کارمندان اداره دولتی مکلف به حفظ اسرارى اند که کارمندان  
به اساس وظیفه و مقام خود از آن اطلاع حاصل میکنند زیرا افشای اسرار  
ادارى ممکن موجب اختلال عملیات و یا تصمیمات اداری گردد.

همچنان کارمندان اداره دولتی مکلف هستند که وظایف محوله و بشرا  
با کمال صداقت و پاکى انجام دهند و از هر گونه استفاده مادی نا مشروع  
از وظیفه دولتی احتراز نمایند. کارمندانى که جديلاً به خدمت اداره دولتی  
توظیف میگرددند مکلف اند صورت دارایی و درآمد خود، همسر و فرزندان  
خویش را رسماً به اطلاع مقامات مسوول اداره دولتی رسانیده و بعداً هر  
سال تغییراتی که در دارایی و درآمدشان بوجود آید اداره مربوط را در جریان  
قرار دهند زیرا در صورت افزایش دارائی کارمند از طریق غیر  
مشروع موصوف را تحت بازپرسى قانونی قرار میدهد کار ثمر بخش،  
مبتکران، سازنده و با کیفیت در عرصه توظیف شده و بر خورد محتاطانه با دارایی  
دولت نیز از جمله مکلفیت های کارمندان است. کارمندان اداره دولتی مکلف  
به اجرای وظایف محوله اند در صورت امتناع از انجام وظیفه و یا سهل انگاری،  
غفلت و تأخیر در انجام آن مورد تعقیب جزائى و یا الضباطی قرار  
میگیرند.

و بالاخره ملاحظه عرایض و شکایات اتباع نیز از جمله و جابجای کارمندان  
اداره دولتی بحساب میسرود زیرار و حیه بر و کرا تیزم و بسی تفاوت  
بودن در برابر عرایض و شکایات اتباع تضاد با خصات متر قسى اداره  
دولتی میباشد.

### ۳ - صلاحیت و مسوولیت کارمندان اداری دولتی :

صلاحیت و مسوولیت کارمندان اداره دولتی در واقعیت امر از وظایف آنها منشأ میگیرد. کارمندان اداره دولتی به منظور انجام وظایف محوله منکفی به قوانین جاریه دارای یک سلسله صلاحیت ها بوده که البته متناسب به این صلاحیت دارای مسوولیت نیز میباشند. و در اینحالت هرگاه کارمند از صلاحیت تفویض شده عدول نماید، مسوولیت ناشی از صلاحیت متوجه آنها میگردد. صلاحیت ها مطابق به خصوصیات فعالیت کارمندان ارگانهای اداره دولتی مشخص میگردد صلاحیت عبارت از مجموع اختیاراتی است که بموجب قانون و یا بذایر تقاضای حجم کار برای انجام اعمال معینی به کارمندان اداره دولتی داده میشود. صلاحیت در حقوق اداری مانند اهلیت در حقوق مدنی است پس گفته میتوانیم که صلاحیت وظیفه و شکل خاص مکلفیت می باشد. چون صلاحیت وظیفه است باید همان کارمند اداره دولتی خودش از آن استفاده بعمل آورد. یعنی کارمندان اداره دولتی نمیتوانند اختیاراتی که به ایشان تفویض شده بدیگری آن تفویض نمایند. به جز اینکه قانون آنرا اجازه دهد. همچنان کارمندان اداره دولتی مکلف اند که از صلاحیت های خویش در حدود یک قانون تعیین کرده مورد اجراء قرار دهند. تجاوز از صلاحیت علاوه بر ایجاد مسوولیت باعث اخلال اعمال و تصمیمات اداری نیز میگردد.

بمخاطر تمکیک صلاحیت های کارمندان اداره دولتی باید قبل از همه دسته بندی کارمندان اداره دولتی را که قبلاً به آن تماس گرفتیم در نظر داشته تا بصورت مشخص با صلاحیت کارمندانسی که در ارگانهای اداره دولتی مشغول خدمت هستند معرفت حاصل نمائیم :

طوری که در مفهوم خدمت دولتی کارمندان اداره دولتی را به سه دسته از پرسونل تقسیم بندی نمودیم که این تقسیم بندی در تشخیص و معین ساختن صلاحیت ها و مسوولیت های کارمندان ارگانهای اداره دولتی فوق العاده حائز اهمیت میباشد که خصوصیت هر یک را از نگاه صلاحیت های شان مختصراً مطالعه مینمائیم :

طوری که قبلاً نیز متذکر شدیم بادر نظر داشت مفهوم وسیع خدمت دولتی کارمندان تخنیک و فنی نیز در جمله کارمندان اداره دولتی شامل اند که مصروف انجام خدمت دولتی مسیبا شدند و وظایف شان آماده ساختن اسناد ، احصائیه گیری و حفاظت اسناد (آرشیف) که بدون این پرسونل دستگاه اداره دولتی نمیتواند وظایف نورمال خویش را تحقق بخشد. این پرسونل دارای صلاحیت قدرت دولتی نمی باشد و عمل شان نمیتواند تقایح حقوقی را ببار آورد زیرا بر خور دار از صلاحیت رهبری اداره ، برقراری ، تغییر و قطع روابط حقوقی ، نمی باشند ولسی فعالیت این پرسونل بطور عینی برای اجرای صلاحیت اجرایی سایر کارمندان اداره دولتی ناگزیر پنداشته میشود .

قسمت اعظم کارمندان اداره دولتی را مامورین اداری تشکیل میدهد که در عملی ساختن انواع مختلف فعالیت های اداره سهم فعال میگیرند یعنی در ترتیب اسناد کارمندان ، طرح مسوده پلانها ، ارزیابی تدابیر ساختارنی ، انجام کنترول و غيره ، یعنی آنها عملاً تمام وظایف عملیاتی ارگانهای اداره دولتی را پیش میبرند البته درین کاتگوری وزیران ، شعبات وزارت خانه ها ، موسسات و تصدیهای دولتی شامل



میباشند که صلاحیت امر ونهی رانیز دارا اند و به حیث اشخاص دارای مقامات رسمی محسوب میگردند.

کارمندان رهبری کننده یعنی آمران دارای صلاحیت های وسیع میباشند یعنی صلاحیت کنترول ، پلانگذاری ، صدور احکام و تأمین عملی آنها از طریق تقاضا به اجراءات ، تجویز مقررات تربوی و سازمانی و در صورت ضرورت تجویز مقررات انضباطی و سایر میتودهای اجباری .

کارمندان رهبری کننده یعنی آمران مقامات رسمی اداره دولتی را افاده مینماید که عبارت از رئیس شورای وزیران ، معاونین آن ، وزرا ، روسای کمیته های اجرائیوی ، روسای دوائر و غیره اند که حق مداخله در فعالیتهای اوپراتیوی ، اقتصادی و اداری سازمانهای تحت اثر را دارا اند و احکام شان لازم الاجرا پنداشته میشود . زیرا صلاحیت ایندسته کارمندان در مقرر و اساسنامه های ارگانهای اداره دولتی مشخص گردیده است که حدود و خصوصیت صلاحیت شان ارتباط بمقام وظیفوی شان دارد .

باید خاطر نشان ساخت که صلاحیت های کارمندان رهبری کننده ارگانهای اداره دولتی بخصوص صلاحیت رئیس شورای وزیران ، معاونان آن ، وزرا ، روسای کمیته های دولتی ، روسای کمیته های اجرائیوی جرگه نماینده گان مردم ، روسای ادارات عمومی در فصل دوم مفصلاً توضیح گردیده است .

بخاطر روشنی دقیق مسوولیت کارمندان اداره دولتی باید نکات آتی را در نظر بگیریم : عدم رعایت وظایف و وجایب ناشی از استخدام موجب مسوولیت کارمندان اداره دولتی میگردد که بر حسب موارد اوضاع و احوال ممکن است جزائی ، مالی ، انضباطی و اداری باشد .

به عباره دیگر اصطلاح مسوولیت برای کارمندان دولتی معنی مسوولیت جزایی ، مسوولیت انضباطی ، مسوولیت اداری ، مسوولیت مالی و مسوولیت سیاسی را در بر میگیرد :

کارمندان دولتی در ضمن انجام وظایف ممکن است مرتکب جرایمی نسبت به دولت و یا افراد شوند که رسیده گسی به جرایم مذکور اصولاً در صلاحیت محاکم جزایی بوده ولی نظر به موقف خاص کارمندان دولتی بمنظور رسیده گسی اعمال جنائی شان اکثرآ به محکمه مامورین که حدود ، صلاحیت و وظایف آن معین است رجعت داده میشود .

مطابق به احکام قوانین تعقیب و محکمه کارمندان دولت ضرورت به اجازه نداشته مگر در مورد وزراً شکل خاص دارد زیرا مسوولیت وزراً منفردآ در مقابل شورای انقلابی و هیئت رئیسه آن و شورای وزیران مسوول هستند . شورای انقلابی و هیئت رئیسه آن میتوانند وزراً را در تحت مواخذه و محاکمه قرار بدهند . هر گاه رئیس شورای وزیران ، معاونان رئیس شورای وزیران ، وزراء و یاسرپرست رسمی هر وزارت و روسای کمیته دولتی در امور مربوط به وظایف خود مرتکب جنحه یا جزیات شود مورد تعقیب شورای انقلابی و یا هیئت رئیسه آن واقع خواهد شد که اعمال شان در محکمه مربوط واضح خواهد گردید . اما رسیدگی بجرایم معینان ، روسا ، وزیران ، آمرین و کلیه کارمندان که به اساس شغل دولتی مرتکب بجرم جنائی میشوند در دیوان جزا صورت میگیرد . رسیدگی بجرایم اختلاس ، تصرف غیر قانونی و ارتشا نیز در صلاحیت دیوان جزا شامل میباشد .

کارمندان اداره دولتی دارای مسوولیت مالی نیز هستند که اصول و

احکام آن طبق قانون معین گردیده است. مسوولیت مالی آنست که کارمندان اداره دولتی در شرایط معین مکلف میگردند تا خسارات مادی را که بدولت وارد نموده جبران نمایند. کارمندان دولتی در صورت اداره امور و یا در نتیجه تقصیر و یا غفلت خساراتی به اشخاص وارد نمایند مسوول خساراتی باشد که منطقیاً آنرا مربوط به خطای او دانست و در مورد بکه خسارات ناشی از نقض تشکیلاتی باشد اداره دولتی باید جوابگوی آن باشد.

کارمندان دولتی مکلف به رعایت و جابج خاص و اصولنامه های داخلی اداره دولتی هستند که در آن مشغول خدمت میباشند و تخطی از آن موجب مسوولیت انضباطی و اداری آنها میگردد.

مثلاً: غفلت، تأخیر در انجام وظیفه، سوءنیت، تمرد، تمرد با سوءنیت، تخلف از قوانین، اصولنامه ها و مقررات اداری یا تبعیض در اجرای آنها، غفلت در حفظ اموال و اسناد، اعمال مغرضانه یا طرفداری در امور اداری نسبت به همکاران یا مراجعین، اقدام به عملی که باعث بدنامی کارمند و موسسه مربوطه شود، دادن تصدیق رسمی بدون اجازه آمر صلاحتدار و غیره.

هر گاه کارمند یکی از اعمال فوقانی را مرتکب شود مسوولیت انضباطی برایش ایجاد میگردد که در نتیجه مجازات انضباطی ذیل در داخل اداره بوسیله کارمندان اداری در برابر شان تجویز میگردد: اخطار کتبی بدون دزدج در سوانح، اخطار کتبی با درج در سوانح، کسر معاش، انفصال موقت، تنزیل مقام، انفصال دائم از خدمت در وزارت خانه یا اداره مربوطه.

حقوق اداری چ. د. ادر اسناد تقنینی پراگنده ، مسرولیت د سپلیسی ،  
اداری ومادی کارمندان اداره دولتی را در نظر گرفته ولسی شکل واحد  
مسرولیت های شان بصورت سیستماتیک و تصنیف بندی شده ، تشخیص  
نگردیده است امید است این تقیصه در قانون واحد کار که عنقریب نافذ  
میگردد ، مرفوع گردد .

## فصل پنجم

### خصوصیات عمدهٔ اداره دولتی

۱- مفهوم و ماهیت اداره دولتی ج. د. ا. :

الف: مفهوم اداره دولتی :

تحقیق، پژوهش و تدقیق پیرامون اداره به مفهوم وسیع آن یکس امر دشوار بوده، زیرا اداره به مفهوم عام از جمله وظایف اجتماعی محسوب میگردد و از همین لحاظ اصطلاح اداره در بسیاری از علوم بکار میرود، ولی هدف ما در اینجا فقط توضیح و تشریح مفهوم ادارهٔ دولتی میباشد.

اداره دولتی از جمله پدیده های بغرنج و پیچیده رو بنائی سیاسی بوده که مستلزم مطالعات و ارزیابی بخصوص است.

اداره دولتی عبارت از فعالیت دولتی در ساحات مختلفه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، کلتوری میباشد یا به عباره دیگر اداره دولتی عبارت از عمده ترین ارگان دولتیست که بوسیله آن منافع طبقاتی، طبقه مشخص

بشکل عالی انعکاس مییابد. بادر نظر داشت مطالب فوق الذکر میتوان گفت که اداره دولتی بدان شکل معین قدرت سیاسی میباشد که مایه طور مفصل در فصل دوم سیستم تشکیلاتی اداره دولتی را مورد مطالعه قرار دادیم.

درج. د. ا. اداره دولتی در برگیرنده منافع همه زحمکشان ملیت ها، اقوام و قبایل برادر ساکن در ج. د. ا. بوده و بدان شکل قدرت سیاسی همه زحمکشان کشور است. زیرا از طریق اداره دولتی مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نفع توده های زحمکش تحقق میپذیرد.

تحقق عملی اداره دولتی ج. د. ا. در حقیقت یکی از اشکال مستقیم تقارن وظایف سازمانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلوری دولت ج. د. ا. محسوب میگردد و به همین اساس گفته میتوانیم که نقش اداره دولتی در ساختمان جامعه نوین از ارزشمندی خاص برخوردار است، زیرا تحقق وظایف دولت ج. د. ا. تحت رهبری ح. د. خ. ا. خود رول اداره دولتی را در امر ایجاد پایه های مادی و تکنیکی جامعه نوین آشکار میسازد.

البته بهبود امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه از طریق اداره سالم دولتی تحقق میپذیرد.

طوری که قبلاً نیز روی این نکته تاکید صورت گرفت که فقط از طریق ایجاد اداره سالم دولتی است که میتوان اهداف مترقی و علمی ح. د. خ. ا. را جامعه عمل پوشانیده ایجاد اداره سالم دولتی برخوردار از مضمون عالی کیفیت و اشکال سازمانی بهبود یافته خود از موثریت عمیق در تهیه ساختمان طبقاتی و رشد اجتماعی، اقتصادی جامعه برخوردار است، فلذا اداره سالم در شرایط کنونی پروسه انقلابی از جمله اولین اهداف ح. د. خ. ا. و دولت ج. د. ا. بشمار میرود، زیرا ایجاد اداره دولتی سالم در عملی ساختن

وظایف داخلی و خارجی دولت ج. د. ا. نقش موثر و تعیین کننده دارد.  
بمنظور ایجاد اداره دولتی سالم باید نکات آتی مدنظر باشد:

- قوانین هیئتی موجود در جامعه تشخیص، نیروی بالقوه بمنظور اداره دولتی تعیین نیاز مندیهای پروسه انقلابی دقیقاً تحلیل و وضع موجود جامعه ارزیابی گردد، با استفاده از این شیوه است که میتوان اداره دولتی را مطابق به خواستههای مرحله مشخص انقلابی فعال و عیار ساخت.

- چگونگی سازماندهی کار ثمر بخش و مفیدیکی از اساسات ایجاد اداره سالم دولتی محسوب شده میتواند که البته در این امر تدوین پلانههای علمی و جاهجاساختن دقیق کادر هم - مطابق معیار های لئینی امر کاملاً لازم است  
پنداشته میشود .

تأمین منافع مادی و معنوی زحمتمندان شیوه دیگر تحقق اداره سالم است، زیرا محرکات اقتصادی خود ناشی از قوانین هیئتی جامعه بوده که در تنظیم تولید و اداره دولتی خیلی موثر میباشد .

- تشخیص عمده ترین و اساسی ترین پرابلم در میان سایر پرابلمها که از طریق آن میتوان به حل سایر دشواریها در سطح اداره دولتی نایل آمد .

قابل تأکید است که اساسات رهبری کننده اداره دولتی بایست متکی به اساسات علماً تنظیم شده استوار باشد تا مفهوم اداره دولتی تبارز یابد.  
البته مفهوم اداره دولتی در اهداف دولت انعکاس مییابد. بمنظور توضیح مفهوم اداره دولتی ناگزیر اهداف اداره دولتی را مورد مطالعه و بررسی قرار بدهیم :

اهداف عمده اداره دولتی ج. د. ا. در واقعیت امر تحقق وظایف داخلی دولت ج. د. ا. میباشد. بمنظور عملی ساختن وظایف مطرحه داخلی و خارجی دولت ج. د. ا. باید اداره دولتی امور موثر ساز مائی را در مساحات مختلفه در نظر گیرد.

در مرحله کنونی انقلاب از جمله اهداف اداره دولتی عبارت از سرکوب مقاومت ضد انقلاب و تأمین صلح سراناسری در کشور است که البته انجام این هدف از شرایط عینی جامعه بعد از پیروزی انقلاب ثور منشا میگردد و بعد از محو و نابود شدن ضد انقلاب این هدف اداره دولتی خاتمه می یابد.

هدف دیگر اداره دولتی ج. د. ا. رهبری و سازماندهی اقتصاد ملی کشور است که اداره این امور بصورت همه جانبه بادر نظر داشت پس ابلسم های مبرم اقتصادی بصورت میگردد.

ناگفته نپایندگذاشت که رهبری اقتصادی در کشور به وسیله تطبیق پلان های اقتصادی انجام میپذیرد.

همچنان پرورش آموزش رتس بیت اتباع به روحیه و ظنپرستی و انترناسیونالیزم از جمله اهداف دیگر اداره دولتی محسوب میگردد که اداره این امور نیز با تحلیل رارز یابی همه جانبه اجتماعی و کاتوری مد نظر گرفته میشود مثلاً مبارزه با بیسوادی و باقریبه کادر های ورزیده زحمتکشان از جمله اهداف اجتماعی و کلتوری اداره دولتی بشمار میرود. مساوات ابربری و تأمین آزادیهای دموکراتیک کلمیه اتباع ج. د. ا. در همه شئون زندگی اجتماعی هدف دیگر اداره دولتی را تشکیل میدهد. تضمین و تأمین قانونیت انقلابی خود ناگزیری موجودیت اداره دولتی را بیان میدارد.



زیرا درج . د.ا. ، اداره دولتی معلق به زحمتکشان شهر و دهه میباشد توسط ارگانهای اداره دولتی مرکزی و محلی که از طریق دموکراتیک تأسیس گردیده عملی میشود .

سوق اداره دولتی ج. د.ا. در دفاع از استقلال ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، تحکیم عمیق دست آوردهای انقلاب ثور و تعمق آرمان‌های والای آن ، تحکیم رشد و تکامل بیش از پیش نظام مترقی و پیشرو درج . د.ا. ، تأمین اشتراک وسیع زحمتکشان و تمام نیر و های دموکراتیک و وطنپرست کشور در تحولات انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی که توسط د.خ.ا. و شورای انقلابی ج. د.ا. صورت میگیرد، از جمله وظایف ارگانهای اداره دولتی ج. د.ا. محسوب میشود .

اداره دولتی ج. د.ا. سیاست خارجی دولت ج. د.ا. را که بر تحکیم صلح عام و تام، انکشاف همکاری‌های وسیع بین‌المللی و حفظ منافع دولتی کشور استوار است بر اساس اصول همزیستی مسالمت آمیز و سیاست عدم انسلاک مثبت و فعال سازماندهی و رهبری مینماید. همچنان دوستی و همکاری عنعنوی را با اتحاد شوروی و به‌سایر کشور های سوسیالیستی منگی بر اصل همبستگی انترناسیونالیستی توسعه و تحکیم میبخشد و از جنبش‌های مترقی و آزادی بخش خلق‌های آسیا ، افریقا و امریکا ی لاتین حمایت و پشتیبانی مینماید .

### ب : ماهیت اداره دولتی ج. د.ا. :

اداره دولتی در حقیقت عبارت از شبکه و شیوه سازمانی قدرت سیاسی زحمتکشان کشور به رهبری ح. د.خ.ا. و یگانه وسیله رهبری کنگره جامعه در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کلتوری میباشد که در واقعیت امر هر رابطه پیروزی

رسانیدن نهائی انقلاب ملی و دموکراتیک را مهیا میسازد یا به عباره دیگر اداره دولتی یگانه ارگان اجرائیوی دولتی است که بخاطر دفاع از دست آورد های انقلاب ثور فعالیت می نماید .

ماهیت طبقاتی اداره دولتی نظریه تغییرات عمده زیر بنایی جامعه تکامل می نماید . ماهیت طبقاتی اداره دولتی در نهایت امر نظر به انجام وظایف ارگانهای اداره مرکزی و محلی دولتی مشخص میگردد . اگر ماهیت اداره دولتی ج. د. ا. را با اداره دولتی قبل از تأسیس ج. د. ا. در نظر بگیریم به این نتیجه میرسیم که اداره دولتی قبل از انقلاب ثور از نظر ماهیت خویش عبارت از اداره دولتی دیکتاتوری فئودالان و ظالمان بود که در ضدیت منافع زحمتکشان قرار داشت یعنی به وسیله آن فئودالها حاکمیت سیاسی و اقتصادی خویش را در سرتاسر کشور استحکام می بخشیدند . روی همین اصل است که گفته میتوانیم اداره دولتی قبل از انقلاب ثور نظر به وابستگی طبقاتی خویش خصات و ماهیت ارتجاعی را دارا بود و از منافع استثمارگران دفاع و پشتیبانی بعمل می آورد .

تحکیم ، حمایه و حفاظت مناسبات غیر عادلانه فئودالی خود ماهیت طبقاتی اداره دولتی آن زمان را بیان میدارد ، زیرا اداره دولتی همه امتیازات را برای حکمرانی طبقات و اشرار مشخص مساعد و مهیا میساخت از همین لحاظ است که میگوئیم که اداره دولتی قبل از انقلاب ثور مبتنی بر استثمار استوار و خصالت استثمارگران و غیر عادلانه آن انعکاس دهنده ماهیت طبقاتی اداره دولتی دولتهای فئودالی همان زمان را واضح و آشکار میسازد . چون دولت سازمان سیاسی طبقه فئودال بود پس ناگزیر باید اداره

دولتی از منافع طبقاتی آن طبقه در برابر سایر طبقات و اقشار جامعه دفاع به عمل می آورد.

موجودیت مالکیت خصوصی فیودالان بر زمین و استثمار بیدر حمانه دهاقین، ماهیت خصلت و وابستگی طبقاتی اداره دولتی قبل از انقلاب ثور رامعین و مشخص میسازد زیرا اداره دولتی شرایط بهتر و همه جانبه استثمار دهاقین را برای فیودالان مساعد میساخت تا هر چه بیشتر منفعت اقتصادی و حکمفرمائی سیاسی آنان گسترش یابد ولی برعکس اداره دولتی ج. د. ا. خواستهای حیاتی زحمتکشان کشور را تحقق، حمایت و پشتیبانی مینماید و به حیث جز عمده پدیده سیاسی رو بنائی بالای زیر بنای اقتصادی جامعه به غرض تقویه، تکامل و رشد ساختمان اقتصادی جامعه نوین، از آن استفاده بعمل می آید. ماهیت اداره دولتی را درج. د. ا. ماهیت طبقاتی دولت ج. د. ا. آشکار میسازد.

تنها بر اساس آموزش و عملکرد تیوری انقلابی میتوان ماهیت طبقاتی اداره دولتی را درک، جاگزین شدن یکنوع اداره دولتی را به نوع دیگر آن معین کرد.

سبک و شیوه اداره دولتی باید متناسب به ماهیت طبقاتی دولت و شرایط مرحله مشخص تاریخی باشد از همین لحاظ شیوه اداره دولتی در عملی کردن اهداف دولت نقش موثر را داراست سبک اداره دولتی باید بار و حیه مترقی استوار باشد تا موثریت اداره دولتی در شرایط انقلابی کشور برای همه زحمتکشان قابل درک گردد.

مطابق مطالب فوق میتوان یکبار دیگر مفهوم اداره دولتی را با ماهیت طبقاتی آن چنین بیان داشت: اداره دولتی عبارت از فعالیت سازمانی،

اجرائیوی و امر و نهی ارگانهای اداره دولتی در ساحات مختلفه زندگی اجتماعی میباشد. از همین لحاظ بنیانگذار اولین دولت سوسیالیستی و.ا.ی. این نقش ارگان اداره دولتی یعنی ارگان های اجرائیوی مرکزی و محلی را نسبت به سایر اشکال فعالیت دولتی فوق العاده ارزشمند ارزیابی نموده است، زیرا فعالیت اجرائیوی دولت خورد مفهوم اداره دولتی را افاده مینماید و اداره دولتی علم و هنر میباشد، یعنی اداره دولتی متکی به اساسات علمی باید فعالیت نماید و بکاربرد شیوه ها و میثود های اداره دولتی در حقیقت هنر آنرا بیان میدارد.

## ۲ : نقش رهبری کننده ح.د.خ.ا. اساس اداره دولتی ج.د.ا. :

چون انقلاب ملی- دموکراتیک ثور تحت رهبری ح. د.خ.ا. به پیروزی رسید و در نتیجه آن قدرت سیاسی به نمایندگی از زحمتکشان افغانستان به ح.د.خ.ا. انتقال یافت، و ح.د.خ.ا. به حزب حاکم مبدل گردید. از همان روزهای آغاز انقلاب ثور حزب دموکراتیک خلق افغانستان در ایجاد اداره نوین دولتی گامهای استوار برداشت.

بهخصوص بعد از پیروزی مرحله نرین و تکاملی انقلاب در جهت ایجاد اداره دولتی سالم مطابق سیاست علماً تنظیم شده مطروحه در برنامه عمل ح.د.خ.ا. اقدامات عملی صورت گرفت.

ح.د.خ.ا. نیروی رهبری کننده و سوق دهنده جامعه و دولت بوده بیانگر اراده و منافع کارگران، دهقانان، روشنفکران، تمام زحمتکشان و نیروهای ملی و دموکراتیک و مدافع واقعی تمام خلقهای ساکن وطن واحد ما افغانستان میباشد. ح.د.خ.ا. به اساس اراده خلق افغانستان، اصول انقلاب ملی- دموکراتیک را در سیاست داخلی و خارجی خورش ملاک عمل

اداره دولتی قرار داده، تعمیل تدریجی اهداف و وظایف اداره دولتی را تعیین نموده مبارزه تمام زحمتکشان افغانستان را در ایجاد جامعه نوین رهبری میکند.

فعالیت تمام ارگانههای اداره دولتی در ج. د. ا. تحت رهبری ح. د. خ. ا. صورت میگیرد و از همین لحاظ اداره دولتی به اساس اداره علمی انجام میپذیرد.

باید علاوه نمود که ح. د. خ. ا. به وسیله دستگاه اداره دولتی سیاست متراتیزیک علماً تنظیم شده حزب را عملی مینماید.

ح. د. خ. ا. به مشابه نماینده و بیانگر واقعی منافع تودههای وسیع مردم و تمام نیروهای ترقیخواه معتقد است که در شرایط فعلی بهترین وسیله تحقق آرمانهای آن از لحاظ پروسه رشد و تکامل ملی انقلاب ثور اداره سالم دولتی میباشد. تمام تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در هشت سال اخیر در کشور ما صورت گرفته است، مستقیماً مربوط به فعالیت ح. د. خ. ا. و نقش رهبری کننده آن میباشد، با گرفتن قدرت سیاسی ح. د. خ. ا. فعالیت عمده دستگاه اداره دولتی را در جهت تحقق اهداف آرمانهای برنامه عمل خود و اجرای دیگر گونیهایی که به نفع اقشار وسیع زحمتکشان متمرکز ساخت. حکومت ج. د. ا. تحت رهبری ح. د. خ. ا. وظایف و اهداف آتی را در عرصه سیاست داخلی مطرح و عملی مینماید.

- دفاع از دستاوردهای انقلاب ثور، استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی.

- تحکیم وحدت و دوستی برادرانه تمام ملیت ها و اقوام افغانستان اعم از بزرگ و کوچک.

- تحکیم هرچه بیشتر ارگانهای اداره دولتی به دور کمیته مرکزی حزب و بیروی سیاسی آن .

- بسط و توسعه دموکراسی بر پایه اصول رهبری جمعی و مرکزیت دموکراتیک در ارگانهای اداره دولتی .

- جلب هرچه وسیعتر توده های زحمتکش از طریق اتحاد در جبهه وسیع ملی پدر وطن به رهبری ح. د. خ. ا. برای سوق و رهبری تمام دستگاه اداره دولتی در تحت اصولیت انقلابی .

- بلند بردن مورال و قابلیت محاربه ای قوای مسلح ج. د. ا. به حیث مدافع و قادار حزب، دولت، انقلاب و وطن عزیز مان افغانستان .

- انکشاف اقتصادی کشور ، محو تدریجی اختلاف در سطح رشد اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی مناطق مختلف کشور .

- مساعدت به امر سازماندهی ، اشکال مختلف کار دسته جمعی و پیشبرد تعاونی و کوپراتیوی امور صنعتی ، کسبه کساری ، تجارتنی ، ترانسپورتنی ، زراعتی و مالداری .

- مساعدت همه جانبه به انکشاف سکتور خصوصی ملی و حمایت از آن در برابر رقابت انحصارات امپریالیستی و سرمایه خارجی .

- تضمین آزادی اجرای مراسم مذهبی ، از بین بردن و جلوگیری از هر گونه تبعیض در برابر اتباع افغانستان ، محو و نابودی بقایای

ناگوار گذشته از قبیل استبداد ، فساد ، قانون شکنی ، خودسری ، اختلاس ، بروکراسی ، دستبرد بیت المال ، شوونیسم ، ناسیونالیسم محلی و غیره .

ح. د. خ. ا. توجه جدی خویش را به خاطر رشد بعدی اساسات حقوقی ارگانهای اداره دولتی و تنظیم زندگی اجتماعی معطوف داشته است .

به اساس ابتکارات ح. د. خ. ا. تجویزات به منظور جذب زحمتمکشان در دستگاه اداره دولتی اتخاذ گردیده است تا بدین طریق رابطه مستحکم بین حزب ، دولت و مردم برقرار گردد .

به اساس تشریحات فوق ممکن نزدعه از افراد سوال خلاق گردد

که چگونه حزب دستگاه اداره دولتی را رهبری مینماید ؟  
جهت پاسخ به این پرسش میتوان فکت های آتی را در نظر گرفت :  
- ح. د. خ. ا. توسط رهنمودها و دستور العمل هادر مبرم ترین پرابلم هائیکه خصصت اقتصادی و اجتماعی داشته باشد ، ارگان های اداره دولتی را رهنمائی میکنند .

چنین رهنمائی ها معمولاً در فیصله پلینوم های هجده گانه ح. د. خ. ا. تا اکنون ارائه شده است که برنامه عمل حزب به مثابه عمده ترین سند حزبی عالیترین شکل رهنمودی برای دستگاه اداره دولتی محسوب شده میتواند .  
- ح. د. خ. ا. بطور مستقیم در فیصله های اساسی پرابلم های اداره دولتی شرکت میورزد ، که به وسیله مصوبات مشترک کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و شورای وزیران ج. د. ا. این امر انعکاس مییابد .

- ح. د. خ. ا. کار سیستماتیک را جهت تقویه دستگاه ارگانهای اداره دولتی از طریق جابجا ساختن کادرها به اساس معیار های مشخص و معین تممیل مینماید .

- ح. د. خ. ا. امور ارگانهای اداره دولتی را بررسی ، نواقص و کمبود های آنرا برجسته و در رفع هرچه زود تر اشتباهات ، تدابیر لازم اتخاذ میکند .

- ح . د . خ . ا . از اجراءات ارگانهای اداره دولتی کنترل بعمل می آورد. البته کنترل از طرف ح . د . خ . ا . محصلت سیاسی را دارا میباشد بدین معنی که ارگانهای اداره دولتی چطور سیاست ح . د . خ . ا . را در عمل پیاده ساخته است .

- ح . د . خ . ا . سعی و تلاش میورزد تا ارگانهای اداره دولتی پرنسپهای سازمانی و وظایف مشخص و معین خویشرا بطور جدی انجام دهند و موثریت و کیفیت کار ارگانهای اداره دولتی در بخشهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، کلتوری و اداری ارتقاء نماید .

- ح . د . خ . ا . مطابق تیوری انطباقی پیشرو عصر ما بدر نظر داشت قوانین عینی رشد اجتماعی سیاست آزمون شده علمی را بوسیله اداره دولتی در ساحات مختلفه تحقیق می بخشد . از همین لحاظ حزب اداره دولتی را به مثابه وسیله عمده ساختمان جامعه نوین تشخیص نموده و در جهت توسعه پایه های اجتماعی آن تدابیر لازم اتخاذ نموده و مینماید .

خلاصه اینکه در کشوری چون افغانستان با موجودیت بقایای مناسبات فئودالی و خرده بورژوازی نقش توده های عظیم مردم در امر اداره دولتی و اعمار جامعه نوین آنها در صورت رهبری خرد مندانه ح . د . خ . ا . امکان پذیر است که در این امر موجودیت وحدت و یکپارچگی ح . د . خ . ا . پختگی ایدیا لوزی یکی اعضای آن، آشنایی ناپذیری با پورتونیزم؛ فراکسیونیزم و تزلزل، امر لازمی است زیرا وحدت حزب عامل عمده تشکیل و یکپارچگی همه زحمتکشان به دور حزب و شرط لازم استحکام اداره دولتی محسوب میگردد و تحکیم بیشتر وحدت بین حزب و مردم از طریق اداره دولتی به مثابه عمده ترین شرط پیروزی نهائی انقلاب ملی - دموکراتیک ثور، بشمار میرود.



### ۳. پرنسپ های اداره دولتی ج. د. ا. :

اداره دولتی ج. د. ا. با مقایسه اداره قبل از انقلاب به مثابه تیپ جدید اداره دولتی محسوب میگردد زیرا از نکته نظر اهداف و خصلت طبقاتی خویش از یکدیگر ماهیتاً تفکیک میگردد و از طرف دیگر بفاصل پرنسپ های خویش از هم متمایز بوده ، مثلاً از نکته نظر پرنسپ های تشکیلاتی- سیاسی اداره دولتی ج. د. ا. عبارت از اداره زحمتکشان به اساس پرنسپ سفترا الیزم دموکراتیک ، تساوی ملیت ها ، قانونیت انقلابی و پرنسپ پلانی که برای همه ارگانهای اداره دولتی مرکزی و محلی تنظیم گردیده ، میباشد .

پرنسپ های عمومی فوق الذکر اداره دولتی ج. د. ا. در حقیقت بیانگر خصلت مرفعی تیپ جدید اداره دولتی میباشد که ج. د. خ. ا. اساسات تیوریک و پراتیک اداره دولتی ج. د. ا. را طرح و درساحه عمل ارگانهای اداره دولتی قرار داده است .

در پهلوی پرنسپ تشکیلاتی- سیاسی درساحه اداره دولتی پرنسپ تشکیلاتی ، تخنیک به منظور ساختمان و فعالیت دستگاه ارگانهای اداره دولتی ، نیز عمل مینماید یعنی پرنسپ وظیفوی ، تولید رشتوی و ساحوی .

چون اداره دولتی به اساس آرمانهای حزب حاکم دموکراتیک خلاق افغانستان فعالیت مینماید ، فلذا اداره دولتی درج. د. ا. به اساس پرنسپ مردمی عمل میکند و پرنسپ اساسی اداره دولتی عبارت از اشتراک توده های وسیع زحمتکشان و جلب آنها در ارگانهای اداره دولتی مرکزی و محلی میباشد مثلاً انتخاب نمایندگان مردم به منظور تحقق قدرت مردمی در ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی که البته این پرنسپ از ماهیت قدرت

سیاسی درج. د. ا. منشأ میگیرد و از طرف دیگر این پرنسپ بیانگر دموکراسی در اداره دولتی میباشد البته در مرحله انقلاب ملی - دموکراتیک ر شده دموکراسی از طریق اشتراک همه اتباع در اداره دولتی در مساحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حتمی پنداشته میشود.

پرنسپ سنترالیزم دموکراتیک اساس پرنسپ تشکیلاتی اداره دولتی ج. د. ا. را احتوا نموده، زیرا این پرنسپ روابط متقابل تمام حلتات اداره دولتی را تأمین مینماید.

پرنسپ سنترالیزم دموکراتیک را در سیستم تشکیلاتی اداره دولتی، میتوان قرار ذیل بیان داشت :

- انتخابی و نقضی بودن کارمندان دستگاه اداره دولتی.

- گزارش دهی ارگانهای مادون اجرائیوی به ارگانهای قدرت اداره دولتی. مثلاً کمیته های اجرائیوی مکلف اند بشوراهها گزارش ارائه نمایند.

- گزارش دهی ارگانهای مادون اداره دولتی به ارگانهای مافوق اداره دولتی، مرعی الاجراً بودن اکت های ارگان مافوق اداره برای ارگانهای مادون اداره دولتی.

- تابعیت دوگانه ارگانهای اداره دولتی.

- اصل رهبری دسته جمعی و مسوولیت انفرادی.

پرنسپ سنترالیزم دموکراتیک شاخص اساسی شناخت ماهیت انقلابی اداره دولتی را به وضاحت نشان میدهد، البته محتویات فوق الذکر سنترالیزم دموکراتیک در اداره دولتی که از آن در فوق تذکر بعمل آمد و عدول از آنها در اداره دولتی بی نظمی، پراگندگی و آناارشی را به بار می آورد.

باید ملاحظه کرد که پرنسپ سنترالیزم دموکراتیک در اداره دولتی با تطابق دو میتود رهبری یعنی دسته‌جمعی و انفرادی تبارز می‌یابد رهبری جمعی، گرفتن مسوولیت برای همه کارمندان که در مباحثه پروبلم هاشرکت ورزیده و به اتفاق آنرا فیصله نموده اند. البته رشد پرنسپ سنترالیزم دموکراتیک در اداره دولتی تطابق منطقی رهبری مرکزیت را با توسعه اعظمی ابتکارات ارگانهای محلی در تکمیل اشکال سازمانی اداره اقتصاد ملی بیان می‌دارد. پرنسپ جابجا ساختن کادرها در اداره دولتی نیز از جمله پرنسپ های اساسی بشمار می‌رود.

مطابق سیاست ح. د. خ. ا. کادر های اداره دولتی باید با در نظر داشت صفات ذیل در دستگاه اداره دولتی توظیف گردند تا موثریت اداره دولتی را در همه ساحات زندگی اجتماعی ارتقا بخشند اینک بطور فشرده صفات آتسی را ذیلاً نام می‌بریم :

حزبیت ، وفاداری به امر انقلاب ، قدرت سازماندهی ، کلتور کار عالی ، دقت ، پاکیزه گمی ، وظیفه شناسی ، مستعد بودن به سازمان دادن اوقات کار ، احساس عالی مسوولیت ، احترام عمیق به کالکتیویزم ، قدرت شنیدن انتقادات ، نظریات و پیشنهادات همکاران و مردم ، سطح عالی توقع کار از خود و از همکاران خویش ، فررتنی و تواضع ، ساده بودن ، عدم سازش با نواقص ، دسپلین پذیری و روحیه عالی انضباط پذیری ، برخورد دلسوزانه با مردم ، تقوی سیاسی و اخلاقی ، ابتکار ، دور اندیشی ، وسعت نظر ، مجهز بودن با دانش تخصصی و غیره .

معیار های فوق الذکر در جابجا ساختن کادر ها در اداره دولتی برای ایجاد و فعال نگهداشتن اداره سالم دولتی فوق العاده موثر و از ارزشمندی خاصی برخوردار می‌باشد یعنی در اداره دولتی کار باید به اهل کار سپرده

شود تا ازین طریق اداره دولتی در خدمت مردم قرار بگیرد .

پرنسپ تساوی ملی در اداره دولتی ج.د.ا. روز بروز گسترش کسب  
می نماید . زیرا بعد از تأسیس ج.د.ا. سیاست تساوی حقوق ، دوستی برادرانه  
ورشد همه جانبه تمام ملیت ها ، اقوام و قبایل اعم از خورد و بزرگ ساکن  
در وطن واحد مان افغانستان را عملی ساخته به همبستگی زحماتشان تمام  
ملیت ها ، اقوام و قبایل کشور در مبارزه به منظور تحقق اهداف و آرمانهای  
انقلاب ثور مساعدت کرده و حقوق قانونی ایشان را تأمین و تضمین میکند .  
البته هدف از امحای عدم تساوی در سطح رشد سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی  
و فرهنگی تمام مناطق کشور میباشد و گرانمایه ترین آثار میراث فرهنگی  
و عنعنات تمام ملیت ها ، اقوام و قبایل کشور حفظ و انکشاف داده میشود .  
بمخاطر تحقق پرنسپ تساوی ملی در اداره دولتی ج.د.ا. انتخابات ارگانهای ،  
محلی قدرت و اداره دولتی گواه عینی و آشکار محسوب گردیده و بطور ریشوی  
از تقسیمات ملکی قبل از انقلاب متفاوت بوده زیرا در محلات زحماتشان ،  
ملیت ها خود اداره محلات را به دوش گرفته بدون اینکه مرکز کارمندان  
اداره دولتی را تعیین و توظیف نمایند .

در عملی ساختن این پرنسپ بطور آشکار دموکراسی انقلابی در  
مرحله انقلاب ملی -- دموکراتیک وضاحت حاصل می نماید . اکنون در تمام  
ارگانهای اداره دولتی تبعیض ملی از بین رفته و تمایلات سمعی متأسفانه  
بطور کلی مرفوع نگردیده ولی در جریان پروسه رشد و تکامل انقلاب  
این نقیصه رفع خواهد گردید .

باید خاطر نشان ساخت که برای فعالیت تمام ارگانهای اداره دولتی ،

تحکیم و ایجاد روحیه انترناسیونالیزم و دوستی تمام ملیت ها به منظور تحقق اهداف انقلابی امر لازم و حتمی پنداشته میشود.

در تعیین کادرهای اداره دولتی پرنسپ ملی بطور جدی رعایت میگردد و امروز در ارگانهای اداره دولتی مرکزی، نمایندگان اکثریت ملیت ها، اقوام و قبایل مصروف امور محوله در سطوح مختلف میباشد و زمینه های رشد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملیت های که قبلاً تحت ستم قرار داشتند فراهم گردیده و دولت ج. د. ا. تحت رهبری ح. د. خ. ا. سعی بعمل می آورد تا زحماتکشان ملیت های مختلف در اداره دولتی سهم شایسته و وطنپرستانه بگیرند.

پرنسپ قانونیت انقلابی نیز جز لاینفک اداره دولتی را تشکیل میدهد بدین معنی که فعالیت دستگاه اداره دولتی مطابق به قانونیت انقلابی باید عمل نماید و قانونیت انقلابی در اداره دولتی مطالب آتی را در بر میگیرد:

— دفاع از دست آورد های تاریخی انقلاب ثور:

— دفاع از حقوق اتباع مندرج در اصول اساسی ج. د. ا.

— دفاع از منافع زحماتکشان تمام ملیت ها، اقوام و قبایل ساکن در ج. د. ا.

— مبارزه بی امان علیه دشمنان طبقاتی زحماتکشان:

— رعایت جدی قوانین جاریه:

— تربیه زحماتکشان با روحیه انقلابی، وطنپرستانه و انترناسیونالیزم.

خلاصه اینکه پرنسپ قانونیت انقلابی عبارت از رعایت بدون چون

و چرا کلیه ارگانهای دولتی، کارمندان و همه اتباع ج. د. ا. از قوانین

و سایر اکت های نورماتیوی میباشد. چنین قانونیت از نگاه ماهیت و خصیلت

طبقاتی خویش با قانونیت اداره دولتی قبل از انقلاب فرق فاحش داشته

زیرا بوسیله قوانین ج. د. ا. تمام حقوق و آزادیهای زحماتکشان تضمین

گردیده و در خدمت مردم بخاطر اعمار جامعه نوین قرار داده شده است.

بخصوص رعایت قانونیت انقلابی در شرایط جنگ اعلام نشده از طرف

تمام ارگانهای دولتی و اقباع امریست لازم زیر قانونیت انقلابی در اداره دولتی یگانه وسیله تحکیم قدرت زحمتکشان محسوب میگردد و بهمین منظور رعایت دسپلین و انضباط در اداره دولتی ناگزیر پنداشته میشود و یا به عباره دیگر قانونیت انقلابی در اداره دولتی عبارت از مبارزه بی‌امان علیه رشوت، اختلاس، پروکراسی، خویش‌شوری، تنبلیات محلی، نژادی و شوو نیستی و غیره امراض سیاسی که لطمه به اسناد تقنینی علماً تنظیم شده وارد نماید.

پرنسپ پلاننگذاری در اداره دولتی نیز بارشده و تکامل اداره ج. ده. ا. هماهنگی حاصل مینماید و این پرنسپ از سیستم موجود اقتصادی بر وسایل تولید منشاء میگردد و این پرنسپ در اسناد حزبی و دولتی تجلی یافته است. دولت ج. د. ا. مطابق به پرنسپ فوق الذکر رشد اقتصاد ملی را به منظور امحای عقب مانده گی اقتصادی کشور، ارتقای سطح زندگی زحمتکشان، امحای کلیه اشکال استثمار و اعمار جامعه نوین مطابق به آرمانهای انقلاب شور رهبری مینماید و به این منظور پلانهای انکشاف اقتصادی، اجتماعی را که منکمی به فعالیت سازنده و خلاق زحمتکشان است علماً طرح و تنظیم میکند. پروبلم رهبری شده اقتصاد ملی مقام مهم را در برنامه عملی د. خ. ا. احراز نموده است و پرنسپ پلاننگذاری و مسئله مهم اداره دولتی محسوب میگردد و بدون رعایت پرنسپ پلاننگذاری در اداره دولتی نمیتوان دست آوردهای انقلابی نایل گردید.

قرار تشریحات فوق به این نتیجه میرسیم که اداره دولتی زمانی میتواند امور محوله خویشرا به طور همه جانبه و پیگیر عملی نماید که منکمی به پرنسپ های فوق الذکر عمل نماید در اینصورت است که اداره دولتی بطور فعال و سیستماتیک اهداف و وظایف مطروحه را در شرایط و مرحله مشخص تحقق بخشد.

## فصل ششم

### تأمین قانونیت انقلابی در اداره دولتی ج.د.ا.

#### ۱- مفهوم علمی قانونیت انقلابی در اداره دولتی :

قانونیت و مفهوم اداره دولتی با هم رابطه نزدیکی داشته و حتی گفته می‌توانیم که لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. قانونیت در اداره دولتی نظر به سبک و شیوه سیستم اداره دولتی بر قرار می‌گردد و از همین لحاظ مانند اداره دولتی، قانونیت دارای خصصت طبقاتی است.

قابل یادآور است که برای قانونیت انقلابی، تضمین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی در اداره دولتی حتمی و لازمی پنداشته میشود که البته تضمین های فوق‌الذکر در واقعیت امر خصصت طبقاتی، قانونیت انقلابی را بیان می‌دارد.

قانونیت انقلابی در اداره دولتی ج. د. ا. عبارت از رعایت جدی قوانین و سایر اسناد تقنینی بر فاعلیت و زمره ارگانهای اداره دولتی میباشد که نقض آن در حقیقت، نقض قانونیت انقلابی محسوب میگردد. چون قوانین در مرحله جامعه انقلابی از منافع زحمتمکشان حمایت مینماید و اراده آنها را انعکاس میدهد، لهذا نقض قانونیت انقلابی در حقیقت، نقض اداره دولتی تلقی میشود. تضمین سیاسی قانونیت انقلابی از قدرت سیاسی زحمتمکشان کشور سرچشمه میگیرد بدین معنی که در کشور ما بعد از پیروزی انقلاب ثور به نمایندگی از زحمتمکشان قدرت سیاسی به حزب دموکراتیک خلق افغانستان انتقال نموده است و تضمین اقتصادی قانونیت انقلابی از ساختار اقتصادی جامعه منشأ میگیرد که ناشی از موجودیت مالکیت دولتی، کوپراتیفی و خصوصی میباشد. تضمین اجتماعی قانونیت انقلابی از موجودیت سازمانهای با لته اجتماعی کشور نشأت نموده که چنین تضمین قانونیت انقلابی در وجود جبهه ملی پدر وطن متمرکز شده است.

تضمین حقوقی قانونیت انقلابی عبارت از تدوین نورمهای نوین حقوق اداریست زیرا نورمهای حقوق نقش تضمین کننده قانونیت انقلابی را به عهده داشته و یگانه وسیله تضمین قانونیت انقلابی بشمار میرود. یا به عباره دیگر قانونیت انقلابی در اداره دولتی عبارت از نتایج رعایت قوانین و سایر اسناد تقنینی میباشد که در نتیجه آن نظم حقوقی در اداره حکمتر مامیگردد.

قابل تذکر است: ممکن سیستم عالی نورم حقوقی در اداره وجود داشته باشد ولی اگر برای تطبیق و رعایت آنها میتودهای درست و عینی



مطابق به آن اتخاذ نگردد در آنصورت گفته می‌توانیم که قانونیت در اداره مفهوم نداشته زیرا تنها با تطبیق و عملی نمودن جدی نور مهای حقوق اداره دولتی نظم حقوقی بخود می‌گیرد باید تطبیق و رعایت قوانین در اداره دولتی به طور آگاهانه، شعوری از طرف همه ارگانهای اداره دولتی، مسوولین امور، سازمانهای اجتماعی و اتباع صورت گیرد و از طرف دیگر ارگانهای دولتی، اتباع، سازمانهای اجتماعی و مسوولین امور باید به رعایت جدی اسناد تقنینی متقاعد و مکلف گردند. ارگانهای که وظیفه تطبیق قوانین را به عهده دارند باید بازحمتکشان کارنو ضیحی نموده یعنی زحمتکشان را به تطبیق قوانین تشویق و علاقمند سازد. بخاطر رعایت قانونیت انقلابی باید ارگانهای محلی اداره دولتی و ارگانهای مرکزی دولتی برای حل پرابلمها که اهمیت مبرم را دارا باشند یکجا با هم تدابیر مشخص و جدی اتخاذ نمایند.

بخاطر ایجاد روحیه قانونیت انقلابی در اداره دولتی قبل از همه باید علیه هر گونه تبارز و بروکراتیزم، خودسریها، قانون شکنی، رشوت و اختلاس مبارزه شدید صورت گیرد و درین ارتباط شکایات، انتقادات و پیشنهادات افراد جامعه باید اهمیت و بها داده شود.

باید نظر داشت مطالب فوق یکبار دیگر بطور مختصر قانودولتی انقلابی را در اداره دولتی میتوان چنین بیان کرد.

قانونیت انقلابی در اداره دولتی عبارت از پرنسپهای اداره دولتی میباشد که بر اساس نورمهای حقوقی ارگانهای اداره دولتی، مسوولین امور، سازمانهای اجتماعی و همه اتباع کشور موظف به رعایت و تطبیق قوانین و اسناد تقنینی میگردند.

متأسفانه تا هنوز وظایف مربوط به تحکیم قانونیت انقلابی در ارگانهای اداره دولتی از موثریت لازم برخوردار نیست، زیرا در مبارزه با متخلفین هنوز از وسایل تأثیر دولتی و اجتماعی و تسریع افراد استفاده کامل صورت نمیگیرد.

ارگانهای حراست نظم که وظیفه دارند تا قانونیت و نظم را تأمین نمایند تاکنون به توافق عمل متقابل، هماهنگی در کار، ارتباط با ارگانهای محلی، سازمانهای اجتماعی نایل نگردیده اند در کار آنها ابتکار، اصولیت، سازش ناپذیری، آشتی ناپذیری و قاطعیت در مبارزه با جرایم و هرگونه تخلف از قانون ضعیف است. از جمله کمبودهای جدی کار در جهت تحکیم قانونیت انقلابی اینست که مسوولیت جزائی متوجه متخلفین و مجرمین نمیگردد بطوریکه از این ضعف کار در جلسه مورخ ۱۸ ثور ۱۳۶۵ بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. چنین تذکر بعمل آمد:

مبارزه جهت کشف، جلوگیری به موقع و وقایه جرایم بخصوص جرایم علیه اقتصاد کشور، قدرت دفاعی دولت، سوءاستفاده ها و تخلفی از قوانین ضعیف پیشبرده میشود. شواهدی وجود دارد که دوسیه های بزرگ اختلافات ملیونها افغانی دارائی عامه طی سالیان متمادی بدون بررسی جدی و به موقع باقی مانده.

بیروی سیاسی به لوی خارثوالی و خارثوالی های ج. د. ا. و وظیفه سپرد تا سطح دسپلین و احساس مسوولیت کارمندان خویشرا بمخاطر نظارت بر تطبیق قانونیت انقلابی ارتقاء بدهند.

قابل یاد دهان نیست که رفقا و کردار مسوولین امور اداره دولتی که خلاف قوانین موضوعه باشند نقض یا تخلف از قوانین نامیده میشود یا به

عباره دیگر عمل مسوولین امور اداره که معاینه احکام اسناد تقنینی باشد تخلف از قوانین محسوب میگردد و یا اجراءات مسوولین امور اداره ولتی که مطابق به قانون نباشد نقض قانون گفته میشود که همه مطالب فوق در برگیرنده نقض قانون نیست انتقال بسی میباشد از همین لحاظ ح. د. خ. ۱. مسئله تأمین جدی رعایت قانونیت انقلابی را در اداره دولتی و رفع تمام عواملی که باعث بی نظمی در اداره دولتی میگردد توجه جدی را بخصوص بعد از تدریس پلینوم هجدهم کمیته مرکزی ح. د. خ. ۱. معطوف نموده است.

خلاصه اینکه زمانی میتوان بطور همه جانبه قانونیت انقلابی را در اداره دولتی تحکیم بخشید که نظارت جدی و مداوم ارگانهای خارتوالی، سازمانهای حزبی و اجتماعی بر اعمال ارگانهای اداره دولتی یعنی اعمال مسوولین امور آنها ایجاد و مبارزه علیه سوء استفاده از وظیفه، رشوه خوری، اصراف، حیف و میل، غضب دارایی دولتی، تخلف از دستپایین مالی و سایر جرائم سازمان داده شود تا رعایت جدی قانونیت در فعالیت ارگانهای اداره دولتی تأمین و سطح مطالبات نسبت به مسوولین آنها در امر تطبیق بلا انحراف قوانین و رعایت نظم حقوقی در ارگانهای اداره دولتی ارتقا داده شود. همچنان سطح مسوولیت کادرها در برابر کار سپرده شده، تحکیم دستپایین و آماده گئی حرفوی کارمندان اداره دولتی بهبود یابد تا رعایت قانونیت انقلابی در فعالیت آنها تأمین گردد یعنی نیل به هدفی صورت گیرد که اعمال کارمندان ارگانهای اداره دولتی با تمام قاطعیت، جدیت و برش عادلانه و قابل درک برای توده های وسیع زحمتمکشانشان و قابل

پشتیبانی از جانب افکار عامه با شد در اینصورت است که در اداره دولتی قانونیت انقلابی تحکیم میگردد .

بمنظور تحقق برنامه عمل ح. د. خ. ا. ، تحکیم قانونیت انقلابی در تمام ارگانهای اداره دولتی اعم از مرکزی و محلی امریست ضروری زیرا عملی شدن محتویات اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، کلتوری یا به عباره دیگر سیاست علماً تنظیم شده داخلی و خارجی دولت ح. د. ا. م. درج بر نامه عمل ح. د. خ. ا. نیاز مبرم به رعایت قانونیت انقلابی داشته و درین جهت قبل از همه باید از طرف ارگانهای اداره دولتی تدابیر جدی مطابق به قوانین موضوعه اتخاذ و فعالیت این ارگانها مطابق به آن عیار گردد تا در اداره دولتی نظم حقوقی برقرار شود .

باید خاطر نشان ساخت که نظم حقوقی در اداره دولتی در نتیجه رعایت قانونیت انقلابی تأمین میگردد . دیده میشود که قانونیت انقلابی و نظم حقوقی در اداره دولتی لازم و ملزوم یکدیگر بوده در صورتیکه در اداره دولتی نظم حقوقی وجود داشته باشد قانونیت انقلابی نیز به ملاحظه میرسد و یا بر عکس آن . از همین لحاظ گفته میتوانیم که عدم موجودیت قانونیت انقلابی در اداره دولتی نظم حقوقی را در اداره دولتی خنثی سازد .  
فلهذا قانونیت انقلابی در اداره دولتی عبارت از ایجاد نظم حقوقی در فعالیت ارگان های اداره دولتی میباشد که متکی بر اساسات قوانین و سایر اسناد تقنینی استور می باشد .

۲ - روابط متقابل میان کنترول ، تقنین و نظارت از اجزای اساسی ارگانهای اداره دولتی :

وسيله اساسی بمنظور اجرای تحقق فعالیتها ی سازمانی ارگانهای

اداره دولتی، عبارت از کنترل اداره دولتی میباشد که رسیده‌گی و تحقیق، تفتیش و بررسی و یا نظارت از جمله اشکال کنترل محسوب میگردد زیرا کنترل مفهوم وسیع داشته و در بر گیرنده همه مطالب است .

خصوصیت کنترل به مثابه فعالیت سازمان داده شده ارگانها و مسوولین امور در مداخله او پراتینی فعالیت ساحه تحت کنترل شان تبارز می یابد یعنی حق تغییر ، قطع و یا از بین بردن اکت‌های حقوقی و یادادن دساتیر حتمی که خصیلت مقرره وی دسپلینی را در ارتباط مسوولین تحت کنترل دارا باشد انعکاس مییابد از همین لحاظ کنترل به مثابه میتود همه جانبه و فعال تأمین قانونیت در اداره دولتی پنداشته میشود که به اشکال مختلف صورت میگیرد .

در ادبیات حقوقی کشور ماتفکیک میان مفاهیم کنترل ، تفتیش و نظارت صورت نگرفته و همه را مترادف می‌پندارند درحالیکه در فوق به وضاحت آشکار گردید که تفتیش ، رسیده‌گی و تحقیق از جمله اشکال کنترل بشمار میرود .

اینک بمخاطر توضیح هر چه بیشتر مفاهیم متذکره می‌پردازیم به توضیح هر یک آنها :

بررسی یا تحقیق از جمله اشکال کنترل بوده که به کمک آن اجراءات از قبیل‌ه های ارگانهای ما فوق حزبی و دولتی و هم از اجراءات داخلی ارگان های مربوط اداره دولتی کنترل صورت یگیرد .

بررسی یا تحقیق معمولاً خصوصیت موضوعی داشته از همین لحاظ بمخاطر کنترل جدی قبل از همه باید به بررسی و تحقیق پرداخت :

تفتیش نیز از جمله میتود های کنترل محسوب میگردد یعنی بررسی

اجراآت مشخص در ارتباط موضوعات معین ،

نظارت شکل بخصوص کنترول را بیان میدارد و بدو نوع یعنی نظارت اداری و نظارت از طریق ارگانهای خار نوالی میباشد . البته هر دو نوع نظارت با همدیگر تفاوتیهای فاحش دارد .

و.ای. لینن محاسبه و کنترول را در دستگاه اداره دولتی بی نهایت ارزشمند خوانده است و از همین جهت باید محاسبه و کنترول همگانی و عمومی بخاطر کمیت کار و تقسیم محصولات آن سازمان داده شود .

با در نظر داشت اهمیت کنترول باید علاوه نمود که در ادبیات حقوقی اصطلاح کنترول دولتی ، معمول بوده که به نوبه خود کنترول دولتی به انواع مختلف میباشد یعنی کنترول از طرف ارگانهای قدرت دولتی ، کنترول از طرف ارگانهای اداره که صلاحیت عمومی داشته ، کنترول از طرف ارگانهای که صلاحیت تخصصی دارند .

بهین ترتیب اصطلاح کنترول اجتماعی نیز مروج بوده که به نام کنترول مردمی یاد میگردد . کنترول دولتی را ارگانهای قدرت دولتی و ارگانهای اداره دولتی در تمام رشته ها انجام میدهند مثلاً کنترول از طرف ارگانهای قدرت دولتی در ج. د. ا. ب. و س. راه شورای انقلابی و شوراها (جرگه) نمایندگان مردم صورت میگیرد .

کنترول از طرف ارگانهای اداره که صلاحیت عمومی را دارا اند عبارتند از شورای وزیران و کمیته های اجراییوی جرگه نمایندگان مردم و کمیته دولتی تفیش و کنترول .

کنترول بوسیله ارگانهایی که صلاحیت تخصصی دارند خصوصیت مختلف داشته یعنی به شکل رشتی و به شکل بین الرشتوی از طرف ارگانهای

اداره دولتی به ارتباط ارگان مادون رشتوی تحت صلاحیت ، انجام میگیرد .  
خلاصه گفته می‌توانیم که در شرایط کنونی پر و سه انقلابی کنترل از اجراءات  
ارگانهای اداره دولتی در همه ساحات بمنظور تحقق وظایف مشخص آنها  
در ساحات معین اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلتوری امریست حتمی زیرا  
بدون کنترل نمیتوان نواقص و اشتباهات ، علل و عوامل عینی و ذهنی آنها  
در یافت و عاملین آنها تشخیص کرد .

کنترول از جمله پرنسپ های نوین اداره دولتی بشمار میرود البته  
کنترول باید دقیق ، متکی به اسناد و هدفمند باشد . هدف از کنترل باید  
رفع نواقص ، برجسته ساختن ضعف مسوولین امور ، کفایت و عدم کفایت  
آنها ، دلسوزی به بیت المال ، تحقق اهداف انقلابی ، تطبیق پلانهای تنظیم  
شده بخصوص کنترول از امور مالی نه تنها جنبه اقتصادی داشته بلکه در  
شرایط فعلی اهمیت مبهم سیاسی را دارا است . از همین لحاظ باید نقش  
ارگانهای نظارت بر قانونیت انقلابی ارتقا یابد تا کنترول دقیق و جدی از  
اجراءات ارگانهای اداره دولتی را سازمان دهند . البته نقش جرگه های  
محلی نماینده گان مردم در تحقق این امر در خور توجه است .

کنترول عبارت از بررسی درست این و با آن اعمالی است در ساحه  
اداره دولتی بدین معنی که آیا فعالیت اجرایی ارگانهای اداره دولتی ،  
مسوولین امور آنها ، سازمانهای اجتماعی و اتباع مطابق قوانین جاریه ج. د. ا.  
صورت گرفته است و یا خیر ؟

همچنان کنترول بخاطر توضیح اجراءات قانونی ارگانها و رعایت دسپلین  
دولتی صورت میگیرد . در ج. د. ا. از تمام فعالیت های دستگاه اداره دولتی  
کنترول حزبی صورت میپذیرد که این امر بیانگر آن است که ح. د. خ. ا.

نیروی رهبری کننده اداره دولتی را تشکیل داده است هر يك از اشكال كنترول به اساس پرنسپ ها انجام ميگيرد. هدف از كنترول، تفتيش اشخاص و تفتيش اجراءات امور ميباشد.

پرنسپ هاي اساسي كنترول انقلابي عبارتند از:

پرنسپ كنترول توده يعني اشراف فعال توده ها جهت كنترول از كار دستگاه اداره دولتي.

پرنسپ كنترول همه جانبه بدین معنی كه كنترول تمام جهات فعاليت دستگاه اداره دولتي را احتوا نمايد.

پرنسپ كنترول سيستماتيک يعني كنترول دايمي از امور ارگانهاي اداره دولتي بطور مداوم نه بشکل وقفه و يا زماني و يا در صورت بروز كدام حادثه و يا نقيصه در كار.

پرنسپ كنترول به موقع بدین معنی كه كنترول بايد جهت رفع نقيصه به موقع و زمانش صورت گيرد.

پرنسپ كنترول ثمر بخش بدین معنی كه كنترول با پد موثر باشد، علل و عوامل واقعات در كسار را آشكار بسازد. پرنسپ كنترول علني يعني نتايج كنترول بايد مورد بحث همه جانبه قرار بگيرد.

پرنسپ كنترول عيني بدین معنی كه كنترول زوي واقعيت و فكت هاي افكار ناپذير صورت گيرد.

پرنسپ هاي فوق الذكر در واقعيت امر بطور همه جانبه رهنمود هاي است بمنظور كنترول جدي از امور اجراءات ارگانهاي اداره دولتي. بايد ارگانهاي دولتي كه صلاحيت كنترول از اجراءات دستگاه اداره دولتي به آنها تفويض گردیده است پرنسپ هاي فوق را در نظر داشته باشند تا كنترول در سطح ارگانهاي مذکور از موثريت لازم برخوردار



گردد و از طرف دیگر قانونیت انقلابی در ارگان‌های اداره دولتی تأمین شود. در پهلوی کنترل دولتی، طوریکه قبلاً متذکر گردیدیم کنترل اجتماعی نیز از اجراءات ارگان‌های اداره دولتی از مبرمیت خاص برخوردار است. کنترل اجتماعی **هلی** تعقیب‌پذیر بوسیله سازمان‌های کلکتیف‌های زحمتکشانشان و اتباع از امور اجراءات دستگاه اداره دولتی میباشد.

دولت ج. د. ا. بمنظور جلب هرچه بیشتر کنترل اجتماعی شرایط بهتر و تضمین موثری رامی‌نموده است و ارگان‌های اداره دولتی و مسوولین امور آنها مکلف ساخته است تا فعالیت کنترل اجتماعی را گسترش دهند. کنترل اجتماعی از کنترل دولتی نظریه خصوصیت قوه حقوقی خود متمایز میباشد یعنی کنترل اجتماعی نواقص را کشف و لسی‌حق اتخاذ تجویز مشخص را ندارد زیرا این حق را ارگان‌های مشخص عهده‌دار اند و از طرف دیگر کنترل اجتماعی که به وسیله سازمان‌های اجتماعی و با اتباع صورت می‌گیرد حاوی محتوی رهنمود دهنده به ارگان‌های اداره دولتی به منظور بهبود کار و رفع نواقص در کارشان، میباشد.

کنترل اجتماعی یگانه وسیله جلب اتباع در امور اجتماعی اداره دولتی محسوب میگردد و از جمله اشکال کنترل اجتماعی عبارت از گزارش کارمندان اداره دولتی در برابر کلکتیف‌های زحمتکشانشان محسوب میگردد.

۳ - نقش خارنوالی، قضا و پیشنهادات و شکایات اتباع در گامین قانونیت انقلابی اداره دولتی:

در تأمین قانونیت انقلابی علاوه از مطالبی که فوقاً پیرامون آن بحث صورت گرفت خارنوالی، قضا و اتباع نقش بس ارزشمندی را درین امر ایفا مینمایند. بخاطر روشنی بیشتر موضوع بطور جداگانه مختصراً به توضیح نقش هر یک آنها می‌پردازیم.

لوی خارانوالی از تطبیق و رعایت یکسان قوانین توسط کلیه ارگانهای  
مرکزی و محلی قدرت دولتی و اداره، موسسات دولتی مختلط و خصوصی  
سازمان های اجتماعی و اتباع نظارت میکند.

لوی خارانوالی و ارگان های آن در نظارت بر تطبیق قانونیت و رعایت  
دسپلین دولتی مکلف بوده و مبارزه علیه دستبرد به مالکیت دولتی،  
سوءاستفاده از وظیفه، رشوه خواری و سایر جرایم را عهده دار است. وظیفه  
دارد تا تمام موارد جنایات را کشف نماید تا متخلفین و مجرمین به مسروولیت  
جزائی کشانیده شوند.

پس بملاحظه میرسد که فعالیت خارانوالی در مبارزه علیه ضد انقلاب،  
جرایم و سایر پدیده های ضد اجتماعی، در اجرای نظارت بر رعایت و  
تطبیق بلا انحراف قوانین توسط همه موسسات و سازمان ها مسوولین امور  
و اتباع، تأمین نظم استوار انقلابی، امنیت و آرامش عمومی، سوق داده  
شده است از همین لحاظ نقش خارانوالی در تأمین قانونیت انقلابی  
اداره دولتی فوق العاده حایز اهمیت است.

اینک بطور مختصر در ارتباط ارگان های اداره دولتی نقش خارانوالی  
را در تأمین قانونیت انقلابی ذیلاً مینگاریم:

— خارانوالی ضد هر نوع عمل، مغایر قانون که از طرف ارگان های  
اداره دولتی، مسوولین امور و اتباع صورت گیرد میتواند اخطار (پروتست)  
بدهد و ارگان های اداره دولتی مکلف اند به قناعت خارانوالی بپردازند.

— سخاوالی حق دار داکت آشکارا که خصوصیت اطلاعاتی رادار باشد

به ارگان های اداره دولتی و موظفین امور بدهد.

— خارتوالی بطورشفاهی به مسوولین امور ارگان های اداره دولتی ،  
موسسات و تصدیها که مغایر قانون عمل نموده اند ، موضوع رارجعت بدهند ،  
دیده میشود که ارگان های خارتوالی نظارت اجرای دقیق و متحد الشکل  
قوانین را به عهده داشته و به این مسایل توجه مینماید که : آیا فیصله ارگان  
اداره ، احکام امر تصدی باقانون توافق دارد ؟ آیا در مورد حقوق اتباع  
خلاف رفتاری صورت نگرفته است ؟ آیا غاضی دوسیه را درست - ل و  
فصل کرده است ؟ همه این قضایا در مرکز توجه منسوبین خارتوالی  
قرار گرفته که این خود نقش خارتوالی را در تأمین قانونیت انقلابی  
آشکار میسازد .

یا به عباره دیگر ارگان های خارتوالی به خاطر اجرای دقیق و درست  
قوانین به وسیله وزارت ها ، کمیته های دولتی ، دوائر ، تصدیها ، سازمانها ،  
ارگان های اجرایی و جریه نمایندگان مردم و اشخاص موظف  
را تحت مراقبت قرار میدهد . بدین ترتیب خارتوالی وظیفه عمومی  
تأمین قانونیت انقلابی را بامیتود های ذیل انجام میدهد : ارائه شکایت نامه  
در مورد تطبیق نادرست قانون و یا اعمال مشخص ، تقاضای بر طرفی ،  
خلاف رفتاری نسبت به مقررات حقوقی و مجازات مجرمین .

نظارت خارتوالی در حقیقت حقوق اتباع خجج . ا . را به صورت اطمینان بخش  
تأمین میکند .

و هر تبعه که حقه رقتش بهر شکلی که پایمال شده باشد میتواند به ارگانهای  
خارتوالی مراجعه نماید و خارتوالی مکلف است شکایات اتباع را بررسی  
و در مورد جلوگیری از نقض قانون اقدام کند . جهت تأمین واقعی قانونیت  
انقلابی ضرور است تا قوانین دولت در تمام قلمرو کشور یک نوع درک

شده و تطبیق گردد. این امر در ماهیت ح. د. خ. ا. که در نتیجه انقلاب  
ثور قدرت سیاسی را به دست گرفته ، نهفته است که رعایت بدون قید  
و شرط و متدلس شناختن قانونیاتی را تقاضا نماید که انقلاب به ارمان  
آورده است. پس قانونیت انقلابی را یکی از اصول اساسی دولت ج. د. ا. تلقی  
کرده میتوانیم و قوانین و فرامین دولت ج. د. ا. باید صادقانه رعایت شوند  
و توجه شود که تمام مردم از آن اطاعت نماید. لیکن بدین مفاصت نوشته  
است که : ((قانون بدون وجود يك دستگاهی که احکام آنرا مورد  
رعایت و تطبیق قرار دهد هیچ است. ))

نقش قضا در استحكام قانونیت انقلابی طوری تأمین میگردد ، به  
نحویکه قاضی حین رسیده گسی قضایا فقط از قانون تابعیت کند و این امر  
مطمیناً الزامیت قوانینی را افاده مینماید که انقلاب ار مان نموده است .  
و از همین لحاظ قضاوت در ج. د. ا. صرف توسط محکمه به اساس  
اصول دموکراتیک صورت میگیرد یعنی توسط ستره محکمه ، محاکم ولایات ،  
شهرها ، و اموالی ها و همچنین توسط محاکم قوای مسلح صورت میگیرد .  
رسیده گسی تمام قضایای مدنی و جزائی از صلاحیت محاکم میباشد  
و محکمه حین رسیده گسی قضایا قوانین ج. د. ا. را تطبیق میکند .

محاکم قبل از انقلاب ثور همیشه وسیله تحت ستم قرار دادن زحمتکشان  
بوده و مانند سایر دستگاه های دیگر دولت ، محاکم از منافع طبقه حاکمه  
سنگر پشتیبانی میکرد ، پایه های ساختمان جامعه فیودالی را استوار  
نگه میداشت ر از حقوق سیاسی و امتیازات بروکرات های دولتی حمایت  
میکرد . مگر بعد از پیروزی انقلاب محاکم بر اساس اصل دموکراتیک  
از منافع زحمتکشان دفاع بعمل می آورد . از همین لحاظ ، از محاکم

درج . د . ا . توقع برده میشود که از منافع دولت ج . د . ا . دفاع نماید  
و همچنان از سایر ملکیتها و حقوق مدنی اشخاص که در قانون حمایت  
گردیده پشتیبانی نماید.

محاكم ج . د . ا . از جمله ارگانهای قضائی محسوب میگردد که  
در ساحه اداره دولتی تأمین قانونیت انقلابی را عهده دار است ، لکن  
اشکالی که محاکم قانونیت انقلابی را در اداره دولتی تأمین مینماید با انجام  
وظایف ارگان خارنوالی متفاوت است زیرا قضا به طور سیستماتیک جریان  
کار ارگانهای اداره دولتی را بخاطر صدور اکت های قانونی تقایش  
نمی نماید و اکت های غیر قانونی ادارات را پروتست نمیکند در حالیکه محاکم  
از طریق بررسی جرایم مدنی و جزائی قانونیت انقلابی را در امور محوله  
اداره دولتی تأمین میکنند .

از مطالعه فوق برمی آید که قضا در تأمین قانونیت انقلابی در سطح  
ارگانهای اداره دولتی نقش پراهمیتی را بازی مینماید ، زیرا مرتکبین  
و مجرمین که در اداره دولتی مرتکب جرم گردند دوسه جرایم شان به  
منظور تعیین مجازات بمحاکم مربوطه احاله میگردد که این خود بیانگر  
رول قضا در تأمین قانونیت انقلابی در اداره دولتی ج . د . ا . میباشد .  
پیشنهادات و شکایات زحمتمکشانش از نواقص امور ارگانهای اداره دولتی  
و یا نقض قانونیت از جمله شیوه های دیگر تأمین قانونیت انقلابی در اداره  
دولتی محسوب میگردد . که این امر بیانگر دلسوزی اتباع ج . د . ا . به  
منظور بهتر ساختن ماهیت کار دستگاه اداره دولتی میباشد . اتباع از طریق  
مکاتیب به ارگانهای عالی حزبی و دولتی ، شکایات و پیشنهادات خویش  
را در مورد نواقص ، رفع بروکراسی و تقض قانونیت ، مطرح میسازند

که این عمل نقش اتباع را در تأمین قانونیت انقلابی در اداره دولتی انعکاس میدهد.

دولت ج. د. ا. بسنظور اشتراك وسیع اتباع بطور مستقیم در امور ارگانه‌های اداره دولتی بوسیله نشرات ، رادیو صدای مردم ، روزنامه‌ها و جراید زمینه سه‌مگیری آنها را در بهبود امور اداره دولتی فراهم ساخته و از این طریق اتباع شکایات ، پیشنهادات و انتقادات مشخص مربوط به ارگانه‌های معین را رایج و مسوولین امور مکلف اند تا به قناعت آنها پردازند و یا از نواقص و کمبودها در امور محوله خویش اعتراف نمایند .



## نتیجه گیری :

آموزش اساسات حقوق اداری ج. د. ا. با در نظر داشت شرایط معاصر پروسه انقلابی امر ضروری و ناگزیر بوده ، زیرا در مرحله کنونی انقلاب محور مبارزات طبقاتی را در مقیاس کشور مبارزه میان دو سیستم اداره دولتی یعنی اداره کهن و اداره نوین تشکیل میدهد اساسات علمی حقوق اداری ج. د. ا. به اساس تئوری علمی حقوقی بنا یافته و در عرصه فعالیت های ارگانهای اداره دولتی رشد و تکامل نموده و مورد استفاده ارگانهای اداره دولتی به خاطر خدمت به زحمتهایشان قرار دارد . بایست متذکر گردید که حقوق اداری ج. د. ا. مطابق به مشی علماً تنظیم شده مندرج برنامه عمل ح. د. خ. ا. تنظیم گردیده و خصیصت طبقاتی و شکل سازماندهی اداره دولتی را مطابق به خواسته های زحمتهای معین ساخته است .

یکی از عوامل مهم نیرومندی حقوق اداری ج. د. ا. اینست که بر اساس تئوری مترقی حقوق بنا یافته و قوانین عام اصول علمی بنیاد آنرا تشکیل داده است .

اداره دولتی و حقوق اداری بفرنج ترین پدیده های سیاسی رومبناپسی محسوب میگردد، زیرا با پیچیده ترین پدیده رومبناپسی جامعه که عبارت از دولت است ارتباط دارد از این لحاظ ضرورت درک علمی حقوق اداری و اداره دولتی به خاطر پروسه انقلابی کشور محبوب ما افغانستان در سمنگیری و جهت دادن مناسبات اجتماعی عادلانه یک امر عینی بوده تا در مناسبات اداری، اداره دولتی خصصت طبقاتی و ماهیت اداره دولتی ج.د.ا. بصورت واقعی تبارز داده شود.

باسرنگونی نظام کهن اداری، انقلاب ثور اساسات علمی حقوق اداری جدید و مترقی را که امروز در عرصه فعالیت ارگانهای اداره دولتی قرار گرفته، بنیاد گذاشت.

حقوق اداری و اداره دولتی کشور ما قبل از انقلاب ثور از منافع اقلیت ستمگر، مرتجعین و فئودالان در عرصه فعالیت ارگانهای اداره دولتی حمایت و پشتیبانی مینمود، ولی امروز حقوق اداری ج.د.ا. به اراده و خواستههای اکثریت عظیم نفوس کشور استوار میباشد و از همین لحاظ است که حقوق اداری ج.د.ا. خصصت طبقاتی خویش را در عرصه فعالیت های ارگانهای اداره دولتی حفظ و مشخص نموده است.

حقوق اداری ج.د.ا. متشکل از نور مهی انقلابی است به خاطر اینکه علیه هر نوع ستم و تبعیض در اداره دولتی، سمنگیری مشخص و معین نموده است. ماهیت و خصصت حقوق اداری ج.د.ا. را، ماهیت و خصصت اداره دولتی که آنها در ذات خود به اساس ماهیت و خصصت اجتماعی و اقتصادی یعنی زیر بنای اقتصادی دولت معین و مشخص میگردد منعکس میسازد.



## قابل توجه خواننده گان گرامری

- به تعقیب این اثر و آثار قبلی دکاتور عبدالرحیم ، عنقریب آثار ذیل موصوف بدسترس خواننده گان محترم قرارخواهد گرفت :
- ۱- اساسات حقوق دولتی (اسامی) جمهوری ده و کراتیک افغانستان .
  - ۲- مفاهیم و ترمینولوژی (اصطلاحات) حقوق بین الدول ، روابط بین المللی و دیپلوماسی .
  - ۳- مسایل سیاسی جهان .
  - ۴- حقوق بین الدول عمومی معاصر .
  - ۵- اساسات حقوق جزاء جمهوری ده و کراتیک افغانستان .

